



اسطوره مجاهدت و خدمت

تدوین و گردآوری:

مهدی محمدی

دبیران علمی:

رضاحسین گندم کار

عزیزالله فهیمی



سرشناسه: محمدی، مهدی، ۱۳۴۸ مرداد -، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: اسطوره مجاهدت و خدمت/ تدوین و گردآوری مهدی محمدی؛ دبیران علمی رضا حسین
گندم‌کار، عزیزالله فهیمی.
مشخصات نشر: قم: دانشگاه قم، انتشارات، ۱۴۰۴. مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.
شابک: ۵-۲۲-۸۷۳۷-۶۲۲-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: قاضی خرم‌آبادی، مهدی، ۱۳۰۶ - ۱۳۸۸ - یادنامه‌ها
مجتهدان و علما -- ایران - سرگذشتنامه 'Ulama -- Iran -- Biography'
شناسه افزوده: گندم‌کار، رضا حسین، ۱۳۴۵ - فهیمی، عزیزالله، ۱۳۴۰ - دانشگاه قم. انتشارات
رده بندی کنگر: BP ۵۵/۳ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸ شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۱۸۱۴۰



انتشارات دانشگاه قم

عنوان: اسطوره مجاهدت و خدمت (بزرگداشت مرحوم آیت الله قاضی خرم‌آبادی)
مؤلف: جمعی از مولفان. دبیران علمی: حسین رضا گندم‌کار، عزیزالله فهیمی
تدوین و گردآوری: مهدی محمدی
ناظر فنی: علیرضا معظمی
صفحه آرا: مصطفی نظام آبادی طراح جلد: احمد رضا حیدری
چاپ و صحافی: هوشنگی. نوبت و سال چاپ: اول پاییز ۱۴۰۴
شمارگان: ۱۰۰۰ بهاء: ۲۰۰۰۰۰ تومان
شابک: ۵-۲۲-۸۷۳۷-۶۲۲-۹۷۸ ISBN: 978-622-8737-22-5
آدرس الکترونیکی: <https://book.qom.ac.ir>
کلیه حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است.
قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه
تلفن: ۳۲۱۰۳۳۴۴

تقدیم بر

روح پر فتوح دخت نبوت،

همسر ولایت و مادر امامت حضرت زهرا علیها السلام

که جناب قاضی از ارادتمندان ایشان بود و

اولین فعالیت عام المنفعه خود را

به نام این بزرگوار

نام گذاری کرد.



از اقدامات جنابعالی در مسائل مذهبی و زحمات
شما برای اعتلای کلمه اسلام تقدیر و تشکر
می‌کنم. امید است انشالله تعالی موفق به خدمت
به اسلام و مسلمین باشید و هر چه بیشتر توفیق برای
تهذیب اخلاق جامعه بوسیله موسسات فرهنگ
اسلامی پیدا کنید.

والسلام علیکم
روح الله الموسوی الخمینی



خدمات برجسته‌ی این روحانی پرتلاش و مبتکر چه پیش از انقلاب و چه در دوران مبارک جمهوری اسلامی، از ایشان، شخصیتی کم‌نظیر در جامعه‌ی روحانیت و حوزه‌های علمیه پدید آورده بود و درگذشت ایشان، فقدانی تأسفبار است.

سیدعلی خامنه‌ای



بلندنظری و دوراندیشی دو ویژگی بارز آیت‌الله قاضی

احمد حسین شریفی^۱

حضرت آیت‌الله قاضی سال ۱۳۰۶ به دنیا آمدند و ۱۳۸۸ در سن ۸۲ سالگی از دنیا رفتند. ایشان زندگی بسیار پرتلاش و حقیقتاً اسطوره گونه‌ای را سپری کردند که اگر در کتاب‌ها مطالعه کنیم واقعاً با یک اعجوبه به معنای واقعی کلمه مواجه می‌شویم. با یک اسطوره که همه حوزه‌های فعالیت‌اش حداقل برای شخص بنده حالت افسانه‌ای بود. تقریباً در سن جوانی ایشان جریان ملی شدن صنعت نفت پدید می‌آید که خیلی پرشور به تهران، منزل آیت‌الله کاشانی رفته و اعلام حمایت می‌کنند.

در خرم‌آباد فعالیت‌های گسترده‌ای در تهییج مردم برای دفاع از ملی شدن صنعت نفت و مجلس شورای ملی آن زمان که رأی به مصدق بدهند، انجام دادند و در تلگرافخانه خرم‌آباد تحصن کردند که مبادا کودتایی بشود و منتخب مردم رأی نیاورد. او می‌دانست کجای تاریخ قرار دارد و در هر دوره از زمان چه کاری باید انجام دهد. او در اوج جوانی تصمیم می‌گیرد در مقابله با فعالیت‌هایی که آن زمان حزب توده علیه دین داشت، کار علمی فرهنگی انجام دهد. در کنار کار علمی و

۱- متن سخنرانی رئیس دانشگاه قم در سالگرد مراسم حضرت آیت‌الله شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی در سالگرد رحلت ایشان در سال ۱۴۰۳ در مسجد الغدیر دانشگاه

فرهنگی، کار عملی هم انجام دادند و مقابل دو نفر از کارمندان دادگستری خرم‌آباد که یکی دادیار بوده و یکی بازپرس و از حزب توده دفاع می‌کردند ایستاد و به آن‌ها اجازه فعالیت نداد.

رژیم پهلوی پس از این جریانات دستور بازداشت ایشان را صادر می‌کند و در پاسخ به آن اقدام، مردم خرم‌آباد به صحنه می‌آیند و بازار را تعطیل می‌کنند و خواستار آزادی ایشان می‌شوند که نشان‌دهنده جایگاه عظیم این طلبه جوان در میان مردم خرم‌آباد بوده است. در کنار این فعالیت‌ها به کمک پسرعموی خود که از نظر سنی شرایط اخذ امتیاز روزنامه را داشته، روزنامه «صدای لرستان» را راه می‌اندازد و فعالیت‌های اجرایی آن را به دست می‌گیرد تا بتواند پیام مذهبیون و مخالفان حزب توده و مارکسیست را منتشر کند. و این روزنامه پایگاهی می‌شود برای فکر اسلامی و فعالیت‌های درست سیاسی و افشاگری فعالیت‌های رژیم پهلوی و توده‌ای که سرانجام، انتقادی کوبنده از دادستان لرستان منجر به تعطیلی این روزنامه می‌شود.

توصیه می‌کنم به دوستان عزیز صحیفه امام را ببینند و نام آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی رو جستجو کنند. قریب به ۱۰ نامه در صحیفه امام منتشر شده که خطاب به آیت‌الله قاضی بوده است. ببینید چه رابطه قلبی و صمیمانه‌ای امام با این شاگرد خود دارد و چه جایگاهی در نزد امام داشته است. به نظر بنده این پیام‌ها قابلیت تحلیل محتوا دارند که چند مقاله علمی از آن منتشر شود.

ولی مظلومیت آیت‌الله قاضی حتی در دانشگاه قم طوری است که کمتر ابعاد شخصیتی ایشان مطرح می‌شود. فعالیت‌های اجتماعی این مرد واقعاً افسانه‌ای و اسطوره‌ای است. اصلاً باور کردنی نیست کسی که در دهه سی در سنین جوانی و در زمانی که خرم‌آباد برق نداشت و دولت نمی‌توانست به شهر برق رسانی کند، موتورخانه برق این شهر را با بهره‌گیری از ابعاد مختلف شخصی، خانوادگی و متولیان دیگر تأسیس می‌کند.

آن زمانی که کسی حتی اسم مسکن ملی و مسکن مهر و مسکن اجتماعی را نمی‌دانست، ایشان یک شهرک فاخر از نظر معماری و مهندسی در خرم‌آباد تأسیس می‌کند و به صورت اقساطی به نیازمندان واگذار می‌کند که هنوز هم جزو شهرک‌های بی‌نظیر محسوب می‌شود.

از دهه ۵۰ نیز با کمک شهید مدنی صندوق قرض‌الحسنه‌ای برای کمک به مردم تأسیس می‌کنند. همچنین با الهام‌گیری از مدرسه علوی در تهران که توسط مرحوم کرباسچیان تأسیس شده و به تربیت نیروهای مذهبی و انقلابی مشغول بود، با مشورت خود مرحوم کرباسچیان، دبیرستان علوی را در خرم‌آباد تأسیس می‌کنند. همچنین در آن زمان و در منطقه‌ای کاملاً سنتی که زنان از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار نبودند یک مؤسسه فرهنگی به نام «فاطمیه» برای فعالیت‌های علمی، مذهبی و فرهنگی بانوان تأسیس می‌کنند.

بخش دیگری که شخصیت این بزرگ مرد را برای ما نمایان می‌سازد پیام‌هایی است که بزرگان پس از رحلت ایشان صادر کردند. مقام معظم رهبری در پیام خود می‌فرماید: «شخصیت روحانی دانا و توانا، پرتلاش و مبتکر، شخصیت کم‌نظیر در جامعه روحانیت و حوزه‌های علمیه و دارای تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و فداکارانه» و این تعابیر نشان‌دهنده شخصیت بسیار والای آیت‌الله قاضی بوده است.

ابعاد مدیریتی ایشان باورکردنی نیست. ایشان تا سال ۱۳۸۸ که رئیس این دانشگاه بودند مسئول دفتر نداشتند. ما با این که شبانه روز هم در دانشگاه هستیم نتوانستیم چنین منضبط باشیم و وقت را مدیریت کنیم. و این هنرمندی ایشان بوده که توانستند نظم و انضباط را با مدیریت اجرایی داشته باشند. در مدت فعالیت خود حقوق از بیت‌المال نگرفتند و حتی شمع از بیت‌المال مصرف نکردند. و حتی غذای مهمانان دانشگاه را از هزینه شخصی تقبل می‌کردند. این کار در حرف راحت است اما در عمل بسیار سخت است.

ایشان از یک خانواده ممتول بودند و جایگاه اجتماعی بسیار بالا داشتند اما زندگی ایشان در اوج سادگی بود. یکی از پزشکان متخصص خرم‌آباد پس از رحلت ایشان به فرزندانشان گفته بود که قبل از انقلاب دهه چهل و پنجاه، ایشان نزد من آمدند و گفتند هر کسی آمد شما درمان می‌کنید و اگر مسئله مالی داشت من تقبل می‌کنم. زمانی که این دانشگاه داشت تأسیس می‌شد، اوایل دهه هفتاد بین دوستان صحبت می‌شد در درس فقه که خبر دارید دارند دانشگاه قم را می‌سازند؟ گفتیم کجا؟ گفتند اصفهان! یعنی رفت و آمد به اینجا که در آن زمان تماماً بیابان بود به منزله رفتن به اصفهان برای اهالی قم بود و این دوراندیشی این مرد بزرگ را نشان می‌دهد که ۱۴۰ هکتار زمین را تهیه کند و با تلاش خود از صفر بسازد.

و از تلاش مخلصانه ایشان، حالا دست هر خادمی برای این دانشگاه باز است که هر توسعه‌ای در این دانشگاه انجام دهد.

ایشان ولی نعمت دانشگاه قم هستند و باید هر روز به یاد ایشان باشیم و برکت آن را در زندگی خود خواهیم دید.

گزارش تشکیل و اقدامات ستاد بزرگداشت

بنیان گذار و مؤسس فقید دانشگاه

حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی رحمته الله علیه

پس از برگزاری مراسم یادبود پانزدهمین سالگرد ارتحال آیت الله قاضی در مسجد الغدیر دانشگاه قم، ریاست محترم دانشگاه در نامه‌ای مکتوب به تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۸ از استاد ارجمند، حجت الاسلام والمسلمین دکتر فهیمی درخواست نمودند تا با عنایت به خدمات ارزنده حضرت آیت الله قاضی و لزوم تجلیل از مقام شامخ ایشان، ستادی با این هدف تشکیل و در این زمینه فعالیت نماید.

مهم‌ترین هدف از تشکیل این ستاد، برنامه‌ریزی همه‌جانبه جهت بزرگداشت و زنده نگه‌داشتن نام و یاد آیت الله قاضی در دانشگاه قم و در سطح مجموعه آموزش عالی کشور برشمرده شد.

پیرو دستور ریاست محترم دانشگاه، جلسه‌ای مقدماتی توسط حجت الاسلام والمسلمین دکتر فهیمی (دبیر ستاد) با حضور دکتر گندمکار (قائم‌مقام ستاد)، حجت الاسلام والمسلمین آقای فرجی و آقای موسوی در اسفندماه ۱۴۰۳ تشکیل شد. در این نشست، چارچوب‌های اصلی تشکیل ستاد، ترکیب اعضا و کارگروه‌های مرتبط تبیین گردید.

نخستین جلسه رسمی ستاد بزرگداشت آیت الله قاضی در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ با حضور ریاست محترم دانشگاه تشکیل و بر اجرای مصوبات تأکید شد. در ادامه، در فروردین ماه ۱۴۰۴، دبیرخانه دائمی ستاد در سازمان مرکزی دانشگاه تشکیل گردید. علاوه بر نصب تابلو توسط روابط عمومی، فراخوانی از همکاران دانشگاه برای ارسال مطالب به دبیرخانه انجام شد. همچنین گروهی در پیام رسان ایتا با عضویت اعضای ستاد و مدیران دانشگاه ایجاد گردید. جلسات ستاد و کارگروه های آن به صورت منظم تا پایان شهریورماه برگزار شد، شامل:

- پنج جلسه رسمی ستاد
- بیش از ده جلسه کارگروه های تخصصی زیرمجموعه

برخی از مصوبات مهم که در دستور کار و مرحله اجرا قرار گرفته اند، عبارت اند از:

- احداث تندیس آیت الله قاضی در محوطه روبروی ساختمان مرکزی دانشگاه
- برگزاری همایش بزرگداشت در تاریخ ۱۰ آذر ۱۴۰۴، هم زمان با شانزدهمین سالگرد ارتحال ایشان، در تالار شیخ مفید با سخنرانی دکتر حداد عادل و آیت الله حسینی بوشهری و با حضور دانشگاهیان، مسئولان وزارت علوم، حوزه علمیه، مسئولان ارشد استان های قم و لرستان، نمایندگان مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی، ائمه جمعه استان های قم و لرستان، شخصیت های حوزوی و دانشگاهی، بیت معظم له و ...

- افتتاح موزه دانشگاه و تلویزیون اینترنتی در روز مراسم سالگرد
- نگارش و چاپ کتاب ویژه آیت الله قاضی توسط دکتر موحدی و رونمایی از آن در مراسم

- تدوین و چاپ کتابچه ای شامل خلاصه ای از زندگی نامه، مقالات و خاطرات معظم له و توزیع آن در مراسم و میان دانشجویان جدیدالورود
- فضاسازی و تبلیغات در سطح دانشگاه های استان و در شهرهای قم و خرم آباد
- تهیه مصاحبه ها و کلیپ های ویژه همایش توسط روابط عمومی

- نصب تابلوهای تمثال آیت‌الله قاضی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری
در اتاق معاونان، مدیران و دانشکده‌ها

- هماهنگی با نماینده ولی فقیه در استان لرستان جهت دعوت از مدعوین و
تعیین سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه دهه اول آذرماه با موضوع «نقش
آیت‌الله قاضی در انقلاب اسلامی» در شهر خرم‌آباد

در حال حاضر، مراحل ساخت تندیس، تهیه کتاب‌ها و دعوت از مدعوین
همایش در دست اقدام است.

دبیرخانه ستاد

تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

پیشگفتار ۱۹

زندگی نامه

آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی ۲۵

بخش اول: خصوصیات فردی ۴۱

کارهای عام المنفعه حضرت آیت الله قاضی (محمد هادی قاضی خرم آبادی) ۴۳

اخلاق در خانه و خانواده (زهره قاضی خرم آبادی) ۴۸

روحانی دانا و توانا (سید محمد رضا طاهری) ۵۱

شیخ مهدی قاضی؛ مردی خستگی ناپذیر، مبتکر و فداکار (حمید رضا ابراهیمی) ۵۴

سیره آیت الله قاضی در مورد دلسوزی و عملکرد پدران ایشان (علی اله بداشتی) ۵۷

برگی از افتخارات (علیرضا باقری ثالث) ۵۹

عالمان دینی احیاگر مکتب آل محمد (مجید جعفر تبار) ۶۲

آیت الله قاضی؛ شخصیتی کریم، معتدل و نقدپذیر (محمد تقی دیاری بیدگلی) ۶۵

آیت الله قاضی؛ عالمی دوراندیش و اهل اقدام و عمل صالح (عسکر دیرباز) ۶۹

سه ویژگی آیت الله قاضی (حسین رشیدی) ۷۲

آغاز یک مسیر ناآشنا (زهره صداقتی) ۷۳

آنچه خوبان همه دارند، او به تنهایی داشت (عزیز الله فهیمی) ۷۶

مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی حضرت آیت الله قاضی (علی نقی فقیهی) ۸۱

آیت الله قاضی و سخت کوشی (رضا حسین گندمکار) ۸۳

آیت الله قاضی و خدمت بی منت (رضا حسین گندمکار) ۸۵

قاضی و ارادتش به امیر المؤمنین علی (ع) (مهدی محمدی) ۸۷

فقیه بی ادعا (سید طه مرقاتی خویی) ۹۳

مساعی آیت الله قاضی در راستای تحقق آرمان های حضرت امام خمینی (قدس سره) در

خصوص بانوان (اقدس یزدی) ۹۶

بخش دوم: خصوصیات مدیریتی ۹۹

تخصص گرایی در اندیشه و عمل قاضی خرم آبادی (حمید رضا ابراهیمی) ۱۰۱

بهره وری در دانشگاه (احمد استاد جعفری) ۱۰۳

حافظ امین بیت المال (احمد استاد جعفری) ۱۰۶

- نگاهی به دیدگاه آیت الله قاضی (محمد پورکیانی) ۱۰۹
- قاضی و فعالیت های قرآنی (محمد رضا تقدیری) ۱۱۲
- اهتمام حضرت آیت الله قاضی بر فعالیت های فرهنگی (طاهره چاووشیان) ۱۱۶
- مدیری با دقت بی نظیر، وجدانی بیدار (غلامرضا حافظیان) ۱۱۸
- جایگاه زنان از نگاه آقای قاضی (عزیزه سادات حسینی هاشمی) ۱۲۰
- روایتی از دغدغه های مردمی آیت الله قاضی (غلامرضا خانی) ۱۲۴
- آیت الله قاضی خرم آبادی و شیوه مدیریت ایشان به خصوص در مورد پروژه های عمرانی و تأسیس دانشکده فنی و مهندسی (مهدی خداپرست و ابوالقاسم معزی) ۱۲۶
- دانایی و توانایی (محمد ذبیحی) ۱۲۸
- ویژگی های مدیریتی آیت الله قاضی (حجت اله شایان (راهزانی)) ۱۳۱
- مساعادت شخصی در جهت برگزاری مطلوب آزمون سراسری (محمود رحیمی) ۱۳۲
- نمونه هایی از رفتارهای مدیریتی حضرت آیت الله قاضی (اسماعیل زارع) ۱۳۵
- سیره آیت الله قاضی در ارتباط بی واسطه با ارباب رجوع (سید محمد مهدی سجادی) ۱۳۷
- خلاقیت های حضرت آیت الله قاضی در ساخت و سازها (عبدالرضا رزاقی) ۱۴۲
- اخلاص قاضی (سید احمد رضا شاهرخی) ۱۴۵
- عزم راسخ آیت الله قاضی در پیشبرد امور (سید احمد رضا شاهرخی) ۱۴۸
- استفاده از تکنولوژی روز در سیستم آموزشی دانشگاه (محمد حسین شفیعی) ۱۵۱
- دانش در خدمت جامعه؛ میراث ماندگار آیت الله قاضی (سید مجتبی طباطبایی) ۱۵۵
- مدیر شایسته و قاضی فرهیخته (محمد فولادی) ۱۵۷
- تغافل (حسین قالبدار) ۱۵۹
- حضرت آیت الله قاضی و توسعه کتابخانه کوثر واحد خواهران (سهیلا کاظم نژاد) ۱۶۱
- سازماندهی کتابخانه مرکزی دانشگاه قم با اصول علمی (مهدی محمدی) ۱۶۳
- یادگار ماندگار (محمد حسن نادری) ۱۷۰
- آیت الله قاضی خرم آبادی؛ مدیری مؤثر، معلمی الهام بخش (علی احمد ناصح) ۱۷۳
- آرزو بر جوانان عیب نیست (مصطفی نظام آبادی) ۱۷۸
- سکه ای برای عزت همکار (مصطفی نظام آبادی) ۱۸۱
- کسی که از بُن جان کتابدار بود (دکتر علیرضا هویدا) ۱۸۳

پیشگفتار

پس از رحلت جانشوز عالم ربانی حضرت آیت الله شیخ مهدی قاضی، رئیس و بنیانگذار فقید دانشگاه قم در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲ و آرام گرفتن ایشان در حرم مطهر حضرت معصومه (س)، همه ساله در این روز برنامه های مختلفی در دانشگاه قم برگزار می شود. در همین راستا، در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۲۴ هیئت امنای دانشگاه در نشست دهم خود مقرر کرد که به پاس خدمات سی ساله حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی در دانشگاه قم، اقدامات زیر انجام گیرد:

۱. نام گذاری کتابخانه مرکزی دانشگاه قم به نام کتابخانه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی
۲. نام گذاری بلوار ورودی دانشگاه منتهی به کتابخانه مرکزی دانشگاه به نام بلوار حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی
۳. تأسیس نمایشگاهی دائمی در ساختمان کتابخانه مرکزی به منظور بزرگداشت مقام حضرت آیت الله قاضی
۴. برگزاری کنگره سالانه بزرگداشت مقام حضرت آیت الله قاضی همزمان با سالروز رحلت آن عالم ربانی

از آن تاریخ، همه ساله برنامه های مختلفی در دانشگاه به منظور بزرگداشت رئیس فقید دانشگاه برگزار و آثار پژوهشی مختلفی در همین راستا منتشر می شود. تاکنون آثار زیر منتشر شده است:

۱. یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی: شامل زندگی نامه، خاطرات، مصاحبه، پیام های تسلیت و ... ، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه، ۱۳۸۸، ۱۳۲ ص.
۲. تجلی اخلاص و ایثار: یادنامه بزرگداشت اولین سالگرد ارتحال حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره)، دبیرخانه بزرگداشت اولین سالگرد ارتحال حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۹، ۵۲۰ ص.

۳. تجلی اخلاص و ایثار (سبک زندگی): حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره)، بنیانگذار دانشگاه قم، [بی جا: بی نا، بی تا]

در طول این سال ها نیز به تناوب برنامه های مختلفی در دانشگاه برگزار می شود. در سال ۱۴۰۴ نیز برنامه های مختلفی در نظر گرفته شد. در این سال، رویکرد برنامه در مقایسه با سال های قبل کاملاً متفاوت بوده و برنامه های جامعی در نظر گرفته شد. برای این منظور، بنا به پیشنهاد ریاست محترم دانشگاه، حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر شریفی که خود از ارادتمندان و علاقه مندان حضرت آیت الله بودند، ستاد بزرگداشت حضرت آیت الله قاضی در دانشگاه تشکیل شد و جناب آقای دکتر حسین رضا گندم کار به عنوان قائم مقام و جناب آقای دکتر عزیزالله فهیمی به عنوان دبیر ستاد و جناب آقای سید سعید موسوی به عنوان مسئول دبیرخانه مشخص شدند. در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۹ جلسه هماهنگی بزرگداشت حضرت آیت الله قاضی برگزار شد و برنامه ریزی برای برنامه های مختلف از همان روزهای پایانی سال ۱۴۰۳ شروع شد. بعد از آغاز سال ۱۴۰۴، در ۱۴۰۴/۱/۲۷ دومین جلسه ستاد تشکیل و برنامه های مختلفی مصوب شد. جلسات ستاد تقریباً به صورت منظم تشکیل و برنامه های مختلفی مصوب شد که از مهم ترین آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. فضا سازی دانشگاه اعم از داخل و بیرون دانشگاه با عکس ها و یادمان های مرحوم حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی:

برای این منظور، عکسی از مرحوم حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی به همراه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری تهیه و در اتاق های مسئولان دانشگاه نصب شد تا مراجعان، به ویژه دانشجویان، با خدمات این چهره آشنا گردند.

۲. نصب سردیس و یادمان حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی در فضای بیرونی ساختمان سازمان مرکزی دانشگاه:

به طوری که مقرر شد سردیسی با طراحی خاص نصب گردد. دفتر روابط عمومی دانشگاه مسئولیت آماده سازی سردیس و دفتر عمرانی دانشگاه با همکاری معاونت اداری و مالی و امور عمومی دانشگاه، مسئولیت طراحی و نصب فضای فیزیکی سردیس را بر عهده گرفتند.

۳. تهیه یادمان و تندیس دانشگاه قم که به شکل هنری طراحی شده و در قالب های مختلف در برنامه های مختلف برای میهمانان و شخصیت های مختلف

داخلی و خارجی اهدا گردد:

ایده اولیه این طرح از سوی ریاست محترم دانشگاه ارائه شد و روابط عمومی نیز اجرای آن را بر عهده گرفت. طرحی به هنرمند برگزیده کشور و چهره بین‌المللی طراحی، جناب استاد نجابتی سفارش داده شد و تبادل نظرهای مختلفی برای طرح زیر در نظر گرفته شد.



۴. تهیه کتاب زندگینامه حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی در قالب اثر ادبی و

هنری تحت عنوان "عالم عامل":

برای این منظور، قرارداد طرح پژوهشی بین معاونت پژوهشی و جناب آقای دکتر محمدرضا موحدی، دانشیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه قم بسته شد و نامبرده متعهد شدند که اثر گفته‌شده را تهیه و جهت انتشار در اختیار معاونت پژوهشی دانشگاه قرار دهد.

۵. تهیه مستند حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی:

از طرف روابط عمومی دانشگاه قراردادی منعقد و عملیات ساخت فیلم آغاز شد. با بسیاری از شخصیت‌ها اعم از برخی از اعضای محترم خانواده حضرت آیت‌الله قاضی، معاونان، دوستان و همکاران ایشان مصاحبه‌هایی به عمل آمد. همچنین، به منظور به تصویر کشیدن اقدامات حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، تیم تصویربرداری به استان لرستان و شهر خرم‌آباد مسافرت و از مکان‌های خاص فیلمبرداری کرد و با اشخاص مختلف از جمله برادر حضرت آیت‌الله و... مصاحبه‌هایی انجام داد. به منظور به تصویر کشیدن دقیق حوادث، هماهنگی و نشست با آقای احمد قاضی، فرزند مرحوم قاضی، به عمل آمد تا با معرفی شخصیت‌های مطرح و مطلع، روایتگری تاریخی موارد ضبط گردد.

۶. راه‌اندازی و تأسیس تالار افتخارات و موزه دانشگاه:

برای این منظور، ابتدا روابط عمومی دانشگاه نشستی با متخصصان و کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان برگزار کرد. پس از معرفی شرکت‌های تخصصی و افراد متخصص در امر راه‌اندازی موزه از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تماس‌هایی با اشخاص و شرکت‌ها به عمل آمد تا رزومه و نمونه‌ای از فعالیت‌های خود را در همین راستا به روابط عمومی دانشگاه ارسال کنند. پس از بررسی رزومه‌ها، برخی از شرکت‌ها انتخاب و از آنان جهت بازدید از مکان موزه و ارائه طرح عملیاتی خود دعوت به عمل آمد. کارشناسان مربوطه از مکان بازدید کردند و طرح مد نظر خود را ارائه دادند.

۷. راه‌اندازی تلویزیون اینترنتی دانشگاه:

راه‌اندازی تلویزیون اینترنتی از برنامه‌های مد نظر روابط عمومی بود و در همین راستا، پس از بازدید از ساختمان استودیوی دانشکده صدا و سیما و بهره‌گیری از مشاوره‌های تخصصی کارشناسان آنان، مکان مناسبی جهت راه‌اندازی تلویزیون اینترنتی دانشگاه در نظر گرفته شد و عملیات آماده‌سازی آن آغاز شد.

۸. مستندسازی کلیه اقدامات و برنامه‌های ستاد بزرگداشت:

برای این منظور، از سوی روابط عمومی کلیه فعالیت‌های انجام‌شده و جلسه‌های برگزار شده، فیلم‌ها و عکس‌های رسانه‌ای تدوین شد و کلیپ‌های مختلفی جهت نمایش در مراسم بزرگداشت تهیه شد.

۹. برنامه‌ریزی برای برگزاری مراسم بزرگداشت:

سرانجام پس از برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده، مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۰ در تالار شیخ مفید دانشگاه قم با سخنرانی حضرت آیت‌الله حسینی بوشهری و جناب آقای دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان فارسی، برگزار شد. همچنین مقرر شد در این مراسم، مقاله‌های زیر ارائه گردد:

- «تلاش حضرت آیت‌الله قاضی در ایجاد رشته‌های علوم قرآنی و آموزش همگانی فعالیت‌های قرآنی در دانشگاه قم» از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سیدرضا مودب
- «رویکرد آیت‌الله قاضی به پژوهش و امور پژوهشی در دانشگاه قم» از جناب آقای دکتر محسن

جوادی

- «آیت‌الله قاضی و اهتمام ویژه به استقلال آموزشی و ارتقای اخلاق اسلامی واحد خواران»

توسط سرکار خانم دکتر زهره برقی

۱۰. تهیه کتاب خاطرات و دلوشته‌های مربوط به حضرت آیت الله قاضی:

برای این منظور، مقرر شد موضوعات مختلفی از ویژگی‌های فردی و رفتار مدیریتی حضرت آیت الله قاضی انتخاب و جهت تألیف به اشخاص مختلفی سفارش داده شود. برای این منظور، ۱۲۲ موضوع شناسایی و به اشخاص مختلفی سفارش داده شد. پس از پیگیری‌های به عمل آمده، تعداد ۵۴ دلوشته و خاطره به دبیرخانه ستاد وصول شد. موارد واصله در اختیار روابط عمومی دانشگاه قرار گرفت و مسئول روابط عمومی دانشگاه مسئولیت تدوین اثر را بر عهده گرفت. اثر تهیه شده جهت انتشار در اختیار انتشارات دانشگاه قرار داده شد.

در تألیف کتاب حاضر، نویسندگان محترم یا به ویژگی‌های فردی و شخصی حضرت آیت الله قاضی پرداخته بودند یا شیوه‌های مدیریتی ایشان را مد نظر داشتند. لذا مطالب کتاب در دو بخش «ویژگی‌های فردی» و «رفتار مدیریتی» تنظیم شده است. از آنجایی که همه نویسندگان از ارادتمندان مرحوم قاضی بودند، در تنظیم کتاب نخواستیم نوشته عزیزی را بر دیگری مقدم بداریم؛ لذا در چینش مطالب، ترتیب الفبایی فامیل نویسندگان مد نظر بوده و بر اساس آن تنظیم شده است، اما به احترام مرحوم قاضی، نوشته‌های مربوط به خانواده حضرت آیت الله در ابتدا قرار گرفته است. لازم به توضیح است که به خاطر احترام به حقوق معنوی نویسندگان و پژوهشگران، سعی کردیم از دست بردن در اثر و تغییر اندیشه اصلی خودداری کنیم؛ اما برای روانی بهتر مطالب، تغییرات جزئی در صورت نیاز داده شد.

شکل‌گیری آثار پژوهشی این چینی و انجام فعالیت‌های گفته شده، نیازمند تلاش دسته‌جمعی و گروهی است که جا دارد از تمامی تلاش‌های عزیزان، به‌ویژه پیشنهادهای ارزنده و تلاش‌های پیگیر ریاست محترم دانشگاه، حمایت‌ها و مشارکت‌های فعالانه معاونین محترم دانشگاه و اعضای هیئت رئیسه، قائم مقام ستاد بزرگداشت جناب آقای دکتر گندم‌کار، دبیر ستاد جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر فهیمی و دبیرخانه ستاد جناب آقای موسوی و تمامی همکارانمان در بخش‌های مختلف معاونت اداری و مالی، مدیریت مالی، مدیریت اداری، اداره امور عمومی، کارپردازی، حراست، دفتر طرح‌های عمرانی دانشگاه و به‌ویژه از ریاست محترم آن جناب آقای دکتر سعادت‌طلب سپاسگزاری کنیم که با فعالیت‌های شبانه‌روزی خود سعی کردند یادمان را برای افتتاح در تاریخ مقرر آماده نمایند.

در کنار فعالیت‌های این عزیزان، چند بخش مختلف تلاش‌های شایانی را بر عهده داشتند که از

آن جمله می‌توان به انتشارات دانشگاه، به‌ویژه جناب آقای معظمی مدیر محترم انتشارات دانشگاه، همکاران محترم در روابط عمومی، به‌ویژه گروه ساخت مستند، گروه سمعی و بصری، گروه اطلاع‌رسانی و آقایان حقیقی‌مقدم و کردی‌زاده بابت آماده‌سازی موزه و تلویزیون اینترنتی اشاره کرد که اگر تلاش‌های این همکاران نبود، شاید این فعالیت‌ها به نتیجه نمی‌رسید.

علاوه بر تیم‌های گفته‌شده، برخی از عزیزان نهایت تلاش و همکاری خود را با ستاد بزرگداشت به عمل آوردند تا فعالیت‌های دیگر ستاد برای این رخداد مهم آماده گردد که از آن جمله می‌توان به همکار ارجمندمان جناب آقای دکتر محمدرضا موحدی نویسنده و پژوهشگر عالم‌عامل، استاد نجابتی هنرمند ممتاز و برگزیده کشورمان و طراح نماد دانشگاه، هنرمند ارجمند جناب آقای حسینی مسئول محترم حوزه هنری قم جهت انتخاب و سفارش سردیس حضرت آیت‌الله قاضی، و جناب آقای ونکی مدیر پرتلاش و پیگیر حوزه هنری اشاره کرد که نهایت سپاس و امتنان قلبی خود را از همه این عزیزان اعلام می‌داریم.

لازم می‌دانم نهایت امتنان و سپاس قلبی خود را از دوست تلاشگر، دلسوز، متعهد و برادر ارجمندم جناب آقای مصطفی نظام‌آبادی فراهانی اعلام نمایم که با دقت و تعهد مثال‌زدنی، آماده‌سازی و طراحی کتاب حاضر را بر عهده گرفتند. آقای نظام‌آبادی از مدیران خوش‌نام و متعهد دانشگاه هستند که برای مدتی مسئولیت روابط عمومی دانشگاه را در زمان مرحوم آقای قاضی بر عهده داشتند و امروز با آماده‌سازی و طراحی اثر حاضر، بار دیگر دین خود را به حضرت آیت‌الله قاضی (ره) ادا کردند.

در پایان، ضمن تشکر از تلاش‌های همه عزیزان در به سرانجام رسیدن این فعالیت‌ها و پوزش از همه عزیزانی که ممکن است نام و زحمات آنان از قلم افتاده باشد، معترفیم که علیرغم همه دقت‌ها و تلاش‌ها، اثر حاضر عاری از خطا و اشتباه نبوده و نیست و از عزیزان درخواست می‌شود دیدگاه‌ها، نظرات، انتقادات و پیشنهادهای خود را با روابط عمومی دانشگاه قم در میان بگذارند تا در چاپ‌های بعدی، نکات یادشده مرتفع گردد.

امید است مجموعه اقدامات انجام‌شده مورد رضای حضرت احدیت قرار گیرد و نام و یاد این خادم دلسوز جامعه دانشگاهی زنده نگه داشته شود.

خود بخونود باشی و ما رستگار

خدایا چنان کن سرانجام کار

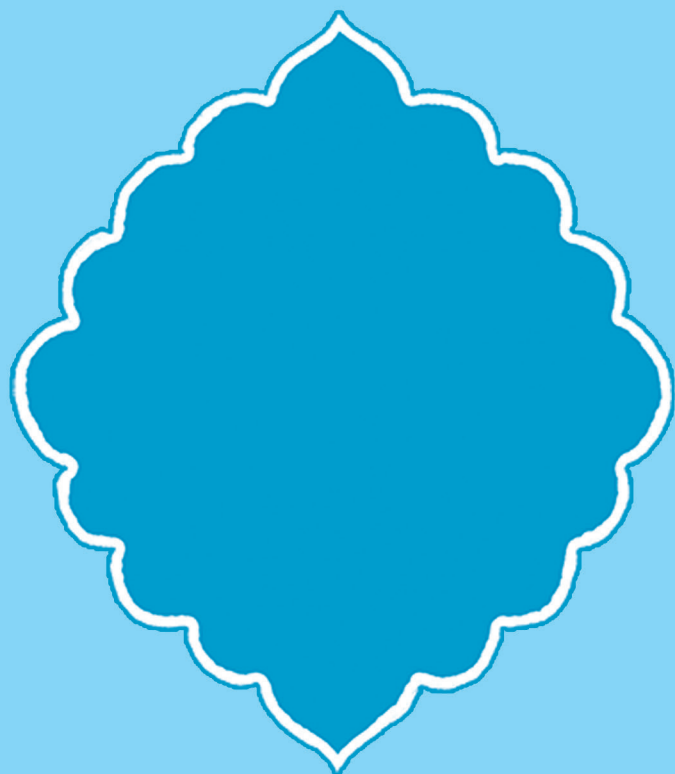
دکتر مهدی محمدی

مسئول روابط عمومی دانشگاه قم



زندگی نامه
آیت الله حاج شیخ مهدی
قاضی خرم آبادی رحمۃ اللہ علیہ





نیم نگاهی بر زندگینامه آیت الله شیخ مهدی قاضی خرم آبادی

مقدمه

مردان بزرگ در همت‌های بلند و عمق فکری‌شان تجلی پیدا می‌کنند. گفتگو پیرامون شخصیت مردان بزرگ کار دشواری است؛ چرا که آنها دارای شخصیت چندبعدی هستند که سخن گفتن پیرامون آنها کار را مشکل می‌کند. علاوه بر آن، مرور زمان و گذشت روزگار چهره آنها را بهتر از گذشته معرفی خواهد کرد. انسان‌های بزرگ به علت ایمان و بندگی مخلصانه به درگاه خداوندی از مطرح شدن و بازگو کردن خدمات آنان گریزان هستند و راضی بر آن نیستند که خدماتشان بازگو شوند. حضرت آیت الله قاضی از چنین شخصیت‌هایی بودند (شاهرخی، ۱۳۸۸، ص ۶۴). لازم است در جامعه نیز بزرگداشت‌هایی برای این گونه افراد برگزار گردد چرا که سپاسگزاری از آنها به نوعی سپاسگزاری از خداوند است چرا که «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

تولد مهدی قاضی

مهدی قاضی در ۲۰ بهمن ۱۳۰۶ هجری شمسی همزمان با نیمه شعبان سال ۱۳۴۸ هجری قمری در شهرستان خرم‌آباد در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش حاج رضا از تجار و معتمدین محل به‌شمار می‌رفت. وی پس از طی دوران ابتدایی، جهت تحصیل علوم حوزوی در اوان نوجوانی وارد حوزه علمیه شد و پس از مدتی نیز به قم عزیمت کرد و از محضر استادانی چون آیت الله صدوقی، صاحب‌الداری، اشتهاودی، اشراقی، سلطانی طباطبایی، علامه کرباسچی، مشکینی و محقق دادماد کسب فیض کرد. در طول دوران تحصیل خود در درس‌های خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، آیت الله کمالوند نیز شرکت می‌کردند. سید احمد شاهرخی امام

جمعه خرم‌آباد در این خصوص می‌گوید:

آیت‌الله شیخ مهدی قاضی (ره) جزء کسانی بودند که بعد از جریان شهریور ۱۳۲۰ وارد حوزه علمیه قم شدند و از محضر اساتید بزرگ آن زمان بهره‌مند گردیدند که از آن جمله می‌توان به حضرت امام خمینی (ره) اشاره کرد (شاهرخی، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

پس از مدتی در معیت حضرت آیت‌الله کمالوند به لرستان برگشت و در مدرسه کمالیه به امر تدریس مشغول شد. بعد از فوت حضرت آیت‌الله کمالوند، بنا به درخواست طلاب و روحانیون و با اجازه حضرت امام خمینی و اکثر مراجع تقلید وقت، مسئولیت حوزه علمیه کمالیه را عهده‌دار شدند.

دعوت از روحانیون سرشناس جهت ارائه سخنرانی به استان



قاضی به همراه سایر روحانیون استان، به منظور تبلیغ دین اسلام و روشنگری مردم لرستان سعی داشتند شخصیت‌های مطرحی را جهت ارائه سخنرانی دعوت نمایند. در این فرآیند توانسته بود زمینه سخنرانی خطیبانی چون آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، آیت‌الله جعفر سبحانی،

شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید هاشمی‌نژاد و مرحوم فلسفی را فراهم سازند. مرحوم قاضی نیت خود را از دعوت از شخصیت‌های این چنینی را این گونه بیان می‌کند:

ما برای این که انقلاب در بین جوانان رواج پیدا کند و جوانان بیشتر به انقلاب رو بیاورند و نسبت به آن شناخت بهتری پیدا کنند، درست‌ترین شیوه را در این دیدیم که از افراد متعهد و صالح دعوت کنیم. بنابراین، از شخصیت‌هایی چون آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، آیت‌الله جعفر سبحانی، شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید هاشمی‌نژاد و مرحوم فلسفی برای این امر استفاده کردیم (یادنامه حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

همچنین آنان از شهید مدنی درخواست کرده بودند که به شهرستان تشریف بیاورند و بعدها نیز در آنجا مستقر شدند. قاضی در خصوص نحوه آمدن شهید مدنی به استان لرستان معتقد است که: ما در آن زمان علاقه داشتیم جهت سرپرستی و هدایت جوانان یک شخصیت عالم و وارسته به لرستان بیاید. بعد از مدتی پی بردیم آیت‌الله مدنی در همدان تحولات بزرگی را ایجاد کرده

و اقدامات مهمی نیز انجام داده است. بنابراین، از وی دعوت کردیم به لرستان بیاید. ایشان نیز موافقت کردند و ما بعد از موافقت ایشان نامه‌ای خدمت امام خمینی (ره) نوشتیم و امام نیز با این موضوع موافقت کردند و بدین ترتیب آیت‌الله مدنی به لرستان آمدند و در آنجا فعالیت‌های زیادی از جمله حمایت از افراد بی‌بضاعت را انجام دادند (یادنامه حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

قاضی و کارهای عام‌المنفعه

قاضی در کنار تحصیل و تدریس از کارهای عام‌المنفعه غافل نبود و در این مسیر مجدانه کوشا بودند و توانسته‌اند آثار عام‌المنفعه بیشتری برجای بگذارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



۱. تأسیس کارخانه برق در شهر خرم‌آباد: مرحوم قاضی با تأسیس این کارخانه که قبل از راه‌اندازی شبکه سراسری توزیع برق کشور بود، توانست برق مورد نیاز اهالی شهرستان خرم‌آباد را تأمین نماید.

۲. تأسیس شهرک قاضی‌آباد: همچنین مرحوم قاضی توانست طبق اصول نوین شهرسازی شهرکی را تحت عنوان «شهرک قاضی‌آباد» تأسیس و خانه‌های آن را در بین افراد کم‌درآمد شهر تقسیم نماید.

۳. تأسیس دبیرستان علویه: قاضی در دوران خفقان ستم‌شاهی که تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی از حساسیت‌های خاصی برخوردار بود، توانست «دبیرستان علویه» را تأسیس و راه‌اندازی نماید. اما طولی نکشید که این مرکز علمی از سوی ساواک به تعطیلی کشیده شد. مرحوم قاضی در مورد نحوه تأسیس این مدرسه می‌گوید: با توجه به شرایطی که در آن زمان وجود داشت برای این که بانوان بتوانند راحت‌تر مراسم مذهبی را برگزار کنند، موضوع ساخت مکان مورد نظر با مرحوم حاج نبی مصطفی‌زاده مطرح شد، زمین آن از سوی یک بانوی محترمه واگذار شد و مرحوم حاج مصطفی شروع به ساخت آن کردند. سال‌های بعد این مرکز به یکی از پناهگاه‌های دینی و مراکز فرهنگی مهم شهر تبدیل شد.

۴. وقف زمین برای مسجد و مجتمع‌های فرهنگی برای امور خیریه: میرعمادی امام جمعه خرم‌آباد در این خصوص معتقد است که قاضی در استان لرستان آثار ارزشمندی از خود بر جای گذاشته‌اند. سرپرستی حوزه علمیه کمالیه را داشتند و تربیت طلاب و وقف زمین برای مسجد و مجتمع‌های فرهنگی برای امور خیریه از جمله کارهای او بود (میرعمادی، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

۵. راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه علوی در خرم‌آباد: در خصوص راه‌اندازی این مرکز جناب آقای طاهری داماد ایشان این گونه معتقدند: ایشان در خرم‌آباد از طریق صندوق قرض‌الحسنه علوی که خود شخصاً تأسیس و تشکیل داده بود، وام‌های قرض‌الحسنه و بسیاری از موارد بلاعوض به خانواده‌های مستضعفان و ناتوان پرداخت می‌کرد.

۶. احداث مدرسه و دبستان در خرم‌آباد

۷. راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه علوی در خرم‌آباد: یکی دیگر از اقدامات مرحوم حضرت آیت‌الله قاضی که امروز در خدمت شهروند خرم‌آبادی می‌باشد، صندوق قرض‌الحسنه الغدیر است. در خصوص نحوه نام‌گذاری این موسسه هم در مقاله «قاضی و ارادتش به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام» صحبت شده است.

۸. درمانگاه الغدیر خرم‌آباد: یکی از اقداماتی که خانواده ولایی حضرت آیت‌الله به نام و یاد آن مرحوم انجام دادند، درمانگاه خیریه الغدیر است که در شهرستان خرم‌آباد راه‌اندازی شده و بسیاری از خدمات رایگانی را برای شهروندان عرضه می‌کند.

قاضی و امام خمینی (ره)

همزمان با شروع نهضت امام خمینی، قاضی از پیشگامان این حرکت بود و ارتباط نزدیکی



با معظم‌له داشت و چندین بار در ایام تبعید در نجف اشرف و پاریس به دیدار امام نائل شده بود. همچنین مرحوم قاضی در دوران مبارزات علیه ستم‌شاهی حلقه اتصال مراجع و به‌ویژه حضرت امام خمینی

با مردم لرستان بود و سعی کرد به طرق گوناگون از نهضت اسلامی آغاز شده حمایت کند. در این

مسیر چندین بار از سوی ساواک دستگیر و زندانی شده بود.

در آن ایام به دلیل شرایطی که حاکم بود سعی می‌کرد به طرق مختلف با امام ارتباط داشته باشد که اکثراً از طریق مسافرت‌های هوایی و سفر به کویت و سوریه انجام می‌گرفت و بعد به عراق می‌رفت و با امام دیدار می‌کرد.

شاهرخی در این باره معتقد است که «فعالیت‌های فرهنگی حضرت آیت‌الله قاضی پس از تبعید امام خمینی (ره) وارد مرحله جدیدی شد. ایشان روحانی روشن‌بینی بودند که قبل انقلاب خیلی از کشورها را از نزدیک دیده بود. این مساله به همراه ویژگی‌های شخصیتی ایشان از جمله تقوا، ایمان و اخلاص و محبت اهل بیت (ع) موجب شد تا حضرت امام (ره) او را به عنوان نماینده خویش در لرستان برگزیند» (شاهرخی، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نماینده امام خمینی در استان ابقاء شد و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت که نقش فعالی را در اعزام نیروها به مناطق جنگی بر عهده داشت.

بعد از سال ۱۳۵۸ و عزیمت مجدد قاضی به قم، هفته‌ای چند روز در تهران معاونت شورای عالی قضائی را اداره می‌کرد و توسط امام خمینی به عنوان «دبیر و عضو هیئت عفو امام خمینی» منصوب شد. شیخ عباسعلی صادقی رئیس حوزه علمیه کمالیه خرم‌آباد در این خصوص می‌گوید: برنامه‌ریزی جلسات با ایشان [مرحوم قاضی] بود و بسیار سیاستمدار بود و برنامه‌ریزی‌های وی نیز دقیق بود. ارتباط حوزه خرم‌آباد با امام که در نجف بود برقرار بود و مرتب نامه رد و بدل می‌شد (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

میرعمادی نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه وقت خرم‌آباد در خصوص نقش قاضی در شکل‌گیری نهضت امام خمینی و انقلاب معتقد است که این روحانی و عالم جلیل‌القدر در طول عمر پربرکت خود منشاء خدمات علمی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی چه قبل از پیروزی انقلاب و چه در دوران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بود. قبل از پیروزی انقلاب به عنوان مبارزی سیاسی و به عنوان یکی از شاگردان و یاران حضرت امام خمینی در ایجاد انقلاب و راه‌اندازی تظاهرات، راهپیمایی‌ها و اعتراضات علیه رژیم شاهنشاهی نقش کلیدی و اساسی داشت و از روحانیون مبارز استان لرستان به‌شمار می‌آمد (میرعمادی، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

قاضی و راه اندازی کمیته انقلاب

یکی از شم‌های مدیریتی مرحوم آقای قاضی زمان‌شناسی و حضور به موقع در جریانات بود. بعد از انقلاب اسلامی یکی از اقدامات انجام شده شکل‌گیری کمیته‌های انقلاب اسلامی است. مرحوم قاضی هم از جمله افرادی بود که در راه‌اندازی و شکل‌گیری کمیته انقلاب در خرم‌آباد و استان لرستان نقش کلیدی داشت. محمد روشن از اعضای جامعه روحانیت خرم‌آباد در این خصوص می‌گوید:

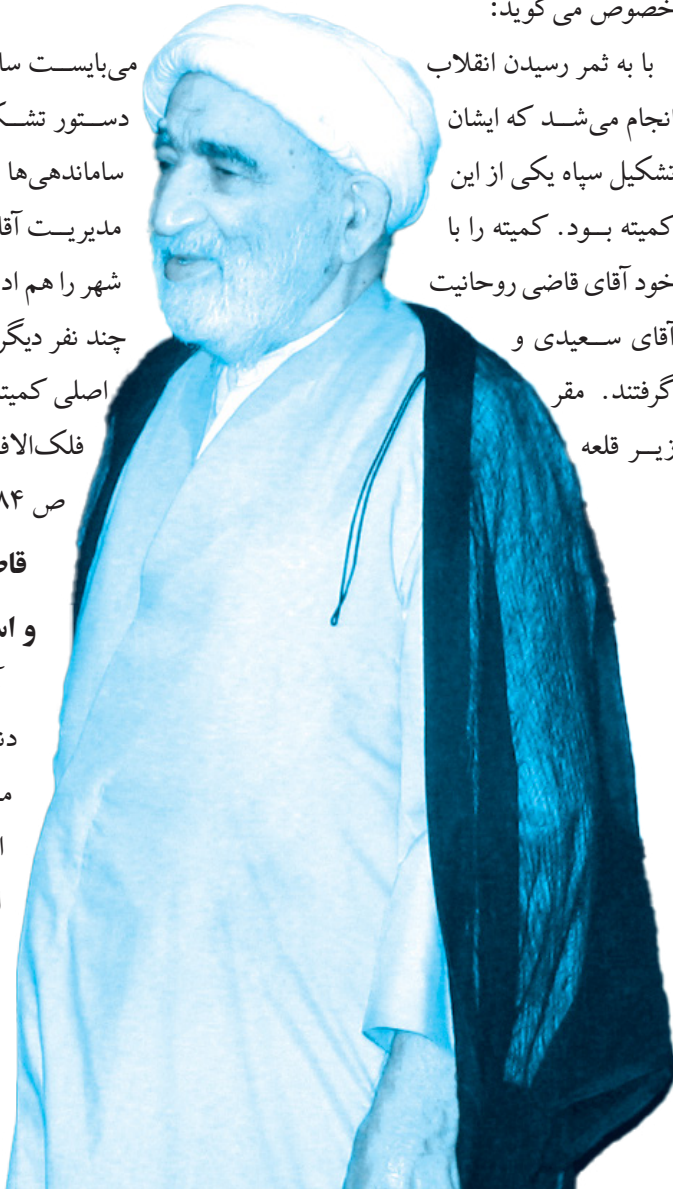
می‌بایست ساماندهی به شکل دیگری دستور تشکیل سپاه را داد. در واقع ساماندهی‌ها به حساب می‌آید. نخست مدیریت آقای قاضی تشکیل دادیم و شهر را هم اداره می‌کرد. آقای محسنی، چند نفر دیگر امور کمیته‌ها را در دست اصلی کمیته مکان دانشگاه لرستان فلک‌الافلاک بود(روشن، ۱۳۸۹، ص ۸۴).

با به ثمر رسیدن انقلاب انجام می‌شد که ایشان تشکیل سپاه یکی از این کمیته بود. کمیته را با خود آقای قاضی روحانیت آقای سعیدی و گرفتند. مقرر زیر قلعه

قاضی و کارهای ماندگار

و اساسی

آقای قاضی از همان ابتدا دنبال کارهای اساسی و ماندگار بودند و به دنبال این نبودند که صرفاً کاری انجام دهند که کاری انجام شده باشد. نگاهی به کارهای انجام شده از ایشان از جمله ساخت مهدیه آن هم در زمانی که رژیم حساسیت روی



محیط‌های فرهنگی داشتند، ساختن کارخانه برق آن هم در زمانی که هنوز سیستم توزیع برق منطقه‌ای دولت راه نیفتاده، راه‌اندازی دانشگاه قم در سال ۱۳۵۸ آن هم در حالی که یکی دو سال از انقلاب گذشته و جنگ آغاز شده و هنوز کشور در شرایط آرامش نیست، نمونه پرداختن به کارهای اساسی و ماندگار است. در این خصوص حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی معتقد است که «کارهای او [قاضی] خوب و روی حساب بود. یکی دیگر از امتیازات ایشان این بود که به دنبال انجام کارهای بزرگ بود و به انجام کارهای کوچک قانع نمی‌شد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۲۴). ابتکار و خلاقیت از دو ویژگی ممتاز و برجسته مدیریتی قاضی هستند، به طوری که میرعمادی امام جمعه وقت خرم‌آباد در این خصوص معتقد است که شهرک قاضی آباد بعد از گذشت چهل سال به گونه‌ای طراحی شده است که هیچ گونه ترافیک و مشکلات شهری در آن وجود ندارد. با یک مهندسی بسیار زیبا و ارزشمندی شکل گرفته است. این خلاقیت و ابتکار ایشان ستودنی است و برای شاگردان و علاقه‌مندان به او الگوی بی‌نظیری می‌تواند به حساب بیاید (میرعمادی، ۱۳۸۹، ص ۷۰).

قاضی و دانشگاه قم

قاضی تا تأسیس و راه‌اندازی دانشگاه نه با ساخت‌وساز و نه با راه‌اندازی مراکز فرهنگی غریبه نبود و تا آن مدت نمونه این کارها را انجام داده بود، اما ساخت دانشگاه قم را شیرین‌ترین خاطره خود نام می‌برد (یادنامه حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۶). قاضی در مورد نحوه شروع ساخت دانشگاه این گونه می‌گوید:

تأسیس دانشگاه قم به پیشنهاد جمعی از شخصیت‌های بزرگ و وارسته جهت جلوگیری از فعالیت کمونیست‌ها در اوایل انقلاب و حضور آنان در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها بود. چرا که با تأسیس این دانشگاه و تحصیل طلاب در آن و تقویت علمای آن، جلوی حضور کمونیست‌ها در دانشگاه‌ها گرفته می‌شد. بنابراین وقتی به قم آمدم پیشنهاد ساخت آن ارائه گردید و بنده هم با کمترین امکانات و به یاری و لطف خدا ساخت آن را شروع کردم (یادنامه حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

گفته می‌شود که هنگامی که ایشان زمین فعلی دانشگاه را تحویل می‌گیرند، با ۵ میلیون تومان فعالیت‌های عمرانی را در محوطه‌ای به مساحت ۲۴ هکتار آغاز می‌کنند. البته اکنون این محوطه به ۱۳۸ هکتار رسیده است. از این مساحت ۳۰ هکتار فضاهای آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و رفاهی و دانشجویی است و نزدیک ۴۰ هکتار آن به فضای سبز اختصاص یافته است که دانشگاه قم را در

زمره یکی از دانشگاه‌های سبز قرار داده است.

حضرت آیت‌الله قاضی هر کجا کاری را آغاز می‌کرد با آن خلوص و اخلاص، کار همیشه خوش می‌درخشید و می‌توانست اعتماد مردم و مسئولین امر را به خود جلب کند و همین این باعث شد مردم خرم‌آباد به گونه‌های مختلف چه از حضرت امام و چه از شهید بهشتی درخواست کنند که قاضی به خرم‌آباد برگردد و خدمت به مردم منطقه را پیشه خود سازد حتی در آن زمانی که دانشگاه را شروع کرده بود و عشق و علاقه خاصی به انجام کارهای فرهنگی و علمی داشت.

حضرت آیت‌الله مؤمن در این خصوص این گونه بیان می‌کنند:

ایامی که تازه به قم آمدند، به من فرمودند که می‌خواهم کار فرهنگی بکنم. دلم می‌خواهد یک دانشگاهی باشد که من آن را بچرخانم (مؤمن، ۱۳۸۹، ص ۳۶). روح قاضی چنان با دانشگاه عجین شده بود که وقتی خبرنگار اعزامی سیمای خرم‌آباد در مصاحبه‌ای از ایشان سوال می‌کند که شیرین‌ترین خاطره‌ای که دارید چه کاری است؟ آقای قاضی ساخت دانشگاه قم را شیرین‌ترین خاطره خود نام می‌برد.

وقتی حضرت آیت‌الله قاضی ساخت و مدیریت دانشگاه را پذیرفتند، چندین ویژگی خاص از ایشان در مورد دانشگاه زبانزد عام و خاص است. به طوری که تمامی اشخاصی چه شخصیت‌های نظام و افراد خاص مانند مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، حضرت آیت‌الله سبحانی، حضرت آیت‌الله مؤمن و... و چه کارکنان و استادان در لابه‌لای خاطرات خود بدان‌ها اشاره می‌کنند عبارتند از:

۱. حضور تمام وقت حضرت آیت‌الله قاضی در دانشگاه: حضرت آیت‌الله دارای مسئولیت‌های اجرایی مختلفی بر عهده داشتند اما تقریباً بعد از حضور در دانشگاه به نوعی همه آن مسئولیت‌ها واگذار کردند و به صورت تمام وقت در دانشگاه حاضر می‌شوند. به طوری که برخی از نزدیکان حضرت آیت‌الله عنوان می‌کنند که نامبرده در طول سال در حد چند روز آن هم در ایام خاص مانند عاشورا و تاسوعا، شب شهادت مولی‌الموحدین تعطیل می‌کردند ولی بقیه ایام سال را همیشه در دانشگاه حضور داشتند، هر چند این حضور با سختی‌هایی همراه بود. مقید بودن حضرت آیت‌الله به پیگیری امور دانشگاه چنان بود که ایشان حتی در ایام مریضی خود نیز از این مهم غفلت نمی‌کردند. حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در این خصوص چنین بیان می‌کنند:

گاهی شخصاً به دانشگاه قم می‌رفتم و از نزدیک کارهای ایشان را می‌دیدم و متوجه می‌شدم که واقعاً دانشگاه را به خوبی اداره می‌کنند. حتی تا اواخر عمرشان هم که بیماری ایشان شدت یافته

بود و مرتباً برای مشکل کلیه باید جهت دیالیز می‌رفتند، وقتی سوال و تحقیق می‌کردم؛ می‌گفتند ایشان در دانشگاه حاضر می‌شوند و کارها را انجام می‌دهند. من باور نمی‌کردم که به دانشگاه بروند؛ ولی گفتند به دانشگاه نیز می‌روند و کارها را انجام می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

در مورد حضور تمام وقت حضرت آیت‌الله در دانشگاه و عدم تعطیلی و استفاده از مرخصی، سرکار خانم عزیزه هاشمی حسینی مسئول واحد خواهران وقت دانشگاه نقل می‌کنند که:



یک روز خدمت این عالم جلیل‌القدر رسیدم و به ایشان گفتم: با توجه به این که بنده مدتی است که به مرخصی نرفته‌ام می‌خواهم برای مدتی از مرخصی‌هایم استفاده کنم. ایشان فرمودند: چرا؟ خسته شدید؟! کسی که دین دارد خسته نمی‌شود و از آن وقت بنده هم بدون یک روز مرخصی خدمت کرده‌ام.

۲. پرکاری و تلاش بیشتر: پرکاری و تلاشگر بودن دو ویژگی مهمی بودند که منش رفتاری حضرت آیت‌الله با آنها خو گرفته بود. در اهمیت این ویژگی همین بس که مقام معظم رهبری در پیامی که به مناسبت رحلت این عالم ربانی صادر کرده بودند این گونه نوشتند:

خدمات برجسته این روحانی پرتلاش و مبتکر چه پیش از انقلاب و چه در دوران مبارک جمهوری اسلامی، از ایشان شخصیت کم‌نظیر در جامعه روحانیت و حوزه‌های علمی پدید آورده بود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در بیان این ویژگی آقای قاضی معتقدند که «صفاتی که در ایشان خیلی بارز بود، یکی پرکاری ایشان بود که از کار خسته نمی شدند. خودشان یک بار به من گفتند که در مغز من رگی هست که نمی گذارد من خاموش باشم و بنشینم و دائماً این رگ مرا تحریک می کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۲۵). دکتر محمد ذبیحی در این خصوص معتقد است که «رهرو راستی او این چنین بود، تعطیل و غیر تعطیل نمی شناخت و به جرات می توان گفت غیر از روز شهادت امام علی علیه السلام و روز عاشورا که در دانشگاه دیده نمی شد، در تمامی اعیاد و مناسبت ها در محل کار حضور می یافت و امور عقب افتاده و نامه های رسیده را مطالعه و دستورات لازم را مکتوب می کرد» (ذبیحی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶). سید احمد شاهرخی از نزدیکان حضرت آیت الله قاضی در این باره می نویسند:

روحانی دانا و توانایی که از پایه گذاران نهضت امام خمینی (ره) در استان لرستان بود و در پیشبرد اهداف حضرت امام خمینی (ره) که همان اهداف اسلامی است، کوشا و پرتلاش بودند و هیچ گاه از خود خستگی بروز ندادند. او روحی بزرگ داشت و اهداف بسیار مهمی را دنبال می کرد (شاهرخی، ۱۳۸۹، ص ۹۲). سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم ایشان را «انسانی پرکار و تلاشگر» معرفی کردند (مؤدب، ۱۳۸۸، ص ۵۴).

۳. زهد و سخت گیری حضرت آیت الله در نحوه مصرف بیت المال: این ویژگی چنان در روح و منش رفتاری حضرت آیت الله تجلی می توان از یاران و ملازمان حضرت آقای قاضی اشاره نکرده باشند. آیت الله با عنوان «سخت گیری در اموال شخصی» یاد می کند.

۴. اخلاص در عمل: قاضی چنان اخلاص خود داشتند در طول



سال مدیریت خود در دانشگاه هیچ حق مسئولیت و یا حقوقی دریافت نکردند. حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از قاضی با عنوان عالمی مدیر و مدبر و با اخلاص و خدوم یاد می‌کنند که دانشگاه قم به طور آبرومندانه‌ای سرپرستی کردند و بی‌آنکه ذره‌ای از حقوق و مزایا و پاداش استفاده کند. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پیام تسلیت خود به مناسبت رحلت این عالم ربانی این گونه نوشته است:

آیت‌الله قاضی به منظور تربیت نیروهای متعهد و متخصص جزو بنیان‌گذاران مدرسه عالی قضایی، تربیت مدرس و دانشگاه قم بود که تا آخرین روز حیات خویش نیز در مسئولیت ریاست دانشگاه قم به تربیت نسل جوان اهتمام داشت. پاکی و ساده‌زیستی و خدمت بی‌اجر و مزد از خصوصیات بارز این انسان سالم و فداکار بود.

۵. پابندی به موازین دینی و اخلاقی: حضرت آیت‌الله قاضی شخص بسیار معتقد و مقید به دستورات اسلامی بود. برای رعایت موازین اخلاقی به قدری پافشاری و اهتمام داشتند که در نوشته‌های دیگران این مفاهیم به گونه‌های متفاوت دیده می‌شود. به عنوان مثال رضا حسین گندمکار قائم مقام دانشگاه به دو ویژگی «زهد و تقوا» اشاره داشتند. کامران دانشجو وزیر علوم، تحقیقات و فناوری از ایشان به عنوان «معلم اخلاق، اسوه خدمت و فضیلت» یاد کردند. حضرت آیت‌الله صادقی رئیس وقت حوزه علمیه کمالیه در هنگام درگذشت حضرت آیت‌الله قاضی ایشان را «اسوه گذشت»، حجه الاسلام والمسلمین تکیه‌ای ایشان را «عالمی عامل»، دکتر فضائی معاون آموزشی وقت، ایشان را به لحاظ شخصیتی یک «الگو»، محمد افضلی شهری معاون اداری و مالی وقت ایشان را «استاد عملی اخلاق»، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی آقای قاضی را «فردی پرکار، مخلص و دور از تظاهر» معرفی می‌کنند. در کنار این موارد، رعایت موازین شرعی در تحصیل بانوان و فراهم آوردن محیط آموزشی و پژوهشی مناسب برای این قشر از جامعه، پرهیز اکید از غیبت و بدگویی دیگران، از ویژگی‌های ممتازی بوده که در بسیاری از نوشته‌های اشخاص بدان‌ها پرداخته شده است.

مجموع ویژگی‌های گفته شده در کنار هوش سرشار و مدیریت خالصانه آقای قاضی، امروزه دانشگاه قم را به عنوان دانشگاه مادر با ۷ دانشکده و ۶ پژوهشکده و ۴۰ گروه آموزشی، ۱۶۸ رشته تحصیلی در سه مقطع کارشناسی (۴۲ رشته)، کارشناسی ارشد (۸۹ رشته) و دکتری (۳۷ رشته) با

جذب ۳۱۳ نفر هیات علمی (۳۶ استاد، ۱۲۶ دانشیار، ۱۳۷ استادیار و ۱۴ مربی) و با ۹۳۷۸ نفر دانشجو (۷۱۴۱ نفر معادل ۷۶/۱ درصد دانشجوی ایرانی، ۲۲۳۷ نفر معادل ۲۳/۹ درصد دانشجوی غیرایرانی) و با فارغ التحصیل کردن ۳۶۵۶۲ نفر، به یکی از دانشگاه‌های مطرح کشور تبدیل کرده است.

وفات حضرت آیت الله قاضی

سرانجام این عالم ربانی پس از ۸۲ سال مجاهدت و تلاش و پس از تحمل کردن رنج چندین ساله بیماری نارسایی کلیه و دیالیز، در سحرگاه ۱۳۸۸/۰۹/۰۲ در اثر ایست قلبی دار فانی را وداع و به دیدار معبود شتافت. روزهای آغازین آذرماه برای جامعه دانشگاهی و حوزه‌های علمیه روزهای حزن آلودی بوده چرا که شخصیتی را از دست داده بودند که به فرموده مولوی شاعر پرآوازه ایران: بسیار صبر بیاید پدر پیر فلک را که دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

و در این روزهای حزن‌انگیز بود که پیکر مطهر این «اسطوره مجاهدت و خدمت» بر سر و دست علاقه‌مندان و عاشقان در میان تاجر و اندوه و اشک تا کنار مضجع شریف حضرت معصومه (س) مشایعت شد تا پیکر نحیف قاضی در کنار یکی از نمایندگان خاندان عصمت و طهارت که قاضی عمری در راه نشر اندیشه‌ها و تعالیم آنان مجاهدت کرده بود آرام بگیرد. هر چند قاضی آرزو داشت که سال‌های آخر عمر خود را در نجف زندگی می‌کرد تا در کنار مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام آرام گیرد، اما گویا همه بدرقه کنان با گوش جان می‌شنیدند که قاضی به مولی خود می‌خواند که:



گر مرا هیچ نباشد نه به دنیا نه به عقبی چون تو دارم همه دارم، دگرم هیچ نباید
از آن روز تا کنون همه ساله ایام آذر به‌ویژه آغازین روزهای آذر برای علاقه‌مندان حضرت
آیت‌الله ایام حزن‌انگیزی است و شاید هم به خاطر همین، همه ساله در این ایام دور هم جمع
می‌شوند و زمزمه می‌کنند که:
چشم عاشق نتوان دوخت که معشوق نبیند پای بلبل نتوان بست که بر گل نسراید

منابع:

بهشتی، احمد (۱۳۸۹). مصاحبه با آیت الله دکتر احمد بهشتی سرپرست دانشگاه قم، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۵۷-۵۹.

ذبیحی، محمد (۱۳۸۹). خدمت بی منت قاضی در محضر قاضی، تجلی اخلاص و ایثار: یادنامه بزرگداشت اولین سالگرد ارتحال حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره)، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۱۷-۱۹۴.

روشن، محمد (۱۳۸۹). مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین محمد روشن از اعضای جامعه روحانیت خرم آباد، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۷۸-۹۰.

شاهرخی، سید احمد (۱۳۸۸). آیت الله قاضی، افق یکصدساله داشتند، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم.

صادقی، عباسعلی (۱۳۸۹). مصاحبه با حضرت آیت الله حاج شیخ عباسعلی صادقی رئیس حوزه علمیه کمالیه خرم آباد، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۶۰-۶۸.

عیدی، حمید (۱۳۸۹). مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین دکتر حمید عیدی استاد دانشگاه استان لرستان، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۷۲-۷۷.

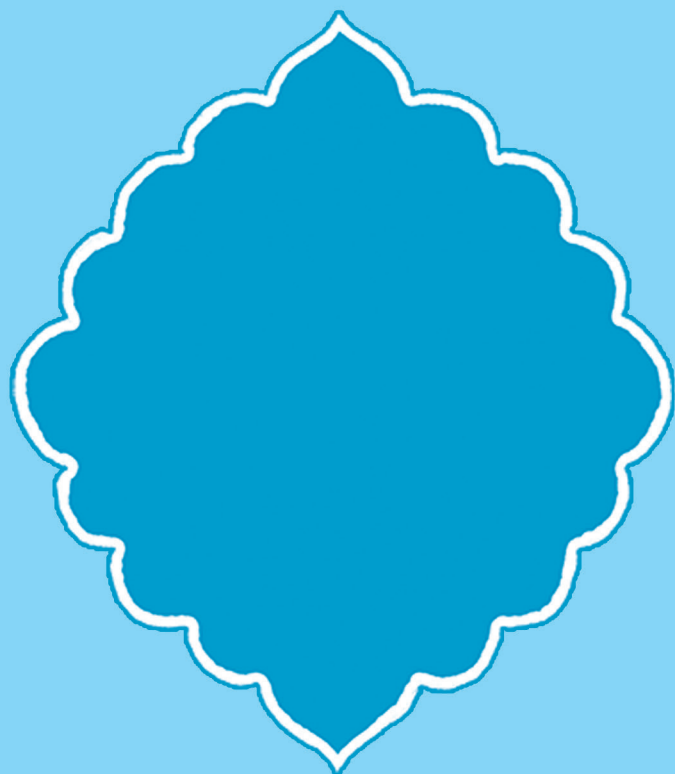
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تجلی اخلاص و ایثار: یادنامه بزرگداشت اولین سالگرد ارتحال حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره)، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۲۳-۲۵.

مؤمن، محمد (۱۳۸۹). مصاحبه با حضرت آیت الله مؤمن قمی، تجلی اخلاص و ایثار: یادنامه بزرگداشت اولین سالگرد ارتحال حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره)، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۳۴-۳۸.

مؤدب، سید رضا (۱۳۸۸). آیت الله قاضی (ره) انسانی پرکار و تلاشگر بودند، یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۵۵-۵۸.

میرعمادی، سید احمد (۱۳۸۹). مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین سید احمد میرعمادی نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم آباد، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۶۹-۷۱.

بخش اول: خصوصیات فردی



کارهای عام المنفعه حضرت آیت الله قاضی

محمد هادی قاضی خرم آبادی^۱

پیرو درخواست مسئولین و برگزارکنندگان محترم این گنگره از اینجانب در مقام فرزند ارشد، شاگرد و همراه ابوی مبنی بر بیان اقدامات عام المنفعه و خیرخواهانه معظم له، در حد توان سعی کردم به برخی از کارهای صورت گرفته در زیر اشاره کنم. ابتدا لازم می دانم در آغاز سخن به فرازی از پیام تسلیت مقام معظم رهبری که در فوت ایشان صادر کردند اشاره کنم: معظم له در پیام خود به موارد مختلفی اشاره کرده بودند که شاید مهمترین آنها این بود که حضرت آیت الله قاضی را «شخصیتی کم نظیر در جامعه روحانیت و حوزه های علمیه» نام بردند. نمونه ای از اقدامات انجام شده توسط حضرت آیت الله عبارتند از:

۱- ساخت حمام عمومی: شیخ مهدی جوان در سن ۲۶ سالگی یعنی ۳ سال پس از فوت والدش در زمینی که سهم الارث او بود اقدام به ساختن حمامی مدرن و بهداشتی شامل چند نمره خصوصی و یک حمام عمومی به نام گرمابه قاضی برای استفاده عموم در شهرستان خرم آباد می نماید. لازم بذکر است که تا آن زمان فقط حمام های عمومی همراه با خزینه رایج بود و آنان نیز از نظر بهداشتی مشکلاتی به همراه داشت. ایشان برای استفاده این حمام از آب بهداشتی که در مجاورت حمام بودند استفاده کرده بود. شیخ جوان پس از لوله کشی آب بهداشتی برای دفع فاضلاب بناهای مذکور اقدام به لوله گذاری از این ساختمان ها تا شبکه فاضلاب شهر می کند.

۱- فرزند ارشد مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

۲- تأسیس کتابخانه عمومی: مرحوم ابوی در ۲۷ سالگی نیز اقدام به تأسیس کتابخانه‌ای برای استفاده عموم در خیابان اصلی شهر و در نزدیکی مؤسسه فاطمیه در طبقه دوم چاپخانه علمی می‌کند که تمام کتاب‌های آن را با هزینه شخصی تأمین می‌نماید.

۳- وی در ۲۸ سالگی برای استفاده مردم شهر از غذا و نان سالم و بهداشتی، اقدام به تأسیس کارخانه آرد با ماشین‌های مدرن که همگی وارداتی بودند می‌نماید.

۴- تأسیس شرکت روشنایی خرم‌آباد: معظم له در سال ۱۳۳۵ در حالی که فقط ۲۹ سال سن داشت با مشارکت اخوی بزرگشان مرحوم حاج آقا نورالدین قاضی اقدام به تأسیس شرکتی به نام «شرکت روشنایی خرم‌آباد» نموده و با خرید موتور ژنراتورهای مورد نیاز و سیم‌کشی در یک شبکه وسیع خدمتی بزرگ به مردم شهر خرم‌آباد نموده و برق و روشنایی را برای مردم این شهر به ارمغان آورند.

۵- راه‌اندازی مجموعه انصارالحجّه: آیت‌الله قاضی ضمن دعوت از متمولین و معتمدین شهر، مجموعه‌ای را موسوم به «انصار الحجّه» برای رسیدگی به ایتم تشکیل می‌دهد که نامبردگان ماهیانه مایحتاج خانواده‌های ایتم را تأمین می‌کردند. یکی از مشوقین ایشان برای تشکیل این مجموعه مرحوم آیت‌الله شهید مدنی بودند.

۶- دعوت از سخنرانان مذهبی به خرم‌آباد: مرحوم ابوی برای آگاهی جوانان از مسایل دینی و مذهبی، هر ساله چندین بار از روحانیون فاضل و مبارز جهت سخنرانی و ارشاد جوانان دعوت بعمل می‌آورد و خود نیز در منزل پذیرای آن عزیزان بود. از جمله سخنرانانی که به دعوت مرحوم آقای قاضی در خرم‌آباد به تبلیغ دینی پرداختند می‌توان به آیات عظام ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، آل اسحاق، فلسفی، کافی، حائری شیرازی و ربانی املشی و شهیدان هاشمی‌نژاد و باهنر اشاره کرد.

۷- ساخت شهرک قاضی‌آباد: ایشان در سال ۱۳۴۵ در سن ۳۹ سالگی «شهرک قاضی‌آباد» را در مساحت ۲۰۰ هکتار تأسیس و به افراد و خانواده فاقد مسکن واگذار می‌کند که این شهرک توانست منزل مسکونی بیش از ۱۵۰۰ خانوار را فراهم سازد. این شهرک در شرق شهرستان خرم‌آباد قرار گرفته است و به تأیید مهندسین و مدیران شهری در تأسیس و راه‌اندازی آن اصول شهرسازی مراعات شده است. برای تأمین آب شرب و بهداشتی این شهرک چاه اختصاصی حفر شده و لوله‌کشی انتقال آب طولانی انجام شده است. کلیه تأسیسات این شهرک در سال ۱۳۵۴ به شهرداری خرم‌آباد واگذار گردید.

۸- تأمین آب شرب کوی فلسطین: ایشان با استفاده از امکانات فوق‌الذکر آب شرب «کوی فلسطین» که ساکنین مستضعفی داشت و فاقد آب لوله‌کشی بودند را فراهم می‌سازند.

۹- کمک به شبکه حمل و نقل شهری: در سال ۱۳۴۸ برای تسهیل در رفت و آمد مردم شهر با خرید ۵ دستگاه مینی بوس اقدام به راه‌اندازی شبکه حمل و نقل شهری در شهرستان خرم‌آباد می‌نمایند.

۱۰- تأسیس دبیرستان علوی: ایشان در شهرک قاضی‌آباد با تأسیس دبیرستانی مذهبی به نام علوی که با تشویق آیت‌الله شهید بهشتی و مؤسس دبیرستان علوی تهران به تربیت نوجوانان شهر می‌پردازد که در آن بیشتر تأکید بر آموزش مسائل مذهبی داشت. در آن سال‌ها در این دبیرستان نماز ظهر به جماعت برگزار می‌شد و به همین منظور با دستور ساواک، دبیرستان منحل می‌گردد. وی با دعوت از چند نفر جوان تحصیل کرده به نامهای آقایان محمودی فقیهی و رثایی به این مهم پرداختند.

۱۱- تأمین مواد غذایی مورد نیاز شهروندان: در به هنگام اوجگیری اعتصابات و انقلاب و بروز مشکلاتی در تأمین مواد غذایی مردم شهر، ایشان اهتمام ویژه‌ای در تأمین نان، گوشت و... مورد نیاز اهالی شهر می‌نماید. بطوری که با همکاری جناب آقای باقرزاده رئیس شرکت مرغک بابل که خود از مبارزان و انقلابیون مطرح بود مرغ مصرفی شهروندان را تأمین و در اختیار خانواده‌ها قرار داد.

۱۲- توزیع بنزین مصرفی در بین شهروندان: در همین راستا برای تأمین نفت مورد نیاز مردم شهرستان خرم‌آباد با سازماندهی جوانان شهر از محل امکانات پمپ بنزینی که متعلق به برادرش بود، بنزین مصرفی مردم شهر را تأمین و در اختیار خانواده‌ها قرار می‌داد.

۱۳- رسیدگی به خانواده‌های زندانیان سیاسی: به هنگام زندانی بودن در کمیته به اصطلاح ضد خرابکاری شاه هر زمان که به ملاقات ایشان می‌رفتم اسامی چند نفر از زندانیان خرم‌آبادی را به اینجانب می‌دادند و از من می‌خواستند به ملاقات خانواده آنها رفته و نیازهایشان را از محل بودجه‌ای که در اختیار اینجانب گذاشته بودند تأمین نمایم.

۱۴- تلاش در راستای کمک به شهروندان در همه حال: حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، دارای علو طبع و ساعی در انجام امور خیرخواهانه و دادرسی به مردم بودند کمتر کسی به ایشان مراجعه می‌کرد و دست خالی برمی‌گشت، ایشان هزینه‌های سفرهای

زیارتی افراد مستمند را تأمین و آنها را روانه سفر زیارتی می کرد. حتی به هنگامی که در شورای عالی قضایی به خدمت مشغول بودند در مسیر رفت و آمد قم به تهران مسافران را نیز به مقصد می رساندند.

۱۵- ساخت مسجد و کتابخانه در شهرک قاضی آباد: مرحوم پدر در اواسط دهه ۸۰ در زمینی به مساحت حدود ۳۰۰۰ مترمربع در شهرک قاضی آباد اقدام به احداث مسجدی عظیم با نمازخانه های برادران و خواهران و کتابخانه عمومی با ظرفیت یکصد هزار جلد می نمایند. در این مسجد علاوه بر نمازخانه و کتابخانه، آپارتمانی به مساحت صد مترمربعی برای سکونت پیش نماز مسجد و اطاق های متعدد ۵۰ تا ۸۰ مترمربعی برای برگزاری کلاس های درس و سایر نیازهای تفریحی در نظر گرفته شده است. مراحل تکمیل و ساخت آن بعد از فوت پدر و مرحوم اخوی حاج جعفر قاضی تاکنون به اتمام نرسیده و ان شاءالله در دو سال آینده تکمیل خواهد شد.

۱۶- تأسیس مؤسسه مالی و صندوق قرض الحسنه الغدیر: ابوی چند ماه قبل از رحلتشان فرزندان را فرا خوانده و از آنان می خواهند که یک سوم از اموالشان را به تأسیس مؤسسه خیریه «الغدیر» اختصاص دهند. این مؤسسه در راستای پرداخت هزینه سفر به مستمندان برای سفر به اماکن مذهبی و اعطای وام های قرض الحسنه به نیازمندان و پرداخت هزینه های درمان مستمندان فعالیت می کند.

۱۷- تأسیس و راه اندازی درمانگاه الغدیر: ورثه آن مرحوم با تشکیل مؤسسه ای به نام الغدیر که برادر مرحوم حاج احمد قاضی مسئولیت آن را به عهده دارند اقدام به تأسیس درمانگاه تخصصی دندانپزشکی در شهر خرم آباد نموده که با ۲۴ پزشک حاذق مشغول به درمان بیماران نیازمند به صورت بلاعوض می باشند. همچنین در حال حاضر با تخصیص زمینی به مساحت ۲۰ هزار متر در حال ساخت بیمارستانی در ورودی شهرک صنوف کمالوند در خرم آباد هستند. لازم به ذکر است که این اقدامات از محل سهم ثلث اموال مرحوم ابوی بوده که قبل از رحلتشان به فرزندان برای تسهیل در امر ثبت و راه اندازی مؤسسه رسماً واگذار کرده بودند.

۱۸- تأسیس و راه اندازی دانشگاه قم: مهم ترین و برجسته ترین اقدام آن مرحوم تأسیس و راه اندازی و اداره دانشگاه قم به مدت ۳۰ سال است. مرحوم قاضی تا آخر حیات مبارکشان به کارهای عمرانی در زمین دانشگاه ادامه دادند و نتیجه ۳۰ سال ریاست ایشان

در دانشگاه قم این شد که دانشگاهی جامع با رشته های تحصیلی مختلف و ساختمان های متعدد به وجود آید. بطوری که رئیس فعلی دانشگاه جناب آقای دکتر شریفی که خود یکی از شخصیت های متخصص، کاردان، مدیر و مدبر و با پشتکار هستند بیان کردند که «با تمهیداتی که مرحوم آیت الله قاضی اندیشیده اند دانشگاه قم برای پنجاه سال آینده نیاز به محلی برای توسعه نخواهد داشت».

موارد فوق بخشی از اقدامات معظم له در خصوص کارهای عام المنفعه بود که به رشته تحریر درآمد، رجاء واثق داریم که اقدامات ایشان که همگی خیرخواهانه و جهت گیری نیکوکارانه داشته باقیات الصالحات مقبول درگاه احدیت خواهد بود. سایر خدمات فرهنگی، اجتماعی، مذهبی ایشان مانند مدیریت حوزه علمیه خرم آباد از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۸، معاونت ایشان در شورای عالی قضایی، عضویت در کمیته عفو حضرت امام و مسئولیتشان در حوزه علمیه قم، ریاست هیئت مدیره تشکیلات بیمه و رفاهی طلاب حوزه علمیه قم همراه با حاج آقا نواب و... از سوی دیگران به کرات بیان شده و چنانچه مجدداً بازگو شود باعث اطاله کلام خواهد شد و بایستی در مقالی دیگر مفصل بدان ها پرداخته شود.

اخلاق در خانه و خانواده

زهرا قاضی خرم آبادی^۱

در احوال پدر، دوستان، همکاران و شخصیت‌های انقلابی سخنان زیادی گفته‌اند و نوشته‌اند. آنچه نظرم را جلب کرد، اخلاق پدر در خانه و با خانواده بود که شاید در پس درخشندگی دیگر خصوصیات ایشان - به ویژه شخصیت سیاسی، انقلابی، اجتماعی و مدیریت پرتلاش، خلافت و ابتکار ایشان - مغفول مانده است.

توجه به خانواده، چه در تربیت فرزندان و جهت‌دهی دینی و سیاسی و چه در راستای توجه به حقوق آنان در تنوع و تفریح و در جمع بودن، علیرغم مشغله زیاد کاری - چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن - از خصوصیات بارز ایشان بود.

با توجه به نظم و تقسیم‌بندی کاری که داشتند، مقید بودند که حتماً وقت یا اوقاتی را، هرچند کوتاه اما مفید، سازنده و بانشاط به خانواده اختصاص دهند. بیرون بردن خانواده در روزهای جمعه و تعطیلات به اطراف خوش آب‌وهوا، در جمع هم بودن و سپری کردن اغلب اوقات شب‌ها با اعضای خانواده، و تأمین آرامش و آسایش در خانه برای همسر و بچه‌ها از ویژگی‌های مرحوم پدر بود و برای انجام آن‌ها اهتمام زیادی داشتند؛ به‌طوری که مقید بودند حتی برای نماز صبح که بلند می‌شدند، مزاحمتی برای دیگران ایجاد نشود و لوازم مورد نیاز کار را از شب در راهرو می‌گذاشتند تا صبح که زود به محل کار می‌رفتند، مزاحمتی برای استراحت دیگران به وجود نیاورند.

احترام ویژه به مادر، از دیگر خصوصیات شاخص و جدی و عقیدتی ایشان بود و خیلی بدان

اهمیت می دادند و وقت می گذاشتند. به طوری که هنگام ورود و خروج، مستقیم خدمت مادر می رفتند و ضمن بوسیدن دستانشان، در کنارشان می نشستند و با ایشان صحبت، تفقد و شوخی می کردند. احترام به مادر در رأس امور منزل بود و همه ما را بدان متوجه و توصیه می کردند و خودشان پیشگام بودند. به طور مثال، اگر مادر را می دیدند که در فاصله نسبتاً دوری، شیئی یا ظرفی را به طرف آشپزخانه می آورند، در هر شرایطی که بودند - حتی در وسط غذا - با ناراحتی جدی بلند می شدند و می دویدند و آن را از ایشان می گرفتند. رضایت و امر و نهی مادر را در هر شرایطی فصل الخطاب می دانستند، حتی در زمان هایی که مناصب عالی دولتی داشتند، از جمله زمانی که معاون شورای عالی قضایی بودند.

و بین قم و تهران در تردد بودند. یک روز هنگام عزیمت برای خداحافظی و روبروسی نزد مادر آمدند. مادر گفتند: "همیشه نری؟" گفتند: "من دلم نیست بروی" و مکدر شدند. پدر در کنارشان نشستند و آن روز را به تهران نرفتند. من و همسر شاهد این ماجرا بودیم. همسر سؤال کردند: "واقعاً نمی روید؟" گفتند: "نه!" سؤال شد: "با توجه به اهمیت کارتان چطور نمی روید؟" گفتند: "تا زمانی که مادر رضایت و اجازه ندهند نمی روم، زیرا عدم رضایت و ناراحتی ایشان را گناه می دانم." و آن روز نرفتند. حضورشان در جمع خانواده، هرچند کم، باعث نشاط و شادی همه بود. با بچه ها و نوه ها خیلی صمیمی بودند و مثل یک بچه با آنها بازی می کردند و به دنبال آنها می دویدند. مقید بودند که حتماً گهگاهی با خریدن لباس برای مادر، همسر و فرزندان به منزل بیایند. روز زن حتماً با کادو به منزل می آمدند. در عین تمکن، به تشریفات و آداب و رسوم اهمیت نمی دادند. به طور مثال، در ازدواج هیچ یک از فرزندان خود، برنامه خاص مرسوم جشن و دعوت عمومی در تالار نداشتند. تنها یک میهمانی ساده ۲۰ الی ۳۰ نفری از بستگان درجه یک طرفین در منزل برپا می شد. واقعاً متخلق به اخلاق اسلامی و برخورد های علی گونه در برابر دوست و دشمن بودند و دقیقاً رعایت می کردند.

نقل این خاطره خارج از لطف نیست: در روزهای اول پیروزی انقلاب و سقوط رژیم طاغوت، مسئولین ارشد آن روز استان، نظیر استاندار، رئیس شهربانی، رئیس و معاون ساواک و غیره را دستگیر کرده بودند. آنان به این جهت که تحت مراقبت باشند تا فرار نکنند و در عین حال، در این مدت با آنان مطابق دستورات اسلامی و انسانی رفتار کنند تا برای محاکمه به دادگاه انقلاب داده شوند، آنها را در منزل خود و در مکانی مجهز اسکان دادند و با بهترین غذاها و دسر ها از آنان پذیرایی می کردند. از ایشان سؤال شد که چرا شما از آنها دیدن نمی کنید و حال آنان را نمی پرسید؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا طفره رفتند و سعی کردند پاسخی ندهند. اما وقتی اصرار اطرافیان را دیدند، پاسخ دادند که: «بعضی از آنها موقع دستگیری من در ساواک و در مسیر تحویل بنده به کمیته ضد خرابکاری در تهران، من را خیلی اذیت کردند و کتک زدند و اگر من الآن بروم نزد آنها و مرا ببینند، خجالت می کشند و من دوست ندارم که الآن آنها اسیر و زندانی ما هستند، منفعل و از این جهت اذیت بشوند.» و لذا نرفتند.

از خصلت‌های نیکویی که از مرحوم پدر به یاد دارم، این است که هیچ وقت سعی نمی کردند کارها و مشکلات بیرون را به خانه و منزل منتقل کنند و فارغ از همه چیز در جمع خانواده حاضر می شدند. خیلی از اقدامات و مساعدت‌های مهم و کارساز ایشان را ما از دیگران می شنیدیم. غیبت یا تعریف عادی از اتفاقات دیگران و فامیل در منزل ما جایگاهی نداشت و به هیچ وجه اجازه مطرح کردن نمی دادند و می گفتند: «مسائل و موارد دیگران ربطی به ما ندارد و نیازی به بازگو کردن ندارند.» خلاصه، اخلاق و رفتار و برخوردهای پدر در منزل و جمع خانواده، در عین صلابت و ابهت، کاملاً مهربانانه و صمیمی بود.

ایشان ضمن شوخ طبعی و مهربانی، اهتمام جدی به تربیت دینی، آرامش و آسایش فرزندان داشتند.

در پایان، لازم می دانم نهایت سپاس و تشکر خودم را از دست‌اندرکاران قدرشناس و خدوم دانشگاه، به‌ویژه ریاست محترم دانشگاه که نسبت به بزرگداشت یاد و نام مرحوم پدر اهتمام ویژه داشتند، اعلام کنم و معتقدم که این مراسم و بزرگداشت، بیش از آن که تجلیل از آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی باشد، انعکاس و تکریم خدمات جمهوری اسلامی و کارگزاران نظام است.

روحانی دانا و توانا

سید محمدرضا طاهری^۱

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالًا صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (قرآن کریم)

«خدمات برجسته این روحانی پرتلاش و مبتکر، چه پیش از انقلاب و چه در دوران مبارک جمهوری اسلامی، از ایشان شخصیتی کم‌نظیر در جامعه روحانیت و حوزه‌های علمیه پدید آورد.» (رهبر معظم انقلاب)

شخصیت و شاکله شخصی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی، برگرفته از تدین، تقید و تعهد در قبال احکام دین و انقلاب اسلامی بود و به همین جهت، چهره‌ای دینی، اسلامی، و سیاسی انقلابی به مفهوم واقعی، به طور جد و محکم بود. خلاقیت، ابتکار، دوراندیشی و هنرکار و تلاش، با توجه به دو اصل اساسی مکان و زمان، از ایشان شخصیتی ترکیبی و تلفیقی در نماد یک روحانی روشنفکر سیاسی توضیح‌المسائلی در میدان عمل و سنگر خدمت پدید آورده بود. روشنفکر نه به معنای مصطلح دین‌گریزی غرب‌گرایانه، بلکه به مفهوم واقعی با اتکا به دین‌محوری، خدا‌باوری و اسلام‌گرایی. خدمات ارزشمند و ماندگار قبل از انقلاب در خرم‌آباد، هم در جایگاه نماینده حضرت امام در لرستان و مسئول حوزه علمیه کمالیه - که نماد شاخص و مجسم انقلاب و مبارزه در استان بود - و هم در مقام ابتکار و تلاش و دوراندیشی در خدمت به مردم، ایشان را کاملاً چهره‌ای موفق، معتمد و مورد قبول قرار داده بود و این خود پدیده‌ای نو و نگاهی نوین از یک روحانی متعهد در عرصه خدمت - آن هم خدمات اجتماعی، عمرانی و فرهنگی - بود که

۱ - داماد مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

مردم را سخت تحت تأثیر و مجذوب خود کرده بود.

کارها و اقدامات بزرگی چون تأسیس شرکت روشنایی برق، احداث شهرک مدرن و به‌روز و مهندسی قاضی‌آباد، تأسیس دبیرستان ملی علوی با کارکرد اسلامی انقلابی، قوی و غنی در آموزش و پرورش نسل جوان، تأسیس مؤسسه مذهبی فاطمیه و... در دوران سیاه ستمشاهی، که فقر در انواع مختلفش بر چهره شهر سایه افکنده بود، در کنار اداره حوزه علمیه و فعالیت‌های وسیع انقلابی و سیاسی در مسیر نهضت امام خمینی، با برپایی محافل و مجالس بزرگ و هدفمند تبلیغی سیاسی انقلابی، با حضور و سخنرانی چهره‌های مطرح و انقلابی مبارز، جلوه‌ای مجسم از «خدمت» و «مبارزه» پدیدار و هویدا کرده بود. این شخصیت با متد کاری بلندپایه و مبتکرانه در نظام مقدس جمهوری اسلامی، در مدیریت مدرسه عالی قضایی تربیتی طلاب حوزه علمیه قم، معاونت شورای عالی قضایی، هیئت عفو امام، شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم و در نهایت احداث دانشگاه جامع و عظیم قم، این مرد دین و دنیا، سیاست و اجرا، کار و تلاش را به چهره‌ای کشوری ماندگار در بین بزرگان و جامعه، در لباس روحانی و نماد روحانیت متجلی نمود. این تفکر و اندیشه بلند، و ابتکار و توانایی و دانایی، و عملی کردن آن در جامعه محروم آن روز، و تداوم آن در نظام اسلامی، شاید منحصر و محدود به آیت‌الله قاضی بود، که مردم از این دریچه، ابتکار و خدمات بزرگ و متنوع در سطح شهر را به یک روحانی می‌نگریستند.

خدمات و اقدامات مهمی که نه تنها گوی سبقت را از دولت آن روز گرفته بود و شهر را متحول و متجدد ساخته بود، بلکه امروز هم بعد از گذشت ۶۰ سال، آثار و ماندگاری آن از نظر کیفی حرف اول را می‌زند. دیگر مصداق بارز و شاهد امروزش در نظام اسلامی، همین دانشگاه عظیم قم است، که با زمینی به وسعت ۱۴۰ هکتار، با همان نگاه بلند، دوراندیشانه و سخاوتمندانه، با معیارهای دقیق اسلامی احداث شده و تا ده‌ها سال آینده پاسخگوی نیازها و توسعه خواهد بود.

با جرأت می‌توان گفت افق دید و نگاه ایشان از مرز زمان و مکان عبور کرده و با بینش و نگرش «دانایی و توانایی» جلوتر از آن و با فاصله‌ای طویل حرکت می‌کرد. بدین معنا که اندیشه و تئوری منظومه فکریش با این نگاه طراحی و در اولین فرصت، با کمترین امکانات، آن را عملی و آغاز می‌کرد و در تداوم و تکمیل، تلاش میدانی داشت و منتظر مهیا بودن تمامی امکانات و اعتبارات و تجهیزات نمی‌ماند و مستقیماً وارد عمل می‌شد. دیگر هنر انحصاری ایشان، تعامل و سعه صدر هدفمند و کارساز، بدون هیاهو و به صورت خاموش، مفید و موفق بود. به‌طور مثال، در جمهوری اسلامی سابقه ندارد که یک فرد مدیر، آن هم روحانی، در قم، مرکز فقاقت و روحانیت، با حضور

بیوت و مراجع عظام تقلید با اندیشه‌های اجتهادی متنوع از طرفی، و دولت‌های مختلف در طول سه دهه، با گرایش‌های سیاسی گروهی و جناحی خاص، آن هم در محیط دانشگاه و دانشجو، پایگاه پژوهش و مطالبه‌گری، تحول، تجمع، تحصن، انتقاد، سیاست و انقلابی‌گری و خودنمایی، ۳۰ سال، نه تنها بدون تنش و اصطکاک و تخاصم، بلکه با وفاق، تفاهم، اتحاد، صمیمیت و دوستی و با پشتیبانی و حمایت تمام‌قد آنها، از زمان تأسیس تا زمان رحلت، به بهترین وجه ممکن، با قدرت و قوت آن را مدیریت و هدایت نمایند.

تا آنجا که امروز با گذشت ۱۶ سال از عروج ملکوتیش، حاضر و شاهد این تجلیل و تقدیر باشکوه، با برپایی جشنواره‌ای پرمعنا، به یاد و نام معظم‌له، در این جایگاه پرجنب‌وجوش علم و جوشش، یادگار ماندگار و میراث ارزشمندش، «دانشگاه قم» هستیم. روحش شاد، درجاتش متعالی، یادش گرامی و نامش جاودانه باد.

شیخ مهدی قاضی؛ مردی خستگی ناپذیر، مبتکر و فداکار

حمیدرضا ابراهیمی^۱

رهبر حکیم انقلاب در پیام کم نظیری که به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی صادر کردند، با عبارات مهمی مانند «عالم خدمتگزار و ایثارگر»، «روحانی دانا و توانا»، «شخصیتی کم نظیر» به برخی از ابعاد شخصیت جامع ایشان اشاره فرمودند. اما یکی از درخشان ترین ابعاد شخصیتی آیت الله قاضی خرم آبادی که در پیام رهبر حکیم انقلاب به صورت ویژه با دو عبارت «خدمات برجسته این روحانی پرتلاش و مبتکر» و «تلاش خستگی ناپذیر و فداکارانه این روحانی عالی قدر» مورد تأکید قرار گرفت، روحیه تلاشگر و مجاهد آن مرحوم بود.

به عبارت دیگر، امام خامنه ای عزیز برای روحیه تلاشگری آیت الله قاضی سه ویژگی متمایز «خستگی ناپذیری»، «ابتکار» و «فداکاری» را ذکر فرمودند که در ادامه به اختصار به آنها خواهیم پرداخت.

الف) تلاش خستگی ناپذیر

سراسر عمر مرحوم آیت الله قاضی مشحون از اقدامات و تلاش های با برکت و پرحجمی بود که از استان لرستان تا نجف، پاریس، تهران و قم و بسیاری از نقاط کشور در محیط های اجتماعی، سیاسی، قضایی، حوزوی و دانشگاهی امتداد داشت. به خاطر دارم پیرامون ساخت دانشگاه قم در مکان فعلی مطالبی را فرمودند که مضمون آن این

۱- مدیر فرهنگی دانشگاه زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

بود:

«وقتی که تصمیم گرفتیم برای قم، دانشگاهی بسازیم، به زمین‌های کوچ‌تر داخل شهر قانع نشدیم. چون می‌خواستیم دانشگاه بزرگی بسازیم مانند دانشگاه تهران که بعد از ده‌ها سال هنوز هم مورد استفاده و یکی از مراکز اصلی دانشگاهی کشور است.»

مرحوم آیت‌الله قاضی با این ایده بلند، حدود ۱۴۰ هکتار زمین را به صورت بیابانی بزرگ تحویل گرفتند و سپس با به کارگیری متخصصان، نقشه ساخت ابنیه و محوطه‌های این زمین بزرگ را تهیه نموده و با تلاش خستگی‌ناپذیر، خشت‌های اصلی دانشگاه قم را که امروز به صورت مجموعه‌ای با عظمت، زیبا و سرسبز جلوه گر است، بنا نهادند. این حجم سنگین از فعالیت‌ها و تلاش‌ها بی‌انگیز روحیه خستگی‌ناپذیر آن عالم مجاهد است.

ب) تلاش مبتکرانه

فعالیت‌های گسترده مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، غالباً همراه با ایده‌های جدید و تفکرات نوآندیشانه بود.

برخی اقدامات در مسیر مبارزات پیش از انقلاب همراه با انقلابیون، اقدامات ارزشمند در دستگاه قضایی، طراحی تأسیس دانشگاه قم، اقدامات خدماتی برای طلاب، تأسیس مجموعه‌های خدمت‌پایه و مسکن برای مردم استان لرستان، گویای روحیه ابتکار آن فقید سعید است. ایجاد یک محیط ویژه برای بانوان دانشگاهی که بتواند ضمن تطبیق با روحیات ایشان، دایره انتخاب بانوان ایرانی برای تحصیل در محیطی اختصاصی و مؤمنانه توسعه دهد، را می‌توان یکی از ابتکارات ایشان ذکر کرد.

ج) تلاش فداکارانه

مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی در همه روزهای سال بدون تعطیلات مشغول خدمت به جامعه علمی کشور بودند. ایشان علاوه بر روزهای تعطیل، حتی در برخی مواقع در روز اول فروردین هم در دفترشان حاضر می‌شدند و به پیگیری و سرعت بخشی توسعه دانشگاه می‌پرداختند.

به یاد دارم در اواخر عمر شریفشان که به دلیل بیماری کلیوی نیاز به دیالیز هم داشتند، با قوت در دانشگاه حاضر می‌شدند و با تمام جدیت امور را پیگیری می‌کردند.

نکته مهمی که وجود دارد این است که ایشان همه این اقدامات را وظیفه خود می دانستند و هرگز در طی سی سال ریاست دانشگاه قم، ریالی از بیت المال حقوق دریافت نکردند و به هیچ وجه از امکانات دانشگاه حتی برای تردد روزانه استفاده نمی کردند.

تلاش های خستگی ناپذیر، مبتکرانه و فداکارانه آیت الله قاضی خرم آبادی برای خدمت به مردم، انقلاب اسلامی و جامعه علمی کشور، الگویی ارزشمند و کم نظیر برای نظریه پردازی در حوزه مدیریت اسلامی و معرفی الگوهای برتر خدمت به جامعه و قشر نخبگان است.

سیره آیت الله قاضی در مورد دلسوزی و عملکرد پدران ایشان

علی اله بداشتی^۱

ایشان دلسوزی عجیبی نسبت به بیت المال و مجموعه نیروی انسانی دانشگاه قم داشتند که در اینجا در حد مجال، نمونه‌هایی که بیشتر تجربه شخصی اینجانب به عنوان عضو هیئت علمی است بیان می‌شود:

اول: با آنکه حق قانونی رئیس دانشگاه استفاده از امکانات دانشگاه در حد معقول و متعارف است، ایشان از این حق قانونی هم استفاده نمی‌کردند. دوستانی که در دهه هفتاد و هشتاد در دانشگاه قم تشریف داشتند می‌دانند که بسیاری از اعضای هیئت علمی و مدعوین وسیله نقلیه شخصی نداشتند و با سرویس دانشگاه رفت و آمد می‌کردند، اما شخص آقای قاضی که رئیس دانشگاه بودند با تاکسی تلفنی رفت و آمد می‌کرد. حتی از خودروی اعضای هیئت علمی استفاده نمی‌کرد. این خاطره را از ایشان دارم که روزی دیدم ایشان در ورودی ساختمان (ساختمان علوم پایه فعلی) ایستاده بودند. ایشان را دعوت کردم که در خدمتشان باشم، فرمودند: «با تاکسی تلفنی می‌روم» در حالی که ماشین‌های دانشگاه در پارکینگ بودند.

دوم: شاید در سال ۷۶ بود که برف سنگینی در قم آمد بود و سیستم‌های گرمایشی دانشگاه از کار افتاده بود. ایشان برای این که دانشجویان از درس عقب نمانند، حاضر نشد دانشگاه را تعطیل کند. خودشان هم با کھولت سنی که داشتند، با ابتدایی‌ترین وسایل گرمایشی در اتاق کارشان حاضر می‌شد.

سوم: این سخن را از یکی از مسئولان کارگزینی شنیدم که استادی دعوت به تدریس شده

۱- عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم.

بود. آن استاد اصرار داشت پرونده ایشان برای جذب به عنوان هیئت علمی به تهران برود. آیت الله قاضی با علم و اطلاعی که از وضع پرونده ایشان در قبل از انقلاب و مقررات گزینش داشتند، می دانستند که اگر به تهران برود نه تنها از هیئت علمی شدن محروم می شود، بلکه ممکن است ممنوع التدریس شود. لذا در این امر تعلل می کرد تا نامبرده از تدریس محروم نشود. این که کسی قبل از انقلاب حرفی زده بود که در تأیید حکومت سابق بود اما الآن جذب انقلاب شده و نظام را قبول دارد، حساسیتی نشان نمی داد تا چهره های علمی جذب شوند و در کشور بمانند، اگر چه ایشان نسبت به مسائل اخلاقی بسیار حساس بودند. آیت الله قاضی آدم تنگ نظری نبود که در سفره علمی دانشگاه تنها افرادی خاص با گرایش سیاسی خاصی حاضر شوند، هر کسی که از نظر علمی و تقوایی و اخلاقی مورد تأیید بودند سعی می کرد جذب کند. این نکته هم لازم به گفتن است که در تدریس آقایان در واحد خواهران بسیار حساس بود. توصیه می کرد که در درجه اول از خواهران و در درجه دوم از استادان فاضل علمی و اخلاقی مورد تأیید استفاده شود. چون دختران را امانت خانواده هایشان به مسئولان دانشگاه می دانستند که باید در جهت حفظ عفاف و اخلاق آنان بیشتر مراعات شود.

چهارم: آیت الله قاضی کسی از اعضای هیئت علمی یا کارمند یا دانشجو را به جهت انتقاد از عملکردشان اخراج یا از ارتقای علمی یا رتبه ای محروم نمی کرد. در اواخر دهه هفتاد یا اوایل دهه هشتاد بود که جمعی از دانشجویان کلاس ها را تعطیل کرده بودند و تجمع اعتراضی در دانشگاه تشکیل داده بودند و چند روز امور آموزشی دانشگاه تا حد زیادی دچار اختلال شده بود، بعضی از اعضای هیئت علمی هم با دانشجویان همراه شده بودند. بعد از پایان یافتن ماجرا، ایشان انتقام جویی نکردند و مانع رشد علمی و ارتقای استادان و دانشجویان نشدند. این نشان از دلسوزی پدرانه ایشان نسبت به استادان و دانشجویان و حتی کارمندان داشت.

بنده و بعضی از دوستان انجمن صنفی و سایر استادان که در جلسات خدمت ایشان می رسیدیم و امور دانشگاه را نقد می کردیم، همواره با ملاطفت برخورد می کردند و تلاش داشتند خواسته های اعضای هیئت علمی و کارمندان را در محدوده مقررات برآورده کنند.

امید است این رویه برای همه مسئولان اجرایی دانشگاه و کشور راهگشای مدیریت اسلامی باشد. روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

برگی از افتخارات

علیرضا باقری ثالث^۱

با سلام و احترام، چند خطی در خصوص سیره زندگی و خصوصیات اخلاقی مرحوم مغفور حضرت آیت الله مهدی قاضی خرم آبادی تقدیم می کنم. حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی خصوصیات مثبت بسیاری داشتند که بارها گفته شده و تقریباً تمام کسانی که چند وقتی کنار ایشان کار کرده اند با آنها آشنا هستند. صفاتی از جمله ساده زیستی، عدم تکبر، عدم اعتنا به پست و عنوان، عدم توجه به حقوق و مزایا، مناعت طبع، پشتکار فراوان، سعه صدر، دغدغه مندی دین و توجه دقیق به مصرف بهینه اعتبارات دانشگاه از جمله صفاتی هستند که در مشی مدیریتی ایشان کاملاً برجسته و روشن بود. من در این یادداشت جهت جلوگیری از تکرار، با ذکر ۳ خاطره به برخی از اخلاقیات ایشان اشاره می کنم.

قدرشناسی: در مراداتی که با حضرت آیت الله قاضی داشتم، ایشان را فردی قدرشناس و شاکر دیدم. به عنوان نمونه، حدود ۲۰ سال پیش ما در گروه ریاضی از آقای دکتر عبدالحمید ریاضی که استاد راهنمای پایان نامه من در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری بودند، دعوت به عمل آوردیم و ایشان جهت سخنرانی برای دانشجویان به دانشگاه قم آمدند. بنده این موضوع را به حضرت آیت الله قاضی اطلاع دادم. تا نام دکتر ریاضی را بردم، ایشان فرمودند: «همان دکتر ریاضی که زمانی معاون آموزشی وزیر علوم بودند؟» من عرض کردم: «بله.» در آن زمان در بین دانشجویان این موضوع تکرار می شد که ریاست دانشگاه در جلسات عمومی دانشجویان زیاد شرکت نمی کنند. اما در مورد جلسه سخنرانی آقای دکتر ریاضی با دانشجویان، ایشان بلافاصله

۱- عضو هیئت علمی گروه ریاضی دانشگاه قم.

پس از اطلاع‌رسانی به من فرمودند: «من هم در جلسه شرکت خواهم کرد.» راستش من خودم از حضور ایشان مطمئن نبودم، اما در روز جلسه در کمال تعجب دیدم حضرت آیت‌الله قاضی با همان تواضع همیشگی وارد آمفی‌تئاتر شهید بهشتی شدند و در انتهای سالن نشستند. دانشجویان ایشان را به یکدیگر نشان می‌دادند و خوشحال بودند. بعداً که از ایشان تشکر کردم، فرمودند: «در جریان اخذ رشته و توسعه دانشگاه، من چندین بار به دکتر ریاضی مراجعه کرده‌ام و ایشان با نظر مثبت کار دانشگاه را پیش برده‌اند.»

می‌کند کثرت جهان در چشم روشندل سیاه
تیزه می‌سازد هجوم کاروانی آب را
دست‌توان شست صائب زود از روشندلان
در گره بندد گهر از قدردانی آب را

کمک به زیردستان: در سال ۱۳۸۶ بنده به عنوان مسئول راه‌اندازی دانشگاه حضرت معصومه (س) در قم منصوب شدم. ایشان علاوه بر موافقت با مأموریت من، در ادامه نیز نه تنها مانعی برای ایجاد این دانشگاه نبودند، بلکه من را راهنمایی و حمایت نیز می‌کردند. در این مسیر بسیار سخت که حضرت آیت‌الله قاضی تجربه آن را به طور کامل داشتند، حمایت و همراهی بزرگانی مانند ایشان بسیار لازم و موثر بود. در آن زمان، مکان بسیار کوچکی با چند اتاق محدود از مرکز آموزش و پژوهش استانداری واقع در نزدیکی ترمینال قم در اختیار بنده قرار گرفت تا دانشگاه را ایجاد کنم. برای رفع کمبود اتاق‌های اداری و نیز کلاس‌های درس، من مجبور شدم تعدادی اتاق‌های پیش‌ساخته خریداری کنم. این خبر به حضرت آیت‌الله قاضی رسیده بود. در جلسه‌ای که خدمت ایشان بودیم، رو به من کردند و فرمودند: «فلانی خسته نشوی! هنوز خیلی راه داری. هر موقع کانکس‌های دانشگاه حضرت معصومه (س) به میدان صفاییه برسد، به دانشگاه شدن نزدیک می‌شوی!» همین شوخی نکته‌دار برای من بسیار روحیه‌بخش بود و روشنگر بود. این روش را در جلسات دیگر از جمله جلسات هیئت امنای دانشگاه شاهد بودم.

ای ماه سرو قامت! شکرانه سلامت
از حال زیردستان، می‌پرسی گاه گاهی
سعدی به هر چه آید، گردن بنه که شاید
پیش که داد خواهی، از دست پادشاهی؟

فکر بزرگ داشتن: در تمامی خدماتی که حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی به یادگار گذاشته‌اند، بهره‌مندی از فکری کلان با وسعت دید ژرف و اهداف بزرگ کاملاً مشهود است. این نظر بلند در ساخت شهرک مسکونی در خرم‌آباد و دیگر آثار به جا مانده از این بزرگ‌مرد کاملاً به چشم می‌خورد. در خصوص دانشگاه قم نیز پس از این که قرار به تأسیس دانشگاه قم شد، هیچ‌گاه در نگاه ایشان چشم‌اندازی کوتاه و ناقص ندیدم. کاملاً به خاطر دارم که حتی برخی از

بزرگان و شخصیت‌های تأثیرگذار، ایشان را از راه‌اندازی رشته‌های علوم پایه و فنی و مهندسی نهی می‌کردند. اما ایشان با قدرت، مسیر جامع بودن دانشگاه قم در جهت رفع همه تقاضاهای موجود را طی کردند و مراحل اخذ رشته‌های مورد نظر را یکی پس از دیگری طی کردند و گروه‌های آموزشی دانشگاه را توسعه دادند. این رویکرد در سایر زمینه‌های دانشگاه از جمله توسعه فضای فیزیکی و فضای سبز دانشگاه نیز مشهود است. یادم هست یک روز به همراه یکی از مسئولین وزارت علوم وارد دانشگاه قم شدیم. این مسئول پس از طی مسافتی در خیابان اصلی دانشگاه قم گفت: «کاملاً مشخص است که رییس این دانشگاه انسان دلسوز و آینده‌نگر هستند.»

سینه خود را هدف کن پیش تیر حکم او	هین که تیر حکم او اندر کمانست ای پسر
سینه‌ای کز زخم تیر جذبه او خسته شد	بر جبین و چهره او صد نشانست ای پسر

عالمان دینی احیاگر مکتب آل محمد

مجید جعفر تبار^۱

نظام و منزلت «عالمان دینی» و «عارفان همگام با زمان» همیشه مورد توجه مردم تحت هر شرایطی بوده است. زیرا عالمان دینی به عنوان پرچم‌داران بشریت و مشعل‌داران هدایت و معنویت مردم به شمار می‌روند. قرآن کریم و آموزه‌های دینی، عالمان عادل را با صفاتی بارز و خصوصياتی هم‌تراز دین می‌شناسند. زیرا همه امور دین از زشتی و زیبایی، طهارت و نجاست و باورهای اعتقادی خود را از عالمان دین دریافت می‌نمایند. لذا، گفتار و کردار و رفتارشان مستقیم و غیرمستقیم در تأثیرگذاری عقاید بر مردم ارتباط دارد. همان‌گونه که افعال ناپسند عالم در تخریب افکار مردم اثرات منفی دارد، لذا عالمان دینی را به عنوان چشمه‌های فیض الهی و معنوی در حفظ مکتب و مذهب می‌شناسند و برای شناخت هرچه بهتر عالمان دینی، شاخصه‌هایی را بر اساس آیات قرآنی بیان می‌کنند که ما سعی می‌کنیم به بخشی از آنها در زیر اشاره کنیم.

اولین نقطه‌ای که در بیان خصوصیات عالمان دینی می‌توان بدان اشاره کرد، خدااباوری است. اعتقاد راسخ به خداوند و تنظیم زندگی بر محور الهی، اولین فراز شناخت عالم دینی است.

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (سوره فاطر، آیه ۲۸)

دومین فراز: همه امورات خود را در احاطه و نظر خدا بدانند و از او طلب نمایند.

«وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» (سوره قصص، آیه ۸۰)

سومین فراز: قدرت تشخیص حق از باطل داشته باشد.

«وَلْيَعْلَمْ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ» (سوره حج، آیه ۵۴)

۱- رییس مرکز شاهد و ایثارگر زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

چهارمین فراز: حقیقت‌شناس و حق‌گواه باشد.

«وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (سوره انعام، آیه ۱۰۵)

فراز پنجم: سر نگهدار و دلشان مخزن اسرار مؤمنان باشد.

«بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (سوره عنکبوت، آیه ۴۹)

فراز ششم: عدالت‌پیشه باشند و ساده‌زیست و الگوپذیر از قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام و همیشه خود را در محضر الهی ببینند. که در این مقال، سزاوار است به شخصیت وارسته حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی اشاره کنم. حقیر از فیض وجودش بهره‌ها جستم و این افتخار نصیب شد که سال‌ها از مکتب عملی آن عالم وارسته درس‌ها بیاموزم. نمونه‌ای از صفات آن مرد بزرگ را می‌توانم چنین برشمارم:

- سادگی در ورود و خروج از دانشگاه و پرهیز از تحمیل هزینه بر بیت‌المال و استفاده معقول از آن و مراقبت از فرصت‌های صحیح در ایجاد و احیای ارزش‌های دینی.

- با توجه به شرایط خاص جسمی، هیچ وقت از حضور در میان فرزنداناش (دانشجویان) غافل نشد. در برگزاری مراسمات در شب‌ها تا پاسی از شب می‌گذشت، ولی با کمال میل و علاقه حضور پیدا می‌کرد و حاضر بود.

- سبک مدیریت آیت‌الله قاضی (ره) بر اساس دوستی و صمیمیت شکل می‌گرفت. نوع رفتار ایشان با دانشجویان به گونه‌ای بود که دانشجویان بدون هیچ گونه ترس و اضطراب می‌توانستند خواسته‌های خود را مطرح کنند. همیشه لبخند محبت، زیباترین هدیه او به دیگران بود. این روش‌ها و رفتارهای او برگرفته از مکتب اهل بیت و وارسته بودن این بزرگ‌مرد بوده است. روح بلند او و وابسته نبودن به دنیا، از ایشان چهره‌ای ماندگار ساخته بود. چهره‌ای که همه امکانات یک مجموعه بزرگ در اختیار او بود و بر اساس قانون می‌توانست از آنها استفاده نماید، ولی نگاه زاهدانه او علاقمندان را مجذوب خود می‌کرد.

در اینجا لازم می‌دانم به چند خاطره از آن عزیز اشاره کنم:

خاطره اول: یک روز صبح، در مسیری که از آنجا به محل کارم می‌آمدم، نگاهم به آن طرف جاده افتاد و دیدم آقای قاضی در هوای سرد، عبا به صورت گرفته و ایستاده منتظر ماشین بود. وقتی خدمتشان رسیدم، فرمودند: «راننده‌ام نیامده و امروز مجبورم با تاکسی‌های عبوری به سر کار بروم.» آقای قاضی از ماشین‌های دانشگاه برای رفت و آمد استفاده نمی‌کردند. این نگاه برگرفته از مکتب امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بود، در حالی که قانوناً ایشان می‌توانستند از امکانات

نقلیه دانشگاه برای رفت و آمد استفاده کنند. این در حالی بود که بسیاری از مدیران و معاونان از ماشین‌های نقلیه استفاده می‌کردند، ولی خود این شاگرد مکتب اهل بیت این کار را نمی‌کرد. خاطره دوم: یک روز صبح نزدیک ساعت ۱۰، دیدم که حاج‌آقای قاضی وارد اتاقم شدند و فرمودند: «به علت شکسته شدن لوله آب، من اتاقم کنده کاری دارد و این تعمیرات دو هفته‌ای طول می‌کشد. اگر اجازه بدهید، من هم بتوانم از اتاق شما استفاده کنم.» با تعجب و شرمندگی گفتم: «آقا، این چه حرفی است؟ من می‌روم جای دیگر، شما راحت در این اتاق باشید.» گفتند: «اگر بروید، من نمی‌آیم.» گفتم: «افتخاری هست برای من که در این مدت کوتاه، هم‌نشین شما باشم.»

خاطره سوم: یک روز برای گزارش اقدامات خدمت ایشان رسیدم و در آن نشست راجع به موضوعات بیشتری صحبت شد و ایشان تقویت بنیه علمی فرزندان شاهد را یادآور شدند و فرمودند: «باید در تقویت علمی همه دانشجویان، به‌ویژه دانشجویان شاهد و ایثارگر، اقدامات جدی صورت بگیرد. چرا که آینده کشور در دستان این سرمایه‌های پرافتخار نظام اسلامی است. باید در این طرح از استادان قوی استفاده شود.» در لابه‌لای بحث، به تدفین شهدا در صحن دانشگاه اشاره کردند و فرمودند: «باید شهدا در دانشگاه‌ها تدفین شوند و نسل‌های آینده باید بدانند چه سرمایه‌های عظیمی در این شکل‌گیری و دوام پیدا کردن نظام اسلامی از دست رفتند و چه خون‌هایی که بر زمین ریخته شده و باید نسل آینده با فرهنگ ایثار و شهادت عجین شوند.»

در خاتمه، از تدوین کنندگان و جمع‌آوری‌کنندگان این مجموعه تشکر و قدردانی می‌کنم و بر روح همه شهیدان والامقام درود می‌فرستیم و یاد و خاطره شهیدان و حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی را گرامی می‌داریم.

آیت الله قاضی خرم آبادی؛ شخصیتی کریم، معتدل و نقدپذیر

محمد تقی دیاری بیدگلی^۱

اگر به قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) نگاهی بیندازیم، سرتاسر آیات کتاب الهی و سیره پیشوایان دینی، آینه تمام‌نمای صفات و اسمای حسناى ذات اقدس الهی است. «وصف کریم و کرامت» یکی از زیباترین و نیکوترین صفات حق تعالی به شمار می‌رود. راغب اصفهانی می‌گوید: هرگاه خدا را به اسم «کریم» توصیف کنیم، کنایه از نیکی و احسان آشکار اوست و هرگاه انسان را با آن توصیف کنیم، کنایه از خوی و کردار نیک اوست.^۲

امام علی (ع) فرموده‌اند: «إِلَهِي... لَوْلَا مَا عَرَفْتُ مِنْ كَرَمِكَ مَا رَجَوْتُ ثَوَابَكَ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ آمَالِ الْأَمَلِينَ، وَأَرْحَمُ مَنْ اسْتُرْجِمَ فِي تَجَاوُزِهِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ»؛^۳ خدای من! اگر کرم تو را نشناخته بودم، به پاداش تو امید نمی‌بستم و تو برای برآوردن آرزوهای آرزومندان، کریم‌ترین کریم‌ها و در مورد گذشت از گناهکاران، مهربان‌ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته شده است. کرامت، برترین مرتبه احسان است. انسان دارای کرامت، نه تنها اهل عفو و بخشش نسبت به گناهکار و خطاکار است، بلکه به خطاکار نیکی نیز می‌کند. به بیان نورانی امیرمؤمنان (ع): «الْكَرِيمُ يَتَغَفَّلُ وَ يَتَخَدَّعُ»؛^۴ یعنی انسان کریم خطای دیگران را نادیده می‌گیرد و

۱- استاد دانشگاه قم و معاون آموزشی زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم آبادی.

۲- راغب اصفهانی، المفردات، واژه کرم، ص ۷۰۷.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۶۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۴- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۴.

به رخشان نمی‌کشد. همچنین می‌فرماید: «أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ تَعَاْفُهُ عَمَّا يَعْلَمُ»؛ بهترین اخلاق بزرگواری، بی‌خبر وانمود کردن خود است از آنچه می‌داند. تغافل عبارت است از اینکه انسان از مطالبی آگاهی داشته باشد و به خاطر مصلحت، خود را غافل و بی‌خبر نشان دهد و به گونه‌ای رفتار کند که طرف مقابل گمان برد او بی‌خبر است و بدین وسیله، رشته محبت و دوستی میان او و آن شخص گسسته نمی‌شود و رفاقت حسنه به سردی نمی‌گراید.

مرحوم آیت‌الله قاضی (ره) حقیقتاً از جمله شخصیت‌هایی بودند که هم مناعت طبع داشتند و هم اهل کرامت بودند. هرگز ندیدم که از احدی تقاضایی شخصی داشته باشند. ایشان زبانزد عام و خاص بودند که از اموال بیت‌المال و دانشگاه حتی به اندازه یک فنجان چایی هم استفاده نکردند؛ بلکه گاه از اموال شخصی خودشان به برخی کارمندان نیز بذل و بخشش می‌کردند. هرگز بدی دیگران را با بدی پاسخ نمی‌دادند و حقاً که خلق کریمانه وی مانع از انتقام‌گیری و مقابله به مثل بود! از نظر منش و رفتار سیاسی، معتدل و مستقل بودند و گرایش به جناح‌های راست و چپ سیاسی نداشتند. از این رو، در همکاری با اشخاص و به کارگیری آنان در سمت‌های اجرایی، به این امور توجهی نمی‌کردند! در جلسات رسمی هیئت رئیسه دانشگاه و جز آن، افراد در اظهارنظر و مخالفت با نظرات ایشان کاملاً آزاد بودند و هرگز مخالفان سیاسی را طرد نمی‌کردند! به تعبیر زیبای شهید دکتر بهشتی: «جاذبه در حد اعلا و دافعه به قدر ضرورت!»

بسیار پسندیده است که همه اندیشمندان و اصحاب فرهنگ، به‌ویژه حوزویان و دانشگاهیان و صاحبان مناصب اجرایی و مدیریتی، بسان مرحوم آقای قاضی، خود را آماده شنیدن نقدها و اعتراض‌ها و شکوه‌ها و گلایه‌ها کنند و آنها را به عنوان فرصت و هدیه تلقی کنند، نه تهدید و تخریب! ای کاش چنین بود که همه مسئولان اجرایی از ناقدان و منتقدان به حق یا ناحق خود دعوت به عمل می‌آوردند و با سعه صدر، سینه خود را برای شنیدن آنها گشوده، صمیمانه حرف‌ها و حدیث‌های روا و ناروا را می‌شنیدند و از صاحبان اندیشه و نقد تشکر می‌کردند و چه بسا با آنان صرفاً برای «نقد کردن» و «ایده دادن» و «اتاق فکر» رسماً قرارداد همکاری می‌بستند! اگر به گفته علامه شهید مطهری، حوزه و دانشگاه ما چنین می‌کرد و به‌ویژه «نقد درون‌سازمانی» را ضروری می‌دانست^۱ و از نیروهای جوان و مستعد خود و افراد مجرب و نخبگان در این زمینه بیشتر استفاده می‌نمود، کمتر شاهد آفات و آسیب‌ها بودیم و به مراتب، قوای مادی و معنوی ما کمتر تحلیل

۱- ر.ک: مطهری، مرتضی، مشکل اساسی در سازمان روحانیت، مؤسسه انتشارات صدرا، ۱۳۹۷ش؛ باقری‌فر، علی، سازمان مطلوب روحانیت؛ ساختار-کارکرد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، <https://irdc.ir/fa/news/۸۹۲۴۴>؛ جعفریان، رسول؛ انتقادهای تند استاد مطهری از روحانیت در سال ۱۳۳۸ش، www.dinonline.com، ۷۲۷۰.

می‌رفت و می‌سوخت!

بنده در مواردی درباره حقوق صنفی خود یا دیگر استادان و همکاران گرامیم، مطالبی را در نقد عملکرد مدیران اجرایی و مسئولان دانشگاه قم (از جمله ریاست و معاونان محترم، هیئت امناء دانشگاه، هیئت ممیزه و جز اینان) در ایمیل گروهی استادان در معرض دید همکاران دانشگاهی قرار داده‌ام. از این بابت بسیار خرسندم که خصومت شخصی با هیچ کدام از آنان نداشته و ندارم و صرفاً به عنوان یک رسالت صنفی از حقوق دانشگاه و دانشگاهیان و البته از خودم دفاع نموده‌ام. مسلماً اگر امکان طرح این قبیل تظلم‌ها و نقدها و اعتراض‌ها از طریق مجاری قانونی وزارت نبود، حقوق زیادی از افراد تضییع شده بود.

عمده نقدها و گلایه‌های بنده، در طول دوران تصدی مسئولیت اجرایی در زمان حیات مرحوم آیت‌الله قاضی و به‌ویژه زمان ریاست جناب آقای دکتر دیرباز و برخی دیگر از مدیران اجرایی زیرمجموعه، به‌طور مشخص در دو موضع بوده است - که متأسفانه دانشگاه قم پس از ارتحال بنیانگذار آن، دچار آسیب‌ها و مشکلاتی بوده و اکنون نیز ممکن است وجود داشته باشد:

مورد نخست، نگرش سیاسی یک‌سویه برخی مدیران ارشد دانشگاه به مسائل صنفی است که به نظر یکی از مهم‌ترین آفت‌های دانشگاه بوده و هست. امیدوارم خط‌کش و معیار پذیرش یا رد افراد در کمیته‌ها و شوراها و... چنین نباشد.

مورد دوم، که این نیز به‌نوعی به مورد اول بازمی‌گردد - نگرش تبعیض‌آمیز در برخورد با دانشگاهیان است. بدین معنا که برخی از افراد در دایره «خط موافق و خودی» تعریف می‌شوند و کارهای صنفی و غیرصنفی آنان به راحتی و با تسامح انجام می‌پذیرد و برخی به عنوان «خط مخالف و غیرخودی» (البته در بخشنامه‌ای نانوشته) تعریف می‌شوند و امور صنفی و غیرصنفی آنان با دشواری و تأخیر فراوان و گذر از لایه‌ها و گردنه‌های بسیار مواجه می‌شود و گهگاه افرادی که به لحاظ حقوقی، هیچ‌گونه مسئولیتی نیز در قبال برخی از امور جزئی اداری و اجرایی ندارند، به خود اجازه می‌دهند که در همه امور - خرد و کلان - دانشگاه مداخله نمایند و احیاناً این مداخله‌های ناصواب، موجبات کندی روند کارهای اداری یا تباه شدن حقوق برخی افراد شده است. نقدها و اعتراض‌ها و احیاناً درشت‌گویی‌های حقیر، از این دو موضع خارج نبوده و نیست. اگر احیاناً مطلبی گفته‌ام که شائبه خصومت شخصی یا درشت‌گویی در آن بوده، از همه مخاطبان عزیز عذرخواهی و حلالیت می‌طلبم.

مرحوم آیت‌الله قاضی با دو جریان فکری سیاسی اصلی انقلاب در نهاد روحانیت شیعه، یعنی

جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز - که عمدتاً از شاگردان امام راحل (رحمت و رضوان الهی بر او باد) بودند - مراد و ارتباط داشتند. این دو نهاد و تشکیلات روحانی در ماه‌های پایانی حیات بنیانگذار انقلاب اسلامی از یکدیگر جدا شده و پا به عرصه فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و احیاناً اقتصادی هم گذاشتند. از همان اوان انشعاب، امام امت هر دو جریان را به شرط وفاداری به اصل انقلاب و پابندی به اسلام، قانون اساسی و مصالح ملی و رعایت ارزش‌های اخلاقی و الهی مورد تأیید قرار دادند.^۱ سوگمندان نه تنها اینان، نقد و نظر یکدیگر را بر نمی‌تافتند و تحمل مخالفان خود را نداشتند، بلکه در اوضاع و احوال کنونی، حتی کنار هم نشستن و با همدیگر گفت‌وگو کردن آنان هم چیزی شبه‌محال گردیده است! حقیقتاً اصول‌گرایان باید در رویه اصول‌گرایی و پابندی به اصول بنیادین ترسیم‌شده از سوی امام راحل، تجدید نظر نمایند و از انحصارگرایی و کوییدن بر طبل تفرقه دست برداشته، کاستی‌های خود را اصلاح کنند و اصلاح‌طلبان نیز باید بر اصول اولیه انقلاب و مفاد منشور برادری امام خمینی پای فشارند و برای اصلاح ذات‌البین گام‌های استوارتری بردارند تا هر دو جریان به تدریج دوباره به بزرگراه مشترک آرمانی و اعتدالی آغاز انقلاب بازگردند و در نتیجه، مردم را نیز از سرگردانی و ناامیدی و بی‌اعتمادی حاصل از نزاع بی‌حاصل اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان و پندار نبرد بر سر قدرت و حاکمیت سیاسی بر مردم و کشور برهانند.^۲ چه می‌شود که مدیران ارشد اجرایی هم هنگام بازنشستگی و تودیع با خانواده دانشگاهیان، همانند برخی از کارمندان ارجمند - که در سنوات پیشین با جمع دوستان خود خداحافظی کردند - لااقل زبانی از همکاران دانشگاهی (اعم از زیردستان و بالادستان) خود بابت کمکاری، سهل‌انگاری یا تضییع احتمالی حقوق آنان حلالیت بطلبند و اگر می‌توانند در صدد تدارک و جبران آن برآیند؟!

۱- ر.ک: نامه امام راحل مورخ ۱۳۶۷/۰۸/۱۰ خطاب به آقای محمدعلی انصاری (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۷-۱۸۰).

۲- توصیه می‌شود یک بار دیگر منشور برادری را بخوانیم.

آیت الله قاضی؛ عالمی دوراندیش و اهل اقدام و عمل صالح

عسکر دیرباز^۱

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»

برای تکریم و ارج نهادن به بیش از نیم قرن تلاش خستگی ناپذیر و خالصانه عالم ربانی و انقلابی، مرحوم حضرت آیت الله مهدی قاضی خرم آبادی (قدس سره)، این بنده نیز که سال‌ها افتخار خادمی ایشان و دانشگاه قم را داشتم، چند سطری به پاس الطاف و محبت‌های آن عزیز سفرکرده تقدیم ارباب علم و حقیقت می‌نمایم.

۱. در طول تاریخ غیبت کبرای امام عصر (عج)، عالمان دینی در کنار استنباط آموزه‌های دینی از منابع اصیل آن مانند قرآن کریم و سنت و احادیث رسول الله و خاندان معصوم ایشان (صلوات الله علیهم) و ترویج و تثبیت این آموزه‌ها در جوامع دینی، همیشه ملجا و پناه و پشتیبان مردم، به‌ویژه مظلومان و محرومان بوده‌اند.

۲. عالمان دینی که خود عامل به آموزه‌های دینی هستند، جایگاه تکیه گاه و مورد اعتماد مردم بودن و رسیدگی به امور و مشکلات مردم را از این آموزه‌ها فرا گرفته و به آن پای بند بوده‌اند.

۳. با سیری در تاریخ تشیع در دوران غیبت کبرای امام زمان (ع)، تداوم خدمت‌رسانی عالمان دینی به دین الهی و مردم را امری مسلم و یقینی می‌یابیم.

۴. برای شنیدن درد دل مردم، خیرخواهی برای آنها، دلسوز بودن و از تقدیم جان و مال و آبرو برای حل مشکلات مردم و کاستن از آلام و رنج‌های آنان دریغ نداشتن و در یک کلمه، پناه مردم بودن، نمونه‌های فراوانی وجود دارد.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه قم و رییس سابق دانشگاه قم.

۵. در کنار مشکلات و کاستی‌هایی که به‌طور طبیعی در میان مردم در طول تاریخ وجود داشته و شاید لازمه حیات اجتماعی باشد، مشکلات و احیاناً اجحافات که توسط برخی مأمورین حکومتی - به هر دلیلی - حتی در حکومت‌های غیرطاغوتی نسبت به مردم رخ می‌دهد، موجب می‌شود که تکیه‌گاه و پناه مردم بودن عالمان دین بیشتر نمایان گردد. بدیهی است این مشکلات و اجحافات در حکومت‌های طاغوتی بسیار بسیار فراوان بوده و پناه و تکیه‌گاه بودن عالمان دین برای مردم بروز و ظهور بیشتری می‌یابد.

۶. مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی که از خاندانی اصیل و متدین و مردمی از دیار لرستان قهرمان، شجاع و با استقامت بودند، چه در سال‌های پیش از انقلاب و چه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در کنار استنباط، ترویج، تقویت و تثبیت آموزه‌های دینی، برجستگی شایانی در پناه، پشتیبان و یار و یاور مردم بودن داشته‌اند.

۷. تهیه موتور برق برای شهر خرم‌آباد و آوردن نور و روشنایی به این شهر، اختصاص زمینی بسیار بزرگ و ساختن خانه‌های فراوان ارزان‌قیمت به‌صورت اقساطی برای اقشار مختلف مردم، به‌ویژه اقشار کم‌برخوردار، رسیدگی مالی و پدرا نه به خانواده‌های زندانیان سیاسی در دوران ستم‌شاهی، تأسیس مراکز خیریه همگانی و تأسیس دانشگاه باعظمت و ماندگار در شهر مقدس قم «دانشگاه بین‌المللی قم» از جمله نمونه‌های مهم خدمات این عالم دینی به جامعه اسلامی بوده است.

۸. در سال‌های پس از انقلاب، در موارد فراوانی، برخی اشخاص و گروه‌ها که گاهی به دلایل نه‌چندان مهم از طرف برخی مسئولین رده‌های پایین نظام نسبت به آنان بی‌مهری شده بود و احیاناً در وضعیتی بودند که شاید به‌مرور نگاه منفی به انقلاب و نظام اسلامی پیدا می‌کردند، مرحوم آیت‌الله قاضی اولاً چنین اشخاص و گروه‌هایی را شناسایی نموده و نسبت به شناسایی آنها حساس بودند و ثانیاً آنها را زیر بال‌های مهر و محبت خود به عنوان عالمی دینی که مدافع نظام مقدس جمهوری اسلامی است قرار می‌داد و بدین شیوه، این تکیه‌گاه بودن را استمرار می‌بخشیدند؛ به‌گونه‌ای که با حمایت‌های آن مرحوم، این اشخاص و گروه‌ها همچنان در مسیر حمایت از انقلاب و نظام اسلامی باقی مانده و فعالیت می‌کردند.

۹. خدمات ایشان به نظام قضایی کشور - با توجه به جایگاه مهم و حساس این دستگاه در حل مشکلات مردم - را می‌توان در همین راستا تعریف نمود. خدمات ایشان در شورای مدیریت حوزه‌های علمیه در شهر مقدس قم، علاوه بر خدمات ایشان به حوزه‌های علمیه استان قهرمان لرستان و نیز ریل‌گذاری برای تقویت جایگاه و منزلت علمای دین در جامعه اسلامی، از نمونه‌های

خدمات ایشان به شمار می‌آید.

۱۰. ظرفیت بسیار گسترده روحی و فکری و شخصیتی ایشان در جذب شخصیت‌ها و جریان‌هایی که سلیقه‌های متفاوتی در حمایت از انقلاب و نظام اسلامی داشتند، یکی از عالی‌ترین فضائل این عالم دینی محسوب می‌شود. در یک کلام می‌توان گفت: ابعاد گوناگون شخصیتی ایشان که آموزه‌های دین مقدس اسلام انسانی را به عنوان عالم دینی تمام‌عیار و با روحیات انقلابی پرورش می‌دهد، در وجود ایشان تجسم یافته بود.

عاش سعیداً و مات سعیداً.

از خدای بزرگ برای حضرت امام خمینی (قدس سره) - که مرحوم آیت‌الله قاضی از دل‌باختگان شیدای ایشان بود - و برای تمامی علمایی که عمر و توانایی‌های خود را وقف خدمت به دین مقدس اسلام نمودند و به تمامی شهدای عالی‌قدر، طلب رفعت مقام و علو درجات مسألت می‌کنیم.

سه ویژگی آیت‌الله قاضی

حسین رشیدی^۱

۱. احترام به قرآن مجید

در مراسم تودیع یکی از ذی‌حسابان دانشگاه بود که حضرت آقا به من فرمودند: «شما یک ربع سکه (که البته وجه آن را از جیب خودشان پرداخت کردند) بخر و به همراه یک جلد قرآن نفیس [هدیه بده]». پس از خرید، من سکه را روی قرآن گذاشتم و خدمتشان رساندم. بسیار ناراحت شدند و فرمودند: «آقای رشیدی! چرا سکه را روی قرآن گذاشتی؟ چیزی بالاتر از قرآن نیست.»

۲. احترام به مادر

برای کار خاص اداری به همراه ایشان به بیت آیت‌الله قاضی رفتیم. فرمودند: «من اول باید به اتاق مادرم بروم و دست ایشان را ببوسم و مدتی با ایشان احوال‌پرسی کنم. از اینکه شما معطل می‌شوید عذر می‌خواهم.» و بعد به سراغ اعضای خانواده و کارهای روزمره می‌رفتند. این کار را هر بار که به منزل می‌رفتند انجام می‌دادند.

۳. سخت‌گیری در خرج کردن از بیت‌المال

معظم‌له تمام مدت در دانشگاه مشغول کار بودند، اما یک ریال حقوق دریافت نکردند و حتی یک خط تلفن روی میز کار ایشان بود که تماس‌های شخصی با آن گرفته می‌شد که پول آن را شخصاً پرداخت می‌کردند و حتی خودکار شخصی برای کارهای اداری از منزل می‌آوردند و در خرج کردن بیت‌المال بسیار سخت‌گیر بودند.

۱- مدیر امور اداری زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

آغاز یک مسیر ناآشنا

زهرا صدیقی^۱

روزهای اول کاری‌ام در دانشگاه قم برای من که یک بچه شهرستانی بودم و با محیط اداری و شخصیت‌های عالی‌رتبه بیگانه، سراسر اکتشاف و اضطراب بود و فشاری مضاعف ایجاد می‌کرد. در این میان، باید در کنار دانش و تخصص، با ظرایف ارتباطی و احترام شایسته بزرگان علمی و اجرایی کشور نیز آشنا می‌شدم. یکی از بزرگترین این بزرگانی که نام و آوازه‌اش همواره با عدالت و عمق فکری گره خورده بود، آیت‌الله شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی بود. ایشان نه تنها به عنوان یک فقیه، بلکه به عنوان یک مرجع فکری و اخلاقی در آن محیط شناخته می‌شدند. آن روز مأموریتی داشتم که مرا به قلب ساختار اداری کشاند؛ ساختمانی که ورودی‌ها و خروجی‌هایش همیشه بوی تصمیمات سرنوشت‌ساز می‌داد. این مأموریت خاص مرا به راهروی طبقه میانی هدایت کرد؛ محلی برای عبور و انتظار، جایی که سایه‌های بلند و ترددها هوشمندانه‌تر بود. برای اولین بار - هرچند کوتاه و غیررسمی - ایشان را در همان راهرو ملاقات کردم.

من که فقط ایشان را در جلسات رسمی پشت میزهای بلند با حالی از وقار مشاهده کرده بودم، تصویری که در ذهن من شکل گرفته بود، تصویری از یک درخت تنومند و کهن بود: استوار، سایه‌افکن و تا حدی دور از دسترس.

ناگهان در اوج این انتظار و در میان حرکت ناگهانی و عبور سایر مقامات، ایشان ظاهر شدند. حضور ایشان نه با سر و صدا، که با یک سکوت وزین همراه بود. ابهت وجودشان آن‌چنان قوی بود که گویی پرده سنگین معنوی بر فضا افتاد. این ابهت نه از طریق تظاهر یا ژست‌های ساختگی،

۱ - کارشناس حراست زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

که از تراکم دانش و عمق تقوا ساطع می‌شد. برای من که از فضای کوچک‌تر آمده بودم، آن فضا آمیخته به صلابت علمی، سنگین و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید. حس می‌کردم در برابر کوهی ایستاده‌ام که هرگونه اقدام ناپخته‌ای می‌تواند صخره‌هایش را بلرزاند. زبانم خشک شده بود و تلاش می‌کردم با تمرکز بر اسناد در دستم، از برقراری تماس چشمی نامناسب پرهیزم.

این لحظه، اوج اضطراب اداری و شخصی من بود. تصور کنید کارمندی شهرستانی، کم‌سن‌وسال، در مواجهه با دانشمندی که خود حکم فقیه را داشت. چطور باید سلام می‌کردم؟ آیا می‌توانستم فقط سری تکان دهم؟ این تردیدها مانند هزاران ریسمان نامرئی مرا در جای خود می‌خکوب کرده بود.

درست در اوج این دست‌پاچگی و احساس بیگانگی، اتفاقی افتاد که روایتگر شخصیت واقعی ایشان بود و تا ابد در حافظه‌ام نقش بست. آیت‌الله با ملایمتی غیرمنتظره، گویی دیوار بلند میان ابهت و دسترسی را موقتاً فرو ریختند. گوشه لبانشان به سمت بالا حرکت کرد و لبخندی آرام و نافذ زدند.

این لبخند، ابتدایی‌ترین و در عین حال عمیق‌ترین شکل ارتباط انسانی بود. لبخندی تظاهری نبود؛ لبخندی بود که در عمق چشمانشان منعکس می‌شد و اثبات می‌کرد که زیر آن همه سنگینی علم و منصب، انسانیت و درک متقابل حضور دارد.

این لبخند مانند کلیدی بود که قفل اضطراب مرا باز کرد. در آن لحظه، ابهت ایشان ناپدید نشد، بلکه شکلش تغییر کرد؛ از یک قله دست‌نیافتنی به یک تکیه‌گاه امن تبدیل شد.

درک کردم که ایشان حضور مرا، وضعیت مرا و اضطراب ناشی از کم‌تجربه‌گی‌ام را کاملاً درک کردند.

آن لبخند، بی‌آنکه کلمه‌ای گفته شود، به من - کارمند شهرستانی - فهماند که «نگران نباش، من اینجا هستم» و در این مسیر، فردی مقتدر اما پدري دلسوز پشتیبان تو است.

این ارتباط غیرکلامی، ارزش و عمق بیشتری از صدها سخنرانی داشت. این لحظه کوتاه، قوانین نانوشته تعامل در محیط‌های رسمی را برای من بازنویسی کرد. فهمیدم که مراتب احترام واقعی نه از ترس، که از درک متقابل و توازن ناشی می‌شود.

در آن لحظه کوتاه - شاید تنها چند ثانیه گذشته بود، اما زمان برای من کش آمد - توانستم به

سرعت خود را بازیابم. با احترام سر تعظیم فرود آوردم و با صدایی که به طرز معجزه آسایی آرام شده بود، سلامی کوتاه عرض کردم. ایشان نیز با اشاره کوتاه تأیید محبت آمیزی کردند و مسیرشان را ادامه دادند. آن برخورد کوتاه در راهرو، بهترین درس من شد.

این درس، نه در مورد آیین نامه ها و قوانین اداری، که درباره عظمت واقعی انسان ها بود. عظمت واقعی در درونیات انسان است، جایی که صلابت حق با گرمای انسانیت و درک همدلانه در هم می آمیزد.

حاج آقا قاضی خرم آبادی با یک لبخند توانستند سنگین ترین بار اضطراب را از دوش کارمند تازه وارد بردارند و تصویری از رهبری حقیقی ارائه دهند.

رهبری که هم در قلمرو استدلال کوبنده است و هم در عرصه تعامل نرم و پذیرا. این خاطره همواره به من یادآوری می کند که در اوج قدرت و دانش، حفظ گشاده رویی و شفقت اصلی ترین جلوه بزرگی است.

آنچه خوبان همه دارند، او به تنهایی داشت

عزیز الله فهمی^۱

گفتنی‌های فراوانی از طریق بزرگان در خصوص سجایای اخلاقی و مدیریتی حضرت آیت الله قاضی (ره) بیان شده است و در این مجال، به صورت فشرده برخی نکات را به پشتوانه ۱۵ سال آشنایی و کارهای مدیریتی که در کنار آن بزرگوار داشته‌ام، بیان می‌کنم:

۱. ولایت‌مداری

در تمام امور - چه در ظاهر و چه در باطن - این بزرگوار تابع ولایت امر و مروج اهداف رهبری بودند. شیرین‌ترین خاطره‌ای که از ایشان شنیدم، آن بود که مراودات قبل از انقلاب ایشان با امام خمینی (ره) از طریق نامه‌نگاری بود، اما یک‌بار موفق شدم از طریق ویزای کشور ثالث به عراق و به دیدن امام (ره) بروم که ایشان را ۱۵ سالی بود ندیده بودم. در صحن امام حسین (ع) با ایشان مواجه شدم. در محضر ملاقات فرمودند: «شما آقای قاضی هستید؟» عرض کردم: «آری.» سپس برخی گزارشات مربوط به حوزه لرستان و غیره را خدمت ایشان تقدیم کردم.

در سال ۱۳۷۸ به همراه مسئولین دانشگاه و در ملاقات خصوصی معظم‌له، خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم. همه به صورت حلقه روی زمین نشسته بودیم و حضرت آیت الله قاضی در کنار رهبر معظم نشستند. ظاهراً حضرت آقا از همه جزئیات دانشگاه قم و وضعیت اغتشاشات ۱۳۷۷ دانشگاه - که بسیاری از خواص در آن لغزیدند، ولی با مقاومت حضرت آیت الله قاضی و یاران همراهشان توطئه عقیم ماند - اطلاع کامل داشتند و بر این اساس، مقام معظم رهبری از ایشان تجلیل

بسیار نموده و محبت و تکریم فراوان نمودند. در تصمیم گیری های کلان دانشگاه، همواره منویات مقام معظم رهبری مد نظر ایشان بود و اصرار داشتند که نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم مستقر شود؛ اگرچه رهبری فرموده بودند: «حضور آیت الله قاضی در دانشگاه قم، دانشگاه را از تأسیس این نهاد بابرکت بی نیاز می کند.»

۲. مدیریت بی آرایش

مدیریت منظم ایشان که همه روزه - به استثنای روز عاشورا و روز ۲۱ ماه مبارک [رمضان] - از ساعت ۷:۳۰ تا ۱۱:۳۰ صبح در قسمت اداری و عصرها نیز ساعت مشخصی در قسمت عمرانی با تاکسی تلفنی حضور یافته و برمی گشتند، گرفت و گیر و مسئول دفتر و تشریفاتی نداشت و همه می توانستند با ایشان ملاقات نمایند و کارهای مربوط به دانشگاه و عمران یا حوزه کارشان و غیره را طرح نمایند. جالب آن است که مدارک لازم برای مکاتبات و مراودات را نیز به خوبی می دانستند که در کدام قفسه اتاقشان قرار داده اند.

۳. احتیاط در امور مالی و مراوده با خانم ها

ایشان در دو مورد همواره همکاران را توصیه می نمودند: یکی در موارد رعایت امور مالی و بیت المال و دیگری در مراوده با طیف خواهران. همکار محترمی که امور دفتر - در واقع امور ضروری دفتر - را انجام می داد، مأمور بودند که چنانچه خانمی به ملاقات آیت الله قاضی (ره) می آید، ایشان هم در اتاق حضور یافته، ضمن آوردن چای در اتاق آیت الله قاضی، برای رعایت احتیاط تا زمان ترک اتاق حضور داشته باشند.

۴. در مواجهه با غیبت و بدگویی

در امور مدیریتی فراوان اتفاق می افتد که گله گذاری یا غیبت همکار دیگری مطرح شود. ملکات اخلاقی حضرت آیت الله قاضی چنان بود که هرگز روی خوشی به این حرف ها نشان نمی دادند و چنانچه لازم بود، به طرفی که کوتاهی نموده تذکر می دادند، ولی هرگز با غیبت کننده همراهی نمی کردند و وجنان ایشان چنان نشان می داد که ضمن سکوت، عدم رضایت خود را از مضمون غیبت نشان می دهند.

۵. اهتمام ویژه به واحد خواهران دانشگاه

گاهی به ایشان اعتراض می کردند که «شما امکانات بیشتری به واحد خواهران اختصاص می دهید.» اما ایشان با بزرگواری می فرمودند: «این اعتراض وارد است، ولی چون زبان مطالبه گری خواهران کمتر است، باید امکانات بیشتری داشته باشند تا بتوانند خدمات رسانی بیشتری نسبت به

دانشجویان خواهر داشته باشند.»

۶. رئیس مقتدر و رفیق همراه

آیت‌الله قاضی نه تنها رئیس مقتدر بود - که در دفاع از ارزش‌ها و مقررات لازم‌الاتباع بسیار جدی بود - به عنوان مثال، در زمان معاونت نگارنده بر معاونت آموزش، روان‌نویسی ویژه برای درج نمرات در کارنامه دانشجویان به مبلغ ۷۰۰۰ تومان تهیه کردیم، ولی ایشان فرمودند که «این نمرات را با خودکار یک تومانی هم می‌شود اداره کرد» و هرگز فاکتور خرید روان‌نویس را امضا نکردند - اما در مشکلات اساتید و کارمندان همراه آنان بودند. به عنوان مثال، روزی در محضر آقای قاضی صحبت از پزشک گیاهی در ارومیه شد که حاج‌آقا به ایشان مراجعه داشتند. بنده از ایشان خواستم آدرس آن طبیب را به اینجانب بدهند. ایشان چند روز بعد کارت ویزیت آن پزشک را که در ارومیه بود برایم آوردند و فرمودند: «تمام شب را لابه‌لای کتاب‌هایم این کارت را جستجو کردم تا برای شما بیاورم.»

به یاد سخنی از امام صادق(ع) افتادم که سائلی از او پرسید: برای یک نوجوان پدر بهتر است یا رفیق؟ امام فرمودند: «پدری که رفیق فرزند خود باشد.»

۷. دعوت به صبر

ایشان در مصائبی که پیش می‌آمد، دعوت به صبر می‌کردند. ولی می‌فرمودند: «برای یکی از فرزندانم مشکلی پیش آمد و به ایشان گفتم صبر کن. پسرم گفت: صبر نکنم چه کنم؟! صبر بهترین حربه‌ای است که در مشکلات انسان پیشه نماید.»

۸. پذیرایی ساده

در یکی از سفرها، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری مهمان ناهار حضرت آیت‌الله قاضی بودند. رییس فقید دانشگاه به آشپز فرموده بودند که فقط یک نوع غذا آماده کنند. زمانی که میز پذیرایی آماده شد، ایشان قبل از دعوت وزیر علوم برای صرف غذا فرمودند: «اجازه بدهید من یک نگاهی بکنم و برگردم.» وقتی میز غذا را ملاحظه کردند که ۳ یا ۴ رقم غذا بر سر میز چیده بودند، فرمود: «جز یک رقم، مابقی را جمع کنید.»

۹. تحمل سلیقه‌های مختلف

از ویژگی‌های چشمگیر آیت‌الله قاضی آن بود که صرف نظر از سلیقه‌های سیاسی افراد و جناح‌ها، سعی می‌کرد از افراد مختلف در اداره دانشگاه استفاده کند و می‌فرمود: «ملاک ارزش در افراد، تقوا و دیانت است. سلیقه‌ها امور عرضی هستند و باید همدیگر را تحمل کرد. یعنی وقتی

افراد مبانی را قبول دارند و حول محور ولایت کار می کنند، باید از هنر و توانایی و فضل افراد استفاده کرد.» همان طور که باید با دولت های مختلف برای پیشبرد اهداف دانشگاه استفاده کرد و می فرمودند: «دیانت ماندگار است و سلیقه ها به مرور زمان فرق می کنند.»

۱۰. دفاع مطلق از همکاران و افراد تحت امر

به نظر حقیر، مهم ترین ویژگی مؤسس محترم دانشگاه قم آن بود که زیردستان را هرگز خرج خود نمی کرد. اگر جایی خللی پیش می آمد، آن خلل را به گردن مدیران تحت امر نمی انداخت و سینه خود را سپر دفاع از آنان در مقابل اعتراضات یا شکایات افراد قرار می داد.

۱۱. فراست و تیزبینی

عجیب بود که تجارب روزگار از ایشان انسانی با نگاه نافذ ساخته بود. سه مورد در طول معاوتم پیش آمد که هر سه مورد نمایانگر فراست و آدم شناسی ایشان بود:

مورد اول: یکی از اساتیدی که دکتری داشت را برای تصدی پستی به محضر ایشان معرفی کردم. ایشان بدون درنگ فرمودند: «ایشان به درد آن پست نمی خورد و هر پستی هم بگیرد، آن را تباه و متلاشی می کند.» و تا زمانی که زنده بودند، به آن استاد محترم پستی ندادند و بعد از وفات ایشان که پستی به آن برادر محترم داده شد، پیش بینی آن مرحوم کاملاً خود را نشان داد.

مورد دوم: در واگذاری امور دانشگاه به برخی شرکت ها و افراد، قرار شد که نگهداری از فضای سبز را واگذار نمایم. یکی از متقاضیان پیشنهاد اجرت یک میلیونی و دیگری پیشنهاد یک و نیم میلیونی دادند. بنده گزارش خدمت ریاست محترم دادم که این کار را واگذار به کسی می کنم که یک میلیون تومان پیشنهاد داده اند. ولی ایشان فرمودند: «این آقا توان انجام این کار را ندارد. واگذار نمایید به کسی که یک و نیم میلیون پیشنهاد داده است.» ولی بنده کار را به همان آقای واگذار کردم که یک میلیون پیشنهاد داده بود. این آقای پیمانکار سر ماه کار را زمین گذاشت. آقای قاضی فرمودند: «آیا به حرف من رسیدید؟»

مورد سوم: آقای را برای تصدی پستی به دانشگاه دعوت کردم و برای انجام قرارداد رفتن خدمت آیت الله قاضی (ره)، مرحوم آقای قاضی به محض اینکه چشمشان به آن آقا خورد، سه مرتبه فرمودند: «ایشان را به کار نگیرید و مرخص کنید بروند.» و ما هم از ایشان امتثال امر کردیم و بعد مدت کمی، همین شخص توسط مأمورین دادسرا دستگیر و روانه زندان شد؛ با اینکه ظاهر حق به جانبی داشت و از طرف شخص موثقی معرفی شده بود.

۱۲. اهتمام به ازدواج دانشجویان

معظم‌له تأکید زیادی نسبت به ازدواج جوانان داشت و یک‌بار نیز پیشنهاد کردند دفتری با مسئولیت نگارنده تأسیس شود که دختر و پسرها به هم معرفی و نهایتاً ازدواج نمایند که حقیر با توجه به برخی عواقب این کار صلاح ندیدم و به عبارتی جرأت اقدام چنین کاری را نداشتم، ولی این مطلب دغدغه این بزرگوار بود.



مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی حضرت آیت‌الله قاضی

علی نقی فقیهی^۱

قال علی (ع): «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ، أَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعْصُوهُ» (نهج البلاغه، خ ۱۶۷).

امام امیرالمؤمنین (ع) فرمود: خود را در وقایه و حفاظت خدا قرار دهید و مسئولیت خویش را درباره بندگان او و مدیریت سرزمین‌های او بر اساس هدایت‌ها و مسئولیت‌های الهی که به عهده شما گذاشته شده، انجام دهید. شما بدانید که حتی نسبت به قطعه‌های زمین‌ها و چارپایان نیز مسئولیت دارید. بنابراین، در همه امور اطاعت خدا کنید و به هیچ وجه او را نافرمانی نکنید.

مرحوم آیت‌الله قاضی از معدود روسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی بودند که بر اساس مسئولیت‌پذیری الهی و وظیفه‌شناسی دینی، تمام همت خود را برای مدیریت بهینه آموزش و پژوهش و تربیت دانشجویان به کار می‌گرفتند. وی بسیار دوراندیش و آینده‌نگر بود و تمام کوشش خود را برای پرورش نیروهای دانشگاهی نمونه از نظر رشد علمی و تربیت اخلاقی به کار می‌گرفت تا بتواند برای انقلاب اسلامی نیروهای مؤمن، کارآمد و مسئول تربیت نماید.

ایشان پس از سال‌ها که در مدیریت‌های متعدد - از جمله مدیریت حوزه علمیه - نقش ایفا کردند، برای انجام بهینه مسئولیت خویش در مدرسه عالی قضایی، کارهای دیگر و از جمله مدیریت حوزه علمیه را واگذار نموده و تمام فعالیت خود را در این مدرسه متمرکز نمود. مدیریت و سعی وافر ایشان سبب شد تا مدرسه عالی قضائی توسعه یابد و به یک دانشگاه دولتی تبدیل شود و رسماً در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۳۱ با تصویب شورای گسترش آموزش عالی، این مدرسه به «دانشگاه

۱- استاد علوم تربیتی دانشگاه قم.

قم» تغییر وضعیت پیدا کند.

مرحوم آیت الله قاضی این مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی و تلاش مستمر برای دستیابی به افق های دوردست را به تبعیت از رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) و در راستای اهداف بلند انقلاب اسلامی انجام می داد؛ زیرا به آرمان های انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) ایمان راسخ داشت و تحت تعلیمات حضرتش - به صورت حضوری در نجف و قم و در نامه های مکتوب که میان ایشان و حضرت امام رد و بدل می شد از قبل از انقلاب - شخصیت خود را بارور ساخت. این شکوفایی شخصیتی، به رابطه قلبی و صمیمانه ایشان با امام و پذیرش نگرش انقلابی آن حضرت درباره اسلام و احساس وظیفه برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی - از طریق پذیرش مسئولیت مدیریت مدرسه عالی قضائی و تعلیم و تربیت دانشجویان دختر و پسر و پرورش نیروهای نخبه و همسو با انقلاب - منتهی شد. این مسئولیت پذیری آن چنان در وی راسخ و محکم شده بود که گرچه برخی اهداف دوردست می نمود، ولی با کوشش مخلصانه و مستمر، اهداف را یکی پس از دیگری محقق ساخت و دانشگاهی نمونه در رشته های مختلف علوم انسانی، حقوق بین الملل و فناوری برای کشور ایران و جامعه بین الملل ایجاد کرد. خدایش رحمت کند و ما را در ادامه راه او با تبعیت از رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (حفظه الله) موفق بدارد.

آیت الله قاضی و سخت کوشی

رضا حسین گندمکار^۱

شناخت برخی از شخصیت‌ها دشوار است. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «المؤمن كجبل راسخ لا تحركه العواصف»؛ مؤمن همانند کوه استواری است که توفان‌ها او را تکان نمی‌دهد (بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۳۵۱).

برای آنکه تمامی جوانب و حجم کوه را بشناسی، باید بر آن صعود کنی و آن را از بالا بنگری. بی‌شک برای شناخت انسان‌های مؤمن هم کسی می‌تواند توصیف کند که خود در این جایگاه و موقعیت نشسته باشد و شناخت آیت الله قاضی به عنوان مصداقی از مؤمنین واقعی این گونه است. برای مؤمن که دنیا را کم می‌بیند («و ما متاع الحیات الدنيا الا قليل»؛ توبه: ۳۸) و فرصت را محدود («آه من قله الزاد و طول الطريق»؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۷) و خدمت به خلق را موجب خشنودی خداوند می‌داند، از تمام فرصت‌ها در جهت بهره‌وری و بهره‌مندی از عمر استفاده می‌کند و همین راز سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری است. پس عشق به حق و به تبع آن عشق به خلق («الخلق عيال الله») موجب می‌شود که در طول حیات برخی انسان‌ها فعالیت‌هایی صورت گیرد که برای افراد معمولی حیرت‌انگیز است. سخت‌کوشی ریشه در عشق دارد. «بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد»

عشق ریشه در ایمان دارد و توأم با اخلاص و قصد قربت، آسایش و قوت می‌آورد. سخت‌کوشی انسان‌های عاشق را می‌سازد و بالا می‌برد و آنان که برای مطامع دنیا تلاش می‌کنند و عاشق نیستند، زود خسته می‌شوند و از پا می‌افتند. آیت الله قاضی کسی بود که با همین معرفت و ایمان و عشق

خالصانه، شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر تلاش می‌کرد. در طول مدت کار با ایشان، یک‌بار نشنیدم که از حجم و شدت کار شکوه کند، بلکه در اوج خستگی مدیران، ایشان موجب رضا و آسایش آنان می‌شد و سختی‌ها را آسان می‌کرد. به عبارتی دیگر، کار موجب ساخته شدن بیشتر و قوت و توان بیشتر ایشان می‌شد و همانند هر مؤمن عاشق، در جهت خدمت بیشتر از خداوند طلب قوت جوارح و عزم جوانح می‌نمود («قو علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمه جوانحی»؛ دعای کمیل).

یکی از معاونین به ایشان عرض کرد: «کسالتی دارم و نمی‌توانم به کار ادامه دهم.» ایشان - که در اواخر عمر خود بودند - فرمودند: «بنده چندین مریضی دارم که هرکدام از آنها را شما می‌داشتید، نمی‌توانستید کار کنید.» آن معاون محترم از گفته خود نادم شد و تا پایان مدت معاونت، دیگر نشنیدم این جمله را بر زبان آورد.

آیت الله قاضی و خدمت بی منت

رضا حسین گندمکار^۱

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»؛ ای اهل ایمان! صدقات خودتان را با منت گذاشتن و آزار دادن [کسی که به او صدقه می دهید،] باطل و نابود نکنید (بقره: ۲۶۴).
قال امام علی ابن الحسین (ع): «وَأَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِّ الْخَيْرِ، وَلَا تَمَحُّهُ بِالْمَنِّ»؛ خدایا! خیر را به دستان من جاری کن؛ ولی آن را با منت گذاشتن بر دیگران نابود نکن (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰).

بی منت کار کردن، یعنی یاری و تلاش و کوشش برای رفع حوایج دیگران بدون ادعا و توقع جبران و منت. این، سیره اولیا و پاک باختگان و زاهدان است: خدمتی خالصانه و فارغ از هرگونه توقع مادی یا معنوی یا تشکری از گیرنده خدمت. خدمت انسان زمانی ارزشمند است که برای خدا و به قصد تقرب او انجام شود، نه برای نشان دادن به دیگران و طلب و انتظار تشکر از آنها. خدمت مؤمن برای خدا و رضای اوست؛ لذا قدرشناسی افراد موجب ناراحتی نمی شود، زیرا مؤمن از خدا طلب پاداش دارد و نه از مردم.

خدمت با منت موجب اسارت خدمت کننده و خدمت گیرنده است و خدمت بی منت موجب آزادی هر دو؛ چون اولی در اسارت تشکر و جبران می ماند و دیگری در احساس بدهکاری. این نوع از خدمت، جلوه ای از رفتار باری تعالی با بندگان است. او نعمت می دهد، لیکن بی منت و خداوند می فرماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (ابراهیم: ۳۴). لذا مؤمن هم باید بی منت خدمت کند تا شبیه پروردگار خویش باشد. خدمت بی منت ریشه

۱- معاون آموزشی زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

در اخلاص و زهد دارد؛ زیرا کسی که طرف او خداست، نیازی به سپاس خلق ندارد و اصولاً به گونه‌ای عمل می‌کند که کسی - حتی گیرنده خدمت - هم مطلع نباشد و عزت او حفظ شود. از همین رو در رفتار معصومین (ع) می‌بینیم که بسیاری از امور را در خفا انجام می‌دادند. نمونه بارز آن در رفتار علی (ع) با یتیمان و فقیران بود که بعد از ضربت خوردنش متوجه اطعام و کمک او شدند. خدمت بی‌منت جامعه را از روابط آلوده به منت و توقع پاکیزه می‌کند و فرد را از دام «خودبین» نجات می‌دهد. منت موجب ابطال و سوزاندن اعمال می‌شود، همانند درختی که ظاهری سبز دارد و ریشه‌اش پوسیده است؛ زیرا اساس اعمال بر نیت استوار است. با این تربیت دینی، آیت‌الله قاضی تمام خدماتی که در دانشگاه انجام داد، انتظار هیچ تشکری از مردم نداشت و به عبارت بهتر، از خودنمایی در انجام خدمات بیزار بود. این سیره را از ائمه به ارث برده بود و فرموده‌اند: «ذَلَّ مَنْ طَلَبَ مِنْ غَيْرِهِ عَوْضًا» و فرموده‌اند: «الْعَزِيْزُ بِغَيْرِ اللّٰهِ ذَلِيْلٌ» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰). نمونه‌های فراوانی از این خدمات در رفتار ایشان دیده می‌شود. در افتتاح بناها از افتتاح به شیوه مرسوم امتناع می‌کرد. خدمات فراوانی به ارباب رجوع و دانشجویان و کارکنان داشت که حتی یک‌بار به کنایه به روی آنان نیاورد. بنده بارها شاهد بودم که گاهی از آبروی خود برای حل مشکلی مربوط به دیگران هم هزینه می‌کرد، لیکن منتی بر فرد نمی‌گذاشت.

قاضی و ارادتش به امیرالمؤمنین علی(ع)

مهدی محمدی^۱

مقدمه:

دکتر سیداحمد رضا شاهرخ، همشهری و همکار مرحوم قاضی که به تعبیر خودش ۱۴ سال با ایشان ارتباط نزدیکی داشته و معاون دانشجویی و فرهنگی بر عهده داشتند، در خصوص جنبه‌های مختلف حضرت آیت‌الله قاضی معتقد است که «کتاب وجودی و شخصیتی حاج‌آقای قاضی(ره) اوراقی دارد که هنوز ورق نخورده است و شما با آن آشنا نشده‌اید و در آینده نسبت به آن آگاهی پیدا می‌کنید.» این مطلب حاکی از آن است که این مرد بزرگ، شخصیتی دارد که دارای ابعاد گوناگونی است. مدت‌ها طول می‌کشد تا بتوان با چنین انسان کم‌نظیری آشنایی پیدا کرد.

دکتر عدل‌پرور، عضو هیئت علمی بازنشسته گروه فنی و مهندسی دانشگاه قم، در بیان خدمات حضرت آیت‌الله قاضی می‌نویسند: «هرچند زندگی پربرکت این مرد علم و عمل، جهاد و اجتهاد و نستوه را نمی‌توان در چند صفحه یا یک مقاله خلاصه نمود، لیکن در قدر و منزلت ایشان همین بس که در طول حیات طویه خویش، منشاء آثار پربرکتی - خصوصاً در کارهای اجرایی، ساخت و ساز و ساختمان‌سازی - بودند(عدل‌پرور، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱).»

بنده در جریان آماده‌سازی کتاب یادنامه مرحوم آقای قاضی، وقتی مطالب نویسندگان مختلف را می‌خواندم، یکی از جنبه‌های شخصیتی مرحوم آقای قاضی که بیش از همه برایم جذاب و جالب بود، ارادت بیش از حد حضرت آیت‌الله به حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) هست. این ارادت

و این نگاه را در بسیاری از کارهای حضرت آیت‌الله قاضی می‌توان دید. از نمونه‌های کارهایی که حضرت آیت‌الله با نام مبارک حضرت علی (ع) انجام دادند، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. نام‌گذاری مدرسه علوی در خرم‌آباد:

دکتر عیدی در نحوه آموزش این مدرسه معتقد است که «دیرستان علوی با وضع عجیبی بسته شد و جلوی آن گرفته شد. در آنجا دانش‌آموزان خوبی آموزش می‌دیدند. اصول آموزش نیز فقط اسلام و دین بود و دانش‌آموزان را خوب تربیت می‌کردند. دیرستان علوی علامت و نشانه این اندیشه بود (عیدی، ۱۳۸۹، ص ۷۴).»

آقای عیدی در بیان ویژگی‌های این مدرسه بیان می‌کند که قبل از انقلاب، نام مدارس و دیرستان‌های خرم‌آباد گویای جایگاهشان بود: محمدرضا پهلوی، رضاشاه، پوراندخت و... در قبال این شهر، مدرسه یا دیرستانی که توانسته باشد بعد معنوی مردم را عهده‌دار شود، جایگاهی نداشت. شاید یکی از بزرگترین خدمات‌های آقای قاضی به این شهر، تأسیس مدرسه علوی بود. این مدرسه برای کسب سواد و بهره‌نبرد، بلکه نیروسازی کرد که هم اکنون تعداد زیادی از نیروهای مملکت از آثار همین مدرسه است. دکتر عیدی معتقد است که این مدرسه نیز مدرسه رسمی بود با کتاب‌های رسمی، ولی نیروهایی که در آنجا فعالیت می‌کردند، افرادی متدین و مذهبی بودند؛ افرادی که با هدف صحبت می‌کردند، با هدف درس می‌دادند. وقتی معلمی درسی را با نام خدا شروع می‌کند، القاء نام خدا در ذهن دانش‌آموزان است. وقتی تاریخ اسلام را به دانش‌آموزان درس می‌دهند، یعنی القاء اسلام در ذهن دانش‌آموزان. در کنار این‌ها، افرادی حضور یافتند و سخنرانی می‌کردند، قرآن آموزش داده می‌شد، اصول عقاید را برای دانش‌آموزان بیان می‌کردند. دکتر عیدی، فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان این مدرسه را یکی از باقیات صالحات مرحوم آقای قاضی یاد می‌کنند.

دکتر سیداحمدرضا شاهرخی در خصوص ویژگی‌های این مدرسه معتقد است که: «دیرستان علوی به شیوه متفاوت با آنچه در دیرستان‌های آن روز مرسوم بود عمل می‌کرد. دیرستانی که دین و دانش، تعهد و تخصص در آن توأم هست. صرف هزینه‌های زیادی برای تأسیس چنین دیرستانی و دعوت از استادان تهرانی جهت تدریس، همراه با برنامه‌هایی که با آنچه در آموزش و پرورش آن زمان رایج بود تفاوت داشت: تفاوت‌هایی چون استفاده نکردن از عکس شاه، عدم حضور در رژه، نرفتن دانش‌آموزان در جشن‌های شاهنشاهی، دعا نکردن به شاه در صبحگاه و اموری از این قبیل و مهم‌تر از همه، آموزش‌های مذهبی که در این دیرستان به اجرا در می‌آمد. مدیران انقلابی،



دبیران متعهد و مجموعه این امور سبب شد که رژیم طاغوت پس از سه سال این دبیرستان را منحل کرد (شاهرخی، ۱۳۸۹، ص ۹۹). «برادر مرحوم قاضی در مصاحبه خود در خصوص این مدرسه معتقد است که در مورد مدرسی که مرحوم قاضی ساخت، حاضر به نصب عکس شاه بر در و دیوار آنها نمی شد (قاضی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲).

معلمان و برنامه‌های اجرایی این مدرسه با معلمان و برنامه‌های اجرایی تمامی مدارس سراسر کشور کاملاً متفاوت بودند و حتی مسئولان وقت موافق این برنامه‌ها نبودند، اما موقعیت و نفوذ آقای قاضی و پایگاه اجتماعی ایشان در منطقه، مسئولان امر را وادار می کرد که این شرایط را در آن مدرسه پذیرا باشند. به طوری که از سند برجای مانده از اسناد ساواک و از نامه فرمانداری کل لرستان به تیمسار ریاست ساواک به تاریخ ۵۲/۳/۲۷ مشخص است که قید شده: «مسئولین دبیرستان علوی خرم‌آباد به هیچ وجه تابع نظم و مقررات آموزش و پرورش لرستان نبوده و در کلیه امور تحت نظر شیخ مهدی قاضی بوده و انتخاب رئیس و دبیران این دبیرستان نیز که اکثراً تمایلات مذهبی افراطی دارند، به سلیقه مؤسس این دبیرستان - شیخ مهدی قاضی، طرفدار خمینی - بوده و دارای پرونده قطور نیز در آن اداره کل می باشد.»

در ادامه نامه چنین آمده است: «در حال حاضر با آن که رئیس اداره کل آموزش و پرورش لرستان، رئیس و شورای آموزش و پرورش خرم‌آباد از ادامه کار این دبیرستان و بدآموزی دانش‌آموزان نگرانی شدید پیدا نموده‌اند، ولی عملاً به علت نفوذی که خانواده قاضی در کلیه شئون اجتماعی این منطقه پیدا نموده‌اند، صراحتاً نمی‌توانند از ادامه کار این مؤسسه جلوگیری و یا لااقل نظارت بیشتری در امور آموزش و پرورش آن داشته باشند.»

۲. ساخت مسجد الغدیر در خرم‌آباد:

محمدجعفر قاضی، فرزند حضرت آیت الله قاضی، در خصوص نحوه شکل‌گیری این مسجد چنین بیان می‌کند: «زمین مسجد در سال ۱۳۵۸ رسماً در محضر برای ساخت مسجد وقف شده بود، اما بنا به دلایل متعددی از جمله بودجه و امکانات و ... به صورت زمین باقی مانده بود تا سال ۱۳۸۸. یکی از برادران حضرت آیت الله قاضی به نام شیخ علی اصغر که وصیت‌نامه‌اش صرف ثلث اموال را برای امور خیریه وصیت کرده بود، ثلث اموال مشخص می‌شود و صرف ساخت مسجد می‌شود. این مسجد حدود هشت هزار متر زیربنا داشته است.» محمدجعفر قاضی در مورد نام‌گذاری این مسجد یادآور می‌شود که «مسجد مدت‌ها بود که نامی نداشت. من نظرم مسجد المهدی یا مسجد برادران قاضی بود. وقتی مسأله را به حضرت آیت الله مطرح کردیم، با

توجه به روحیه ولایی و علوی که داشت، پیشنهاد کرد که نام الغدير را برای این مسجد انتخاب کنیم (قاضی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱). «فرزند مرحوم قاضی، دکتر احمد قاضی، در این خصوص معتقد است که «ایشان در سالیان اواخر عمر پربركتش در مركز شهرک قاضی آباد و مرغوب ترین نقطه خرم آباد، زمین وسیعی برای مؤسسه مذهبی و خیریه اختصاص داد که از ثلث اموال برادرش - مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ علی اصغر قاضی - در ۳ طبقه با امکانات امروزی شروع به ساخت گردیده و از نام گذاری آن به اسم خود امتناع نمود و جهت معطوف نمودن توجه به اهمیت حادثه غدیر و عرض ارادت به محضر امیرالمؤمنین (ع)، آن را با نام «الغدیر» تسمیه نمود (قاضی، ۱۳۸۹، ص ۱۸). «توجه آیت الله قاضی به نام «الغدیر» نشان می دهد که آن مرحوم به مسأله ولایت توجه خاصی داشتند.

۳. نام گذاری بلوار منتهی به دانشگاه به عنوان بلوار الغدير:

آن طور که دوستان و همراهان حضرت آیت الله قاضی نقل می کنند، در زمان نام گذاری بلوار منتهی به دانشگاه - از فلکه موسوم به ایران مریوس تا دانشگاه قم - عناوینی متعددی چون بلوار فرهنگ، بلوار دانش و بلوار دانشگاه مطرح شده بود. حضرت آیت الله با هیچ کدام از اسامی مطرح شده موافقت نکردند و نام بلوار الغدير را برای این مسیر انتخاب کردند تا یک الغدير دیگر و یک نشانه ای دیگر بر ارادت های حضرت آیت الله به حضرت امیرالمؤمنین (ع) و صاحب واقعه غدیر خم افزوده گردد.

۴. نام گذاری مسجد دانشگاه به عنوان مسجد الغدير:

شاید بتوان به خاطر ارادت مرحوم قاضی به امیرالمؤمنین علی (ع) دید که اکثر مراکزی که در زمان حضرت آیت الله قاضی (ره) ساخته شده اند، به نام های ائمه نام گذاری شدند که یکی از این مراکز، مسجد دانشگاه است که به عنوان مسجد الغدير نام گذاری شده است. جناب آقای دکتر احمد قاضی، فرزند مرحوم قاضی، در خصوص نام گذاری مسجد دانشگاه به عنوان مسجد الغدير عنوان می کند که «نام گذاری مسجد دانشگاه به نام «الغدیر» نشان از ولایی بودن آیت الله قاضی است. وی شخصی ولایی بودند و با این که در موقع بهره برداری مسجد کسالت داشتند و چندین اسم نیز برای مسجد پیشنهاد شده بود، اما تأکید داشتند که نام مسجد «الغدیر» باشد.» (نقل شده از عدل پرور، ۱۳۸۹، ص ۲۴۹)

۵. نام گذاری خوابگاه دانشگاه به عنوان خوابگاه الغدير:

خوابگاه الغدير يکي از خوابگاه‌های اصلی و مهم و خوابگاه قديمی دانشگاه است که تعداد بيشماری از دانشجويان دانشگاه در آن خوابگاه ساکن هستند و توانسته است تاکنون فارغ‌التحصيلان بيشماری را به جامعه اسلامی تحويل دهد. اين خوابگاه در زمان حيات حضرت آيت‌الله ساخته شده و نام گذاری آن هم باز در زمان مرحوم آقای قاضی - به ياد اميرالمؤمنين علی (ع) - به عنوان خوابگاه الغدير نام گذاری شد.

۶. نام گذاری صندوق قرض الحسنه خرم آباد به نام صندوق قرض الحسنه الغدير:

ارادت حضرت آيت‌الله قاضی بر اميرالمؤمنين علی (ع) پایانی نداشت و قاضی اين تشنه ارادت به مولی، هر چه جرعه‌های بيشتری را از آب ولايت می‌نوشتيد، تشنه‌تر و تشنه‌تر می‌شد و دوستدار اين بودند که نشانه‌های بيشتری از الغدير، غدير و علی (ع) و علوی و... به يادگار بگذارند. در خصوص نام گذاری صندوق قرض الحسنه الغدير خرم آباد به عنوان قرض الحسنه الغدير، احمد آقای قاضی - فرزند حضرت آيت‌الله که بيشتر پيگيري امور آقای قاضی به دست اين عزيز شکل می‌گرفت - عنوان می‌کند که «وقتی برای نام گذاری و ثبت اين مؤسسه قرض الحسنه به نام الغدير به مراکز قانونی مراجعه می‌کردم، موافقت نمی‌کردند و عنوان می‌کردند که اين نام قبلاً به ثبت رسیده و تکراری است.» حضرت آيت‌الله از اين کار بسيار ملول و مکدر خاطر شدند و دلشان گرفت. عنوان کردند که «کاش می‌شد اين مؤسسه را به اين نام نام گذاری کنیم.» احمد آقا می‌فرمایند: «عرض کردم چشم، باز هم پيگيري می‌کنم، ان‌شالله بتوانيم به اين نام ثبت کنیم.» انگار اميرالمؤمنين (ع) دوست نداشت دلگيري اين ارادتمند خالص خود را ببيند. احمد آقا می‌فرمایند: «بعد از فوت ايشان، [آن را] با نام مؤسسه قرض الحسنه الغدير حضرت آيت‌الله قاضی خرم‌آبادی ثبت کردیم.»

۷. ثبت درمانگاه الغدير در خرم‌آباد:

از جديدترين اقدامات خانواده ولايتی حضرت آيت‌الله قاضی خرم‌آبادی، نام گذاری درمانگاه خيريه الغدير در خرم‌آباد است که فرزندان حضرت آيت‌الله با اين نام نام گذاری کردند و خدمات کاملاً رایگانی را برای همشهریان خرم‌آبادی ارائه می‌کند.

اين موارد، نمونه‌هایی از دلبستگی‌های حضرت آيت‌الله بر حضرت اميرالمؤمنين علی (ع) و خاندان مطهرش می‌باشد. شايد اين هفت مورد مشتی باشد از خوراها خدمات پنهان حضرت آيت‌الله قاضی بر خاندان اميرالمؤمنين علی (ع) باشد. اميدوارم با حضرتش محشور گردد.

منابع:

- روشن، محمد (۱۳۸۹). مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین محمد روشن از اعضای جامعه روحانیت خرم آباد، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۷۸-۹۰.
- شاهرخی، سید احمد (۱۳۸۸). آیت الله قاضی، افق یکصدساله داشتند، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم.
- عدل پرور، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی و ارزیابی مدیریت و اندیشه های حضرت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی (ره) از دیدگاه های فنی و مهندسی، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۲۳۹-۲۵۳.
- عیدی، حمید (۱۳۸۹). مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین دکتر حمید عیدی، استاد دانشگاه استان لرستان، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۷۲-۷۷.
- قاضی، احمد (۱۳۸۹). مروری اجمالی بر زندگی حضرت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی (ره)، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۱۵-۱۹.
- قاضی، عبدالرحمن (۱۳۸۹). مصاحبه با جناب آقای عبدالرحمن قاضی، برادر بزرگتر رئیس دانشگاه فقید، در یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، گردآوری و تنظیم روابط عمومی دانشگاه قم، قم: دانشگاه قم، ۱۰۲-۱۰۵.

فقیه بی ادعا

سید طه مرقاتی خویی^۱

خوش تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

آشنایی بنده با مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی (رضوان الله تعالی علیه) به اواخر دهه ۶۰ باز می گردد که توسط آن بزرگوار به عنوان معاون آموزشی مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم منصوب شدم و حدود ۳ سال توفیق همکاری با آن فقید سعید را پیدا کردم و بنای تبدیل مدرسه عالی به دانشگاه قم در همان زمان گذاشته شد.

همان طور که رهبری معظم انقلاب در پیام ۱۳۸۸/۹/۵ و دیگر بزرگان علمای حوزه علمیه قم در پیام های خودشان بیان فرموده اند - و این پیام ها و مقالات در مجموعه ای با عنوان «تجلی اخلاص و ایثار» در یادواره بزرگداشت مرحوم آیت الله قاضی در اولین سالگرد فوتشان از سوی دانشگاه قم منتشر شده است - مهم ترین امتیاز آن مرحوم، خدمتگزاری بی چشم داشت به مردم، پرتلاش بودن، خلوص و تقوای ایشان بود و این ویژگی ها موجب و عاملی می شد که هر مخاطب جذب شخصیت این مرد بزرگ بشود. حاج آقای قاضی اهل تظاهر و خودنمایی نبود. از این رو، هر کس با ایشان آشنا می شد، بی اختیار مجذوب شخصیت آن مرد الهی و بزرگ می گردید. بنده نیز از این امر مستثنا نبوده ام و بعد از توفیق همکاری، ارادتمندشان شدم و لازم می دانم از باب ادای دین، در این مختصر، مشاهدات خودم را از این فقیه بی ادعا و مدیر کم نظیر - که تمام عمر شریفش را وقف خدمت به خلق نمود - بازگو کنم.

دقت وسواس گونه نسبت به استفاده از بیت المال

مرحوم آیت الله قاضی هرگز از مواد غذایی تهیه شده در دانشگاه میل نمی کرد و گویی همیشه صائم بود و باغم حضور مستمر و طولانی مدت در دانشگاه - که عمدتاً در بخش کارگاهی سپری می شد - به غیر از اوقاتی که شخصاً برای فراهم کردن ملزومات ساختمانی مجبور به مسافرت می شد، لب به هیچ خوردنی و آشامیدنی نمی زد و در این باره هیچ توضیحی هم نمی داد و در برابر این همه کار و تلاش، حقوقی دریافت نمی کرد.

احترام ویژه به روحانیون

مرحوم آیت الله قاضی به روحانیونی که در دفتر کارشان به ملاقات ایشان می رفتند، احترام خاصی قائل می شدند، به ویژه زمانی که در آن مجلس ملاقات، به اصطلاح «مکلاها» هم حضور داشتند. شاید این رفتار یک پیام و آموزش عملی هم در بر داشت که همه مردم باید به جهت کار مهم جامعه روحانیت - که ارشاد مردم به سوی اجرای فرامین الهی است - حرمت این قشر را داشته باشند.

گره گشایی از مشکلات مردم

آیت الله قاضی بسیار اصرار داشت مشکل مردم و مراجعین به ایشان - خواه کوچک و خواه بزرگ - را در اسرع وقت مرتفع سازد و چه بسیار اوقاتی که در خدمتشان بودم و فردی برای طرح مشکل مراجعه و طرح موضوع می کرد و ایشان بلافاصله و فی المجلس تلفن را برمی داشت و به فردی که احتمال می داد می تواند کمک کند زنگ می زد و گره از مشکل خلق الله می گشود و او را شادمان برمی گرداند. عادت داشت خودش شماره را می گرفت و اگر تلفن زنگ می زد، خود مستقیم جواب می داد و مقید به این نبود که کسی از دفتر شماره را بگیرد و وصل کند. بارها اتفاق افتاده بود که طرف مقابل اصرار داشت که تلفن را به خود آقای قاضی وصل کند و باور نمی کرد خود رییس دانشگاه پشت خط است.

خوش رویی و برخورد محبت آمیز

مرحوم آقای قاضی به مصداق فرموده مولی که «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُرَّتُهُ فِي قَلْبِهِ»، همیشه متبسم بود و با مراجعین و مخاطبین خود با چهره گشاده برخورد می کرد و با مزاح های لطیف با تلهجه لری، اضطراب را از طرف مقابل خود مرتفع می ساخت تا او به راحتی بتواند تقاضای خودش را بیان کند.

عدم تمایل جهت شرکت در اجتماعات

بارها پیش آمده بود که دانشجویان درخواست ملاقات دسته‌جمعی با رییس دانشگاه را داشتند. می‌فرمود: «یکی دو نفر به عنوان نماینده بیایند و مشکل را مطرح کنند» و حاضر نمی‌شد در جمع دانشجویان حاضر شود؛ زیرا معتقد بود که در جمع و اجتماع بزرگ، اصل درخواست گم می‌شود و حاضرین تحت تأثیر جو جلسه قرار می‌گیرند و نتیجه مطلوب گرفته نمی‌شود.

صبح خیزی و حضور به موقع در دفتر کار

در سالیانی که توفیق همکاری با این شخصیت کم‌نظیر را داشتم، جدیت در کار و حضور اول وقت ایشان در محل کار بود و گاهی - با کلماتی که موجب آزرده‌گی نشود - تعریضی به افرادی داشتند که دیر در محل کارشان حضور می‌یابند.

قدرشناسی از همکاران

آیت‌الله قاضی انسان قدرشناسی بود. همیشه به بنده می‌فرمود: «من ساختمان این دانشگاه را ساختم و شما با وقت‌گذاری و تلاش شبانه‌روزی، محتوای این دانشگاه را بنا نهادی و آن را از یک مدرسه عالی به دانشگاه مبدل ساختی.» این قدرشناسی را نسبت به دیگران هم ابراز می‌داشتند، به‌ویژه نسبت به مرحوم دکتر احمد احمدی که هر وقت همدیگر را می‌دیدند، با صمیمیت تمام و به زبان لری با هم گرم می‌گرفتند و گاهی با آن مرحوم شوخی می‌کرد که «تو زرنگ بودی و رفتی از این فلسفه‌های غربی خواندی و زبان خارجه یاد گرفتی و میایی در حوزه، این حرف‌ها را به خورد طلاب می‌دهی و کسی متوجه نمی‌شود کجاهایش راست است و کجاها ناراست.» گفتنی است مرحوم دکتر احمدی هم از علمای عامل و دانشمندی بودند که عمر شریفشان را صرف تربیت طلاب و دانشجویان کردند. بنده بعد از معاونت دانشگاه قم به تهران منتقل شدم و معاونت پژوهشی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) را حدود ۱۷ سال پذیرفتم که مرحوم دکتر احمدی تا پایان عمر، مسئولیت آن سازمان را برعهده داشتند.

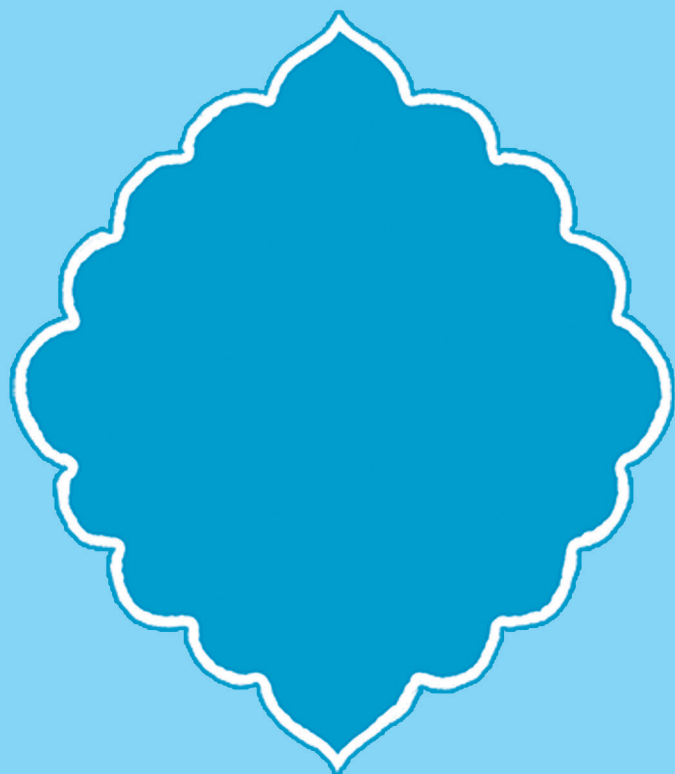
در پایان، ضمن ادای احترام به این عالم تربیت‌یافته در حوزه علمیه، باید اذعان کنم که باغم کوتاه بودن مدت همکاری‌ام با ایشان، به جهت رفتار و اخلاق اسلامی که داشتند، در روح و روان بنده تأثیر ماندگاری گذاشتند و خیلی چیزها از آن مرحوم آموختم. رحمت و رضوان پروردگار به روح پرفتوحشان باد.

مساعی آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی در راستای تحقق آرمان‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در خصوص بانوان

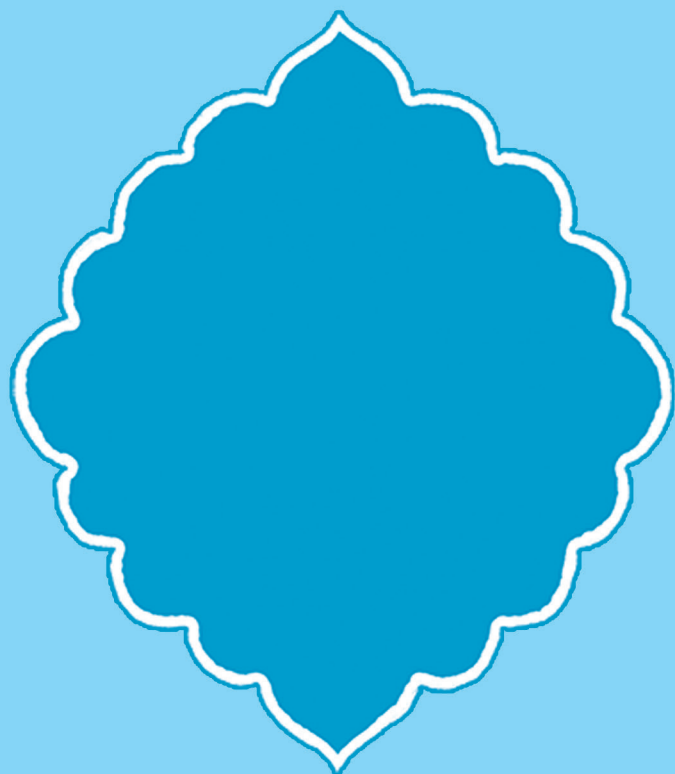
اقدس یزدی^۱

در طول تاریخ، همواره شاهد نگرش‌های افراطی یا تفریطی نسبت به جایگاه و منزلت زن در خانواده و در سطح اجتماع بوده‌ایم. پیش از ظهور اسلام، عرب جاهلی زن را بسیار خوار و ذلیل و مایه رسوایی می‌دانست. در ایران، در تمام حکومت‌ها تا دوره پهلوی، زن از جایگاه اجتماعی برخوردار نبوده و بدون هیچ‌گونه رشد معنوی، محصور در خانه بود. در دوران منحوس رژیم پهلوی، زن را با عنوان «زن مدرن» - به تقلید از فرهنگ منحرف غربی - با مسخ هویت اصلی خویش و در راستای اهداف استعماری به صحنه آوردند. از دیدگاه قرآن کریم، زن و مرد از یک نفس آفریده شده‌اند و از نظر حق کسب کمالات معنوی در تمامی ابعاد برابرند. بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در پرتو اسلام ناب محمدی (ص)، تحولی شگرف در نگرش نسبت به زن پدید آوردند. ایشان بر بیداری قشر زنان نسبت به حقوق حقه خویش - از جمله حق تحصیل علم و معرفت - تأکید ورزیده، زن را انسان‌ساز و مربی جامعه معرفی نمودند. البته فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان را مبتنی بر حفظ موازین شرعی و اصالت خانواده می‌دانند. در این راستا، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدی قاضی خرم‌آبادی به تأسی از اوامر حضرت امام خمینی (ره)، در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، اقدام به پذیرش خواهران دیپلمه در مدرسه عالی تربیتی قضایی طلاب قم در سال ۱۳۶۴ نمودند که پیش از این در شهر مقدس

قم سابقه نداشته است. این مرکز آموزشی با طرح سران فرهنگی انقلاب اسلامی - شهید آیت الله دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنر (رضوان الله علیهما) - جهت تأسیس مرکزی به صورت تلفیقی از آموزه های حوزوی و دانشگاهی برای تربیت نیروهای متعهد و متخصص و کارآمد در عرصه های فرهنگی و قضایی جمهوری اسلامی شکل گرفت که در سال ۱۳۷۶ رسماً عنوان «دانشگاه قم» را دریافت نمود. در طول سنوات ریاست ایشان در مدرسه عالی تربیتی - قضایی و بعد در دانشگاه قم، تمام سعیشان بر جذب اساتید عالی و حفظ حریم خواهران بود؛ از همین رو از ابتدا برای تطهیر محیط آموزشی از مظاهر منحط شیطانی، اقدام به تفکیک محیط آموزشی خواهران از آقایان نمودند و زمینه های تربیت اساتید خانم در حوزه های مختلف علوم انسانی - اسلامی و بعد جذب اساتید خانم در زمینه های مرتبط با رشته های مختلف علمی را فراهم ساختند. ایشان همواره مشوق رشد و ارتقای سطح علمی و معنوی خواهران به موازات حفظ موازین شرعی بودند. روح پرفتوحشان شاد باد. به امید اینکه باقیات صالحاتی که از خود به جای گذارده اند، همواره در زمره اعمال ماتأخر ایشان باشد.



بخش دوم:
خصوصیات مدیریتی



تخصص گرایی در اندیشه و عمل قاضی خرم آبادی

حمیدرضا ابراهیمی^۱

یکی از مسائلی که در اندیشه اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، شایسته‌سالاری و سپردن کار به افراد دارای تخصص و تعهد کافی است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ وَ هُوَ يَرَى فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ هر کس خود را در جامعه بر دیگران مقدم بدارد، در حالی که بداند افراد لایق‌تری از او هستند، قطعاً به خدا و پیامبر و مؤمنان خیانت کرده است.^۲

مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (رحمت‌الله علیه) یکی از شخصیت‌های برجسته این مرز و بوم بود که با اعتقاد عمیق و حقیقی به مبانی دین اسلام و عشق وافر به سرافرازی و سربلندی میهن اسلامی، در طول عمر شریف خود گام‌های بلندی را در عرصه‌های مورد نیاز کشور برداشت. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نیاز کشور و وجود انواع متخصصان در عرصه‌های گوناگون، مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، با باور عمیق به تخصص‌گرایی و درک نیاز کشور به متخصصان متعهد، پای در مسیر تربیت متخصصان در رشته‌های گوناگون نهاد.

اساس اهتمام ایشان به تأسیس مرکز بزرگ علمی - که در آغاز «مدرسه عالی قضایی طلاب» نام داشت و سپس در سال‌های بعد به «دانشگاه قم» تغییر نام یافت - گواه محکمی بر این مدعاست. نگاه ژرف این عالم مبتکر و فداکار به نیازهای کشور موجب شد که امروز دانشگاه قم، نه تنها در رشته‌های حقوق و علوم انسانی بدرخشد، بلکه در رشته‌های علوم پایه، فنی و مهندسی و سایر علوم

۱ - مدیر فرهنگی زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

۲ - الغدير، ج ۸، ص ۲۹۱.

روز با جذب اساتید متعهد و متخصص، در بسیاری از زمینه‌های علمی در زمره سرآمدان علمی جای گیرد و در استان قم محور توسعه و پیشرفت قرار گیرد.

پیش‌کسوتان دانشگاه قم به خوبی به خاطر دارند که وجود کتابخانه عظیم و بسیار وسیع، ده‌ها آزمایشگاه و کارگاه و هزاران متر مربع فضاهای آموزشی و فناوری در محیط دانشگاه، مرهون بسترسازی راهبردی و افق‌های بلند اندیشه‌های آن عالم فرزانه بوده است.

جنبه دیگر توجه مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی به موضوع تخصص‌گرایی، ارتباط خود ایشان با متخصصان و اهتمام به استفاده از ظرفیت آنان در اداره امور دانشگاه بود. نگارنده به خوبی به یاد دارد که اساتید برجسته‌ای در علوم مختلف از قبیل حقوق، فقه، ریاضی، فیزیک، مهندسی و... با مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی رابطه‌ای نزدیک و صمیمی داشتند و ایشان در مسیر تأسیس رشته‌های علمی و گروه‌های آموزشی و همچنین ساخت فضای کالبدی دانشگاه، به وفور از آنان بهره می‌گرفتند.

بهره‌وری در دانشگاه

احمد استاد جعفری^۱

در بودجه‌ریزی سازمانی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها یکی از منابع تأمین مالی است. مؤثرترین راه صرفه‌جویی در هزینه کرد، رعایت اصل «بهره‌وری» است. در تعریف بهره‌وری می‌گویند: «کار درست را به درستی انجام دادن». برای تحقق بهره‌وری لازم است نظام ارتقای بهره‌وری به وجود آید و آن عبارت است از: «کلیه تلاش‌های نظام‌مند و ساختاریافته که برای حذف یا کاهش تلفات ناشی از مواد، ماشین، انسان یا تعامل نادرست بین آنها برنامه‌ریزی و اجرا شود».

آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی با تاسی به آموزه‌های اسلامی، در نهایت دقت در عمل به اصل بهره‌وری کوشا بودند. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «... صُغَ اللَّهُ الَّذِي أَتَّقَنَ كُلَّ شَيْءٍ...» (سوره نمل، آیه ۸۸)، مسلمان به انجام محکم و استوار کارها هدایت می‌شود. این مفهوم قرآنی علاوه بر تأکید بر اصل بهره‌وری، بر دقت، استحکام و استواری کار درست اشاره دارد. آیت‌الله قاضی در انجام کارها چنین بودند. ایشان در تشخیص کار «درست» بر اساس تجربه گرانسنگ خود و مشورت گرفتن از متخصصان فنی، بسیار دقیق بودند. ایشان در طراحی نقشه‌ها، سیستم‌های سرمایشی و گرمایشی و مصالح ساختمانی و حتی انتخاب پیمانکار، نهایت دقت را اعمال می‌کردند و این تلاش مصداقی از «اتقن کل شیء» بود.

در رعایت «کار درست» به این نکته توجه شود که ایشان تا به اطمینان به درستی کار با نگاه جامع و ارتباط آن کار با طرح کلی دانشگاه نمی‌رسیدند، هرگز اقدام نمی‌کردند. دلیل این مدعا

۱- مدیر مالی دانشگاه زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

آن است که ایشان در انجام کارها هیچ گاه تردید یا احساس اشتباه نداشتند.

در رعایت «به درستی انجام دادن کار» نیز کم نظیر بودند. ایشان با تأسی به آموزه قرآن کریم که طالب «احسن عمل» می باشد - همان طور که در سوره ملک، آیه ۲ می فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ» - همیشه در انجام کارها به درستی و دقت و استحکام تلاش می کردند. ایشان برای تحقق این منظور، مجموعه ای از مهندسان و کارشناسان را در کارگاه های ویژه فراهم آورده بودند که هم روی «کار درست» و هم روی «انجام درست کار» به طور مستقیم تأثیر داشتند.

برخی بهره وری را شامل دو بخش تفسیر کرده اند. آنان گفته اند که بهره وری شامل «کارایی و اثر بخشی» است. «کارایی» یعنی «نسبت داده به ستاده» به نحوی که هزینه های ورودی در حد بهینه و صرفه جویی باشد، بدون کاهش در کیفیت داده ها. «اثر بخشی» یعنی «مقایسه نتیجه با اهداف» به نحوی که خروجی یا ستاده با رعایت معیارها با اهداف برنامه منطبق باشد. آیت الله قاضی در بخش کارایی با اعمال شیوه ای خاص توانسته بودند که هم کیفیت ورودی ها را رعایت کنند و هم هزینه های ورودی را کاهش دهند. ایشان طرح های عمرانی را عمدتاً به صورت پیمانکاری جزء مدیریت می کردند. این شیوه دارای حسن کاهش قیمت تمام شده و افزایش شرایط نظارت بر کیفیت کار بود. و از طرف دیگر با ایجاد کارگاه فنی تحت نظارت شخص ایشان، امکان نظارت بر تولید ابزار و اثاثیه و مصالح - اعم از امور مربوط به درب و پنجره، نوسازی و تعمیر و نگهداری میز، صندلی و تخته سبز و سایر موارد که امکان ساخت آنها در کارگاه مقدور بود - با کیفیت بالا تولید می شد. این اقدام به دلیل خرید مواد اولیه مناسب و با قیمت بهینه از یک طرف و عدم پرداخت هزینه های واسطه گری از طرف دیگر، هم هزینه های ورودی را کاهش می داد و هم کیفیت ستاده را با معیارها تضمین می کرد.

ایشان بر حسب تجربه گرانقدر شخصی، مدیریت مقیم و فنی طرح ها را نیز از نیروهای فنی متخصص زیر نظر خویش تأمین می کرد. این شیوه هم نظارت مستقیم بر اجرای طرح ها را به دقت فراهم می ساخت و هم - چون نیروهای فنی در استخدام دانشگاه بودند و حقوق دریافت می کردند و نیاز به قرارداد پیمانکاری نبود - آنان همیشه برای نظارت و مشورت در حضور دانشگاه بودند و هم موجب می شد که آنان همیشه پاسخگو باشند. لذا تدبیر چنین مدیریتی موجب رعایت اصل

بهره‌وری و احسن عمل به آموزه‌های قرآن کریم می‌شود. مدیریت بهره‌وری ایشان می‌توانست با هزینه‌کرد «یک واحد» از منابع مالی، «دو برابر» ارزش افزوده تولید نمایند. نمونه آن ساخت دو خوابگاه دانشجویی با منابعی است که برای ساخت یک خوابگاه در نظر گرفته شده بود و در دانشگاه انجام شد.

حافظ امین بیت المال

احمد استاد جعفری^۱

شیوه زندگی و رفتار فرد نشان‌دهنده شخصیت اوست. محور اصلی در بروز شخصیت هر فرد، ایمان، باورها و طرحواره‌های فکری اوست. بر همین اساس، روش و مدیریت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی در موضوع «بیت‌المال» در دوران ریاست دانشگاه قم، در ویژگی‌های شخصیتی ایشان با معیارهای علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدیریت بهینه بیت‌المال در سازمان مستلزم مدیری است که از طرحواره‌های فکری ویژه‌ای برخوردار باشد. مواردی از آنها که در شیوه مدیریت هزینه کرد بیت‌المال آیت‌الله قاضی مشهود بودند، ارائه می‌شوند:

۱. نگرستن به موارد خاص با زمینه‌ای وسیع

مدیر باید همیشه نسبت به «تصویر بزرگ» از سازمان حضور ذهن داشته باشد تا بتواند رفتار خود را در هر مورد - چه به صورت جزئی و کلی - در ارتباط با آن هماهنگ و هم‌جهت تنظیم کند. حضور ذهن ایشان نسبت به «تصویر بزرگ» یا «طرح جامع دانشگاه» موجب می‌شد که هر تصمیم و هر اقدام را هم به‌موقع و هم به‌جا و هم با ارتباط با طرح جامع اتخاذ کند. چون اقدامات او از منطق تطبیق جزء با کل برخوردار بود، در برابر وسوسه‌ها و تردیدها و در صورت لزوم نسبت به فشارهای احتمالی - به دلیل درستی تصمیم - نیز مقاومت می‌کرد. هر پیشنهاد هزینه‌ای در هر برنامه‌ای به ایشان ارائه می‌شد، با کمال دقت نسبت آن را با طرح جامع دانشگاه مد نظر داشت.

۱ - مدیر مالی دانشگاه زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

البته مدیریت بیت‌المال ابعاد گوناگونی دارد. یکی «تشخیص زمان» مناسب هزینه کرد منابع مالی است. ایشان در تشخیص زمان هزینه کرد به فرصت‌ها توجه داشت. این که مواد و ابزارهای لازم را چگونه، چه وقت، از کجا و به چه شیوه‌ای تهیه کند، بسیار به موقع عمل می‌کرد. این عمل مصداقی است از امانتداری که قرآن کریم در آیه ۸ سوره مؤمنون می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ زیرا امانتداری در بیت‌المال نه فقط در رعایت حدود آن در مسیر هدف است، بلکه در مورد به‌جا و به‌هنگام هزینه کردن آن هم مصداق دارد. نمونه آن تهیه به موقع و کلان مصالح برای طرح‌های عمرانی است از قبیل آهن‌آلات و سایر آنها. لذا هیچ‌گاه دانشگاه در صورت وجود منابع، معطل نمی‌ماند. و نمونه دیگر به‌جا هزینه کردن بیت‌المال را می‌توان در تعیین محل احداث پردیس خواهران سراغ گرفت که ایشان این مطلب را ملاحظه داشتند که دسترسی دانشجویان دختر در آمد و شد سهل و آسان باشد و هم به خیابان اصلی و درب ورودی نزدیک باشد و هم شرایط توسعه پردیس در آینده ممکن باشد، به طوری که با توسعه جامع دانشگاه در تعارض نباشد. مجموعه دانشگاهی پردیس خواهران در بهترین وضعیت است.

۲. ارتباط دادن مسایل آنی به اهداف درازمدت

مدیر تحت تأثیر امور روزمره و نیازهای آنی باید برای حل مسئله آنی تصمیم و رفتاری مناسب ارائه نماید. ایشان با توجه به دارا بودن جامعیت ذهنی پذیرفته، با مسایل روزمره هم به صورت سطحی برخورد نمی‌کردند تا مشکل را موقتاً برطرف کند، بلکه در پاسخ به مسایل آنی از توجه به اهداف درازمدت سازمان غافل نبود. آیت‌الله قاضی در برخورد با مسایل آنی در عرصه مالی و هزینه کرد بیت‌المال با درایت و دقت عمل می‌کردند، به طوری که هیچ‌گاه هنگام بررسی مسایل روزمره، انحراف عملی از اهداف درازمدت دانشگاه دیده نمی‌شد. ایشان در کنترل شرایط تصمیم‌گیری هزینه کرد بیت‌المال در شرایط آنی، به دلیل تجربه گسترده خود، عموماً به‌جا و درست و در راستای اهداف طرح جامع دانشگاه عمل می‌کردند. از جمله توزیع منابع مالی در سرفصل‌های بودجه و جابه‌جایی اعتبارات در سرفصل‌های ضروری که بعضاً اجتناب‌ناپذیر بودند، با طی مسیر تصویب‌خواهی قانونی، هم اضطراب دانشگاه را برطرف می‌کرد و هم از اهداف درازمدت آن منحرف نشده بود.

۳. به کار بردن قدرت تعمیم

قدرت تعمیم یک توانایی ذهنی است که بر اثر تجربه بسیار در عمل - که از رهگذر استنتاج ذهن از تجربیات به روش استقرایی حاصل می شود - به دست می آید. این توانایی ایشان را قادر می نمود که در هنگام تصمیم گیری، نتایج استنتاجی خود را در شرایط جدید و تازه تعمیم دهد و از تردید و وسوسه بپرهیزد. امام علی (ع) هم از شک و تردید بی مورد نهی می کند و می فرماید: «علم خود را به جهل و یقین خویش را به شک تبدیل نکنید؛ وقتی دانستید عمل کنید و زمانی که یقین کردید، اقدام کنید» (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۴).

آیت الله قاضی در تعمیم یافته های اجرایی خود در مسایل جدید بسیار مهارت داشت. ایشان با توجه به همین توانایی ذهنی، تصمیم گرفتند که با یک منبع ثابت برای احداث یک خوابگاه دانشجویی سیصدنفره، یک خوابگاه سیصدنفره مشابهی برای دختران نیز احداث کنند. اجرای طرح خوابگاه دانشجویی سه ساله بود، ولی ایشان توانستند شش ماه زودتر، ساختمان خوابگاه های پسرانه و دخترانه را همزمان به بهره برداری برسانند. مهارت ایشان در هزینه کرد بیت المال به قدری بود که از یک واحد منابع مالی، دوبرابر بهره برداری می کردند.

نگاهی به دیدگاه آیت‌الله قاضی

محمد پورکیانی^۱

قدرت ایمان و توانایی جسم، دو بال پرواز انسان مومن است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «مؤمن نیرومند نزد خداوند بهتر و محبوب‌تر از مومن ضعیف است».

در پرتو این آموزه‌های الهی، مرحوم زنده‌یاد آیت‌الله قاضی (ره) نگاهی عمیق، علمی و دینی به مقوله تربیت بدنی و ورزش داشتند. ایشان باور داشتند که علوم ورزشی ذاتاً میان‌رشته‌ای است و با بهره‌گیری از تعامل میان علوم مختلف می‌تواند بستری برای رشد علمی و ارتقای سلامت جامعه فراهم سازد.

به اعتقاد ایشان، ایجاد رشته تربیت بدنی در دانشگاه قم علاوه بر تقویت حوزه علمی دانشگاه، زمینه‌ساز توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و فرهنگی آن نیز خواهد بود.

آیت‌الله قاضی همواره بر اهمیت اشتغال و آینده شغلی دانش‌آموختگان تأکید می‌کردند و معتقد بودند که بازار کار این رشته پویا و امیدبخش است و از برخی رشته‌های دانشگاهی بیشتر است؛ زیرا جامعه همواره به مربیان، معلمان و مدیران متخصص در حوزه سلامت و ورزش نیاز دارد.

ایشان ورزش را عامل اساسی در سلامت جسم و روان دانشجویان می‌دانستند و بر این باور بودند که فعالیت بدنی موجب نشاط، تحرک و پویایی فضای دانشگاه می‌شود. از دیدگاه ایشان، ورزشکاران متدین و با اخلاق بهترین الگو برای جوانان هستند و می‌توانند در تقویت ارزش‌های

۱- عضو هیئت علمی دانشکده علوم ورزشی و تندرستی دانشگاه شهید بهشتی.

اخلاقی و معنوی در جامعه دانشگاهی نقش آفرین باشند.

خاطره‌ای از نخستین گفتگو و دیدار با آیت‌الله قاضی

خاطر من هست زمانی که از سوی ایشان دعوت شدم تا درباره ایجاد رشته تربیت بدنی در دانشگاه گفتگو کنیم. در ابتدا برایم تعجب‌آور بود؛ با اینکه خودم اهل قم بودم، تصور نمی‌کردم در شهری چون قم، برای نخستین بار رشته‌ای علمی در حوزه ورزش ایجاد شود، آن هم به پیشنهاد و حمایت یک عالم روحانی.

وقتی خدمت ایشان رسیدم، با توجه به تجربه‌ام درباره مشکلات بودجه‌ای، کمبود امکانات تجهیزات و نیز برخی دغدغه‌های فرهنگی مرتبط با راه‌اندازی این رشته سخن گفتم.

ایشان با کمال آرامش و دقت، ابتدا به نقش سلامت جسم و روان و تأکیدی که آموزه‌های دینی بر اهمیت این موضوع دارند اشاره کردند و به جایگاه علوم ورزشی در کشورهای توسعه‌یافته اشاره کردند و سپس با بیانی روشن و استدلالی از نقش و تأثیر این رشته در حوزه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی سخن گفتند.

سخنان ایشان برایم بسیار جالب و تازه بود. نکاتی را مطرح کردند که تا آن روز از هیچ استاد یا مدیری در این حوزه نشنیده بودم. در آن دیدار به روشنی دریافتم که نگاه ایشان به ورزش، نگاهی علمی، راهبردی و در عین حال الهی و انسانی است. در آن جلسه ابلاغ مدیر گروه تربیت بدنی دانشگاه را از ایشان دریافت کردم.

تداوم مسیر و توسعه زیرساخت‌ها

آیت‌الله قاضی همچنین حضور فعال تیم‌های ورزشی دانشگاه در رقابت‌های کشوری را راهی برای افزایش شناخت و اعتبار دانشگاه قم در میان دانشگاه‌های کشور می‌دانستند. به واقع، شناخت عالمانه و باور دینی ایشان به جایگاه ورزش در تربیت انسان سالم و متعادل، تأثیری عمیق در گسترش فرهنگ ورزش در استان قم بر جای گذاشت.

از دیگر ویژگی‌های برجسته دوران مدیریت ایشان، توجه جدی به ایجاد زیرساخت‌های ورزشی استاندارد بود. آیت‌الله قاضی (ره) بر توزیع عادلانه امکانات ورزشی و فضاهای ورزشی میان دانشجویان دختر و پسر تأکید داشتند و با نگاهی علمی، بر استانداردسازی اماکن و فضاهای کالبدی ورزشی نظارت داشتند.

ایشان همچنین به اهمیت بهره‌گیری از اساتید متخصص و مجرب در علوم ورزشی واقف بودند و برای تحقق آن، هزینه‌های رفت و آمد و حق التدریس مناسب استادان مدعو از دانشگاه‌های بزرگ

کشور به ویژه در تهران را با دقت و اهتمام ویژه تأمین می کردند. تربیت صدها دانش آموخته موثر در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی که هر کدام در جایگاه های استادی، معلمی، مدیریتی و... مشغول خدمت به کشور هستند. ایجاد فضای پر نشاط و با طراوت در میان دانشجویان، وجود سالن های چندمنظوره استاندارد، استخر مجهز و زمین چمن مناسب در دانشگاه، نشانه روشن و ماندگار از مدیریت علمی، نگاه جامع و شناخت عمیق آیت الله قاضی (ره) نسبت به نقش تربیت بدنی و ورزش در ارتقای سلامت و فرهنگ دانشگاهی است.

تن زنده والا به ورزشگی است که ورزشگی مایه زندگی است
ملک الشعرا بهار

قاضی و فعالیت‌های قرآنی

محمدرضا تقدیری^۱

صبح خیزی و سلامت‌طلبی چون حافظ هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم یکی از صفات برجسته حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی، ریاست فقید دانشگاه قم، توجه ویژه به فعالیت‌های فرهنگی، علی‌الخصوص کانون قرآن و عترت بود. اینجانب که در بدو ورود به دانشگاه و بنا به نیاز آن زمان کانون‌ها و علاقه‌مندی شخصی بنده به امور قرآنی، با پیگیری‌های مجدانه برادر بزرگوارم جناب استاد اسدتاش (که در آن زمان مسئول کانون قرآن بودند) با موافقت ریاست دانشگاه، در کانون قرآن و عترت مشغول انجام وظیفه شدم. اهتمام و توجه ویژه حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی به فعالیت‌های قرآنی یکی از نکات بارز شخصیتی آن مرحوم بود، به طوری که همواره با توصیه‌ها و رهنمودهای ارزنده خود ما را تشویق می‌کردند که دانشجویان را جذب کانون کنید.

چرا که عقیده داشتند دانشجویان دانشگاه قم در مقایسه با دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، بایستی در کنار فراگیری دروس علمی و تحصیلات دانشگاهی، از بعد آموزش‌های دینی و قرآنی سرآمد دانشگاه‌های دیگر باشند.

لذا در همین خصوص دستور داده بودند از تمام دانشجویان در بدو ورود تست روخوانی قرآن کریم گرفته شود تا چنانچه دانشجویی از جهت روان‌خوانی مشکل دارد، با گذراندن یک واحد درس آموزش قرآن، مشکل روخوانی و روان‌خوانی خود را حل کنند.

ایشان اعتقاد داشتند که دانشجویان دانشگاه قم از بعد تربیتی و اخلاقی بایستی به گونه‌ای تربیت

۱ - کارشناس مسئول امور فرهنگی زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

شوند که برای انقلاب اسلامی نمونه بارز دانشجوی در تراز انقلاب باشند.

یکی دیگر از نکات برجسته ریاست فقید دانشگاه، حضور در جلسات قرآنی محفل قرآنی نور بود که هر هفته دوشنبه‌شب‌ها در مسجد دانشگاه برگزار می‌شد. علیرغم این که معظم‌له معمولاً از ابتدای صبح تا بعدازظهر پیگیر امورات دانشگاه و پاسخگوی مراجعین بودند، با این حال جهت تشویق و همراهی با دانشجویان تا پایان برنامه در کنار آنان می‌نشست.

حمایت‌های آن مرحوم تنها به فعالیت‌های کانون قرآن و عترت ختم نمی‌شد، بلکه ایشان توجه خاصی به برنامه‌های فرهنگی و هنری نیز داشتند، تا جایی که هر وقت نمایشگاه آثار هنری دانشجویان برگزار می‌شد، از نمایشگاه بازدید به عمل آورده و با دانشجویان خالق آثار هنری به گفتگو می‌پرداخت.

خاطرم هست یک روز آقای سید مجتبی حسینی که یکی از دانشجویان عضو کانون هنرهای تجسمی بود و تابلوی مینیاتور «مولود کعبه» مرحوم استاد فرشچیان را به صورت معرق ساخته بود، خدمت حاج آقای قاضی (ره) بردم و ایشان پس از رویت تابلو و با کلی تعریف و تمجید، مبلغ ۱۰۰ هزار تومان (سال ۸۵) که مبلغ خوبی محسوب می‌شد را به عنوان هدیه و تشویق ایشان پرداخت کردند.

به نظر حقیر، هدیه نقدی ریاست فقید دانشگاه به اثر هنری آقای حسینی به دو منظور بود: یکی این که زحمت زیادی برای خلق آن اثر کشیده بود و مهم‌تر از آن این که می‌دید اهتمام و نگاه دانشجوی دانشگاه قم برگرفته از یک اثر معنوی و زیبا و ماندگار است که توسط استاد فرشچیان به تصویر کشیده شده است.

یکی دیگر از خاطرات بنده از ایشان، به حمایت‌های آن مرحوم از کلاس‌های فوق‌برنامه بود که در قالب کلاس‌های هنری (خوشنویسی، عکاسی و فیلم‌برداری، نمایشنامه‌نویسی) و آموزش دوره‌های نرم‌افزار (ویندوز، وورد، فتوشاپ، تری‌دی‌مکس، اکسل و اکسس ...) برای دانشجویان برگزار می‌شد.

که خوشبختانه با حمایت‌های ایشان تعداد کثیری از دانشجویان با فراگیری این دوره‌ها و پس از برگزاری آزمون موفق به دریافت گواهینامه شدند.

حتی خاطرم هست بسیاری از دانشجویان پس از فراغت از تحصیل با استناد به همین گواهینامه‌ها در ادارات دولتی مشغول به کار شدند.

خاطره‌ای از ذکر اوصاف حضرت آیت الله قاضی (ره) از زبان یکی از مراجعین

ایشان که بیان می‌کرد: جهت امری خدمت ریاست دانشگاه شرفیاب شدم. قبل از این که به خدمت ریاست دانشگاه برسم، تصورم این بود که برای دیدار با ایشان مانند سایر روسای دانشگاه‌ها باید با وقت و هماهنگی قبلی خدمت‌شان شرفیاب شوم. وقتی به درب اتاق ایشان رسیدم، در کمال ناباوری دیدم یک نفر با روپوش سفید جلوی درب اتاق نشسته و درب اتاق ایشان به روی مراجعه‌کنندگان باز است و بنده هم مانند سایرین - بدون این که از قبل وقتی گرفته باشم - وارد اتاق ریاست شدم.

چیزی که در وهله اول توجهم را به خودش جلب کرد، سادگی فضای اتاق ایشان بود. سادگی اتاق کار و برخورد صمیمانه و بی‌پیرایه ریاست دانشگاه چنان تأثیری بر روی من گذاشت که می‌دیدم ایشان در طول مدت زمانی که در محضرشان بودم، چگونه به صحبت‌ها و درخواست تک‌تک مراجعان گوش می‌داد و با صبر و حوصله به آنان پاسخ می‌داد. جالب‌تر این که به دور از بروکراسی‌های اداری و بدون داشتن رییس دفتر، پذیرای مراجعان هستند.

بندگانیم و به درگاه خدا آمده‌ایم
چون فقیران به تمنای نوا آمده‌ایم
ما که گرد یکی خانه طوافی داریم
به گدایی به سر خوان خدا آمده‌ایم
سال ۱۳۸۶ توسط یکی از مدیران کاروان حج و زیارت جهت خدمت به زائران خانه خدا (حج عمره) دعوت شدم.

با توجه به این که سفر حج عمره در آن سال مصادف شده بود با ایام تابستان، خدمت حضرت آیت الله قاضی (ره) رسیدم و موضوع دعوتم را خدمت ایشان مطرح کردم. با توجه به این که دوره خدمات نیروهای مدعو معمولاً بیش از یک ماه بود، قبل از تشرف به محضر ایشان، تصورم این بود که ایشان با عنایت به طول مدت سفر و غیبت بنده با رفتن مخالفت می‌کند، ولی در کمال تعجب دیدم آن مرد بزرگ و الهی با نگاه پدرا نه‌ای که به برنامه‌های معنوی و علی‌الخصوص سفر حج دارند، بلافاصله موافقت خود را اعلام کردند و از اینجانب طلب دعا کردند.

سفر بنده در آن سال مصادف شد با جنگ ۳۳ روزه حزب الله و پیروزی آن حزب بر اسرائیل غاصب و جنایتکار و سفر حقیر هم دقیقاً ۳۳ روز به طول انجامید. پس از مراجعت از سفر حج خدمت ایشان رسیدم و سجاده‌ای را که از خانه خدا تهیه کرده بودم به عنوان تحفه زیارت خانه

معبود، همراه با مهری تقدیم ایشان کردم.

آن مرحوم ضمن تشکر، پس از مشاهده مهر نماز با خنده و مزاح سؤال کرد: «از کی تا حالا تو مکه مهر می فروشنده؟!»

بنده به ایشان عرض کردم که به جهت خالی نبودن جانماز، مهر را از کنار حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) تهیه کرده ام.

لازم به ذکر است بنده طی سالهای ۸۷ و ۸۸ دو بار دیگر با موافقت آن مرد خدایی در قالب خادم زائران بیت الله الحرام به مکه مکرمه و مدینه منوره مشرف شدم.

اهتمام حضرت آیت الله قاضی بر فعالیت های فرهنگی

ظاهره چاووشیان^۱

با احترام به مقام آیت الله قاضی خرم آبادی و پاسداشت از ایشان به خاطر تلاش های مسئولانه، متعهدانه و دلسوزانه ایشان، از ۳۰ سال پیش افتخار خدمت داشته ام. شخصیت و خصایص اخلاقی و گفتاری ایشان در بسیاری از زمینه ها مثال زدنی است. به دو مورد از آن که مرتبط با حوزه فعالیتی بنده در معاونت فرهنگی و اجتماعی است اشاره می نمایم:

اهتمام ایشان به فعالیت های فرهنگی دانشجویان

در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۷ نخستین کانون های فرهنگی و هنری و انجمن های علمی در واحد خواران تشکیل شد. در اوایل با وجود درخواست ها و پیگیری های بسیار زیاد جهت اختصاص اتاق و امکانات اداری به کانون ها و انجمن های علمی، هیچ پاسخگویی انجام نشد و امکانات و تجهیزات لازم اختصاص نگرفت. به ناچار در اتاق اداری اینجانب، فعالیت ها و برنامه ریزی انجام می شد. در جلسه ای که خدمت حاج آقا قاضی رسیدم، پس از معرفی مجموعه های دانشجویی و بیان اقدامات انجام شده، درخواست خود را مطرح کردم. ایشان بسیار استقبال نموده و با تأیید و امضای نامه درخواست بنده، دستور خرید و تهیه اقلام و امکانات لازم را با قید فوریت صادر فرمودند.

فضا و امکانات لازم با پیگیری جدی ایشان سریعاً آماده شد و جهت شروع رسمی فعالیت دانشجویان در اختیارشان قرار گرفت.

۱ - کارشناس امور فرهنگی واحد خواران زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

توجه و اهتمام خاص ایشان به فعالیت‌های قرآنی

در زمینه اهتمام و توجه ویژه ایشان به جایگاه قرآن کریم نیز شاهد اقدامات بسیار زیادی از ایشان بودیم. به خصوص این که ایشان به فعالان قرآنی (حافظان و قاریان دانشگاهی) توجه داشتند و فعالیت‌های ایشان را پیگیری می‌نمودند، به طوری که در مسابقات کشوری قرآن کریم، سه دانشجوی خواهر حافظ قرآن کریم، مقام‌های برتر را کسب نمودند. ایشان جهت تقدیر از رتبه اول در رشته حفظ کل، دستور به خرید یک فرش ۱۲ متری و هدیه به ایشان را دادند.

مدیری با دقت بی نظیر، وجدانی بیدار

غلامرضا حافظیان^۱

حدود ۲۵ سال افتخار همکاری با آیت الله قاضی (ره) را داشتم. ایشان شخصیتی کم نظیر و ویژه داشتند و نسبت به بیت المال حساسیت فوق العاده ای نشان می دادند. تسلط کامل ایشان بر امور دانشگاه، از ویژگی های بارز مدیریشان بود.

فاکتورها را با دقت می خواندند و جزئیات را بررسی می کردند. در مواردی که مبلغی بالاتر از حد معمول به نظر می رسید، با تأمل و پیگیری، درخواست توضیح می کردند. جالب اینجا بود که با وجود کهولت سن، این میزان دقت و توجه در کار، در کمتر کسی دیده می شد.

ایشان به هیچ وجه از بیت المال استفاده شخصی نمی کردند و در امور شرعی نیز بسیار محتاط عمل می نمودند. به عنوان مثال، جلسات هیئت امنا در آن زمان در محلی دور از دانشگاه و در خیابان چهارمردان برگزار می شد. ایشان پیش از شروع جلسه می آمدند و شخصاً هزینه پذیرایی را از جیب خود می پرداختند تا کمترین استفاده از بودجه عمومی شود.

سعه صدر و شجاعت ایشان نیز مثال زدنی بود. روزی فردی ناراحت و عصبانی به دفترشان آمد. آیت الله قاضی با متانت و حوصله به حرف هایش گوش دادند و مشککش را پیگیری کردند.

از دیگر ویژگی های منحصر به فرد ایشان، پرهیز از تشریفات اداری بود. رییس دفتر یا مسئول دفتر خاصی نداشتند و تنها فردی در راز و بسته می کرد. با کارمندان، اساتید و ارباب رجوع به سادگی و بی حاشیه رفتار می کردند.

در زمینه ساخت و سازهای دانشگاه، به ویژه مسجد دانشگاه، با حساسیت و دقت بالا، پیشرفت

۱- مدیر امور اداری مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

کار را پیگیری می کردند. تسلط ایشان بر جزییات اجرایی، واقعاً تحسین برانگیز بود. نکته قابل تأمل دیگر، روحیه پرکار و امیدوار ایشان تا آخرین لحظات عمر بود. هرچه به پایان عمر نزدیک تر می شدند، پرکارتر می شدند. حتی زمانی که تحت درمان دیالیز بودند، وقتی اسناد دانشگاه را برای امضا به منزل می بردم، با وجود دستگاه های متصل به بدنشان، با دقت اسناد را بررسی و امضا می کردند.

جایگاه زنان از نگاه آقای قاضی

عزیزه سادات حسینی هاشمی^۱

دیدگاه جهان امروز نسبت به زن، نگاه جنسیتی و شی‌انگاری است و از زنان در تبلیغات کالا استفاده می‌کنند و بعد انسانی معنوی زن نادیده گرفته می‌شود.

حضرت آیت‌الله قاضی با دیدگاه اسلامی و تأسی از امام راحل، زمینه حرکت علمی، فرهنگی و اجتماعی زنان را فراهم نمود و بنا به فرموده رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای: «زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود.»

ایشان بعد از انقلاب با همکاری جمعی از بزرگان حوزه علمیه، اقدام به حضور فعال زنان در یک رشته تحصیلی نمود و سپس با ایجاد دانشگاه و رشته‌های مختلف در عالی‌ترین سطوح علمی و با تفکیک خواهران از برادران، سبب ارتقاء و رشد این جریان علمی گردید و موجب شد خانواده‌هایی که اجازه تحصیل در محیط مختلط را به دختران نمی‌دادند، با آسودگی خیال به دخترانشان اجازه تحصیل دانشگاهی بدهند.

در این راستا، جذب هیئت علمی خواهران از اقدامات ارزشمند این طرح بود که باعث شد چند سال پیاپی دانشجوی نمونه کشوری از بخش خواهران انتخاب شود.

آیت‌الله قاضی علاوه بر بعد علمی، زمینه فعالیت در ابعاد فرهنگی، قرآنی، ورزشی و هنری را نیز فراهم می‌نمود، به طوری که در مسابقات سراسری قرآنی، ورزشی و هنری، دانشجویان

خواهر امتیاز ویژه کسب نمودند. ایشان زمینه شرکت خواهران را در اردوهای مختلف زیارتی و سیاحتی، حتی خارج از کشور مانند سوریه، عتبات و حج عمره فراهم کردند. اگرچه در دانشگاه جو تفکیک خواهر و برادر حاکم بود، ولی تعداد متأهلین دانشگاه قم از بسیاری از دانشگاه‌های مختلط بیشتر بود.

مرحوم آیت‌الله قاضی اهل عمل بود. یکی از این اقدامات شجاعانه و بی‌سابقه، تفکیک بخش خواهران از برادران در یک دانشگاه بود. این عمل ستودنی و مبارک در شهر قم - مرکز شیعه جهان اسلام - بسیار آرمانی و ایده‌آل و متناسب با شئون مذہبی و جو طلبگی بود. دانشگاهی که بخش خواهران هم در ساختمان اداری و هم ساختمان آموزشی، پژوهشی و فرهنگی با حداکثر امکان تفکیک جنسیتی تعریف می‌شد، در تاریخ دانشگاه و مراکز آکادمیک بی‌سابقه بود. وقتی که به ایشان درباره سنت‌شکنی اختلاط دانشگاه و دانشگاهیان اعتراض می‌شد، ایشان یک جمله مختصر و مفید - که مصداق واقعی آیه «قولوا قولاً سدیداً» بود - می‌فرمود و همواره در مقابل هر قشر معترض آن را تکرار می‌فرمود: «تفکیک مرد و زن اقرب به تقوی است».

هیچ‌کس در مقابل این «قول سدید» سخنی برای گفتن نداشت و انسان را به یاد این بیت به یادماندنی می‌انداخت: «کم گوی و گزیده گوی چون در / تا ز اندک تو جهان شود پر»
آیت‌الله قاضی عملاً توانست با مدیریت ویژه و بی‌نظیرش این ایده دست‌نیافتنی را ممکن سازد و در هنگامه‌ای که هویت دانشگاه با اختلاط پیوند خورده بود، اولین دانشگاهی را که با اسلوب خاص تفکیک جنسیتی در آن مراعات شده بود راه‌اندازی نماید. یکی از ابعاد درخشان مدیریتی آیت‌الله قاضی، ورع در استفاده از بیت‌المال بود.

به یاد دارم وقتی خدمت ایشان جهت اختصاص تنخواه گردان بخش خواهران می‌رسیدم و ایشان چک مربوطه را امضا می‌نمود، یادآور می‌شدند: «این مبلغ مربوط به ۶۰ میلیون ایرانی است که در دنیایی دیگر با بدحساب پس بدهی.» و خودشان هم در عمل ورع بسیار زیادی در استفاده از بیت‌المال و نحوه خرج کردن آن داشتند.

مدیری که با عشق ولایی به حضرت امیر مؤمنان (ع) وارد ساخت و تأسیس و مدیریت این دانشگاه شده بود، از خاموش کردن چراغ بیت‌المال که حضرت امیر مؤمنان (ع) برای استفاده شخصی آن را خاموش می‌کردند و از ورعی که در استفاده از صفحات کاغذ نشان می‌دادند درس

گرفته بود. در عمل و نظر، اسوه حسن استفاده از بیت المال بود و در این رابطه خاطره‌های فراوانی در یاد دانشگاهیان قدیمی وجود دارد؛ خاطره‌هایی که به گرد غبار قدمت کهنه نمی‌شوند و روشن و سرزنده، روشنی بخش راه آیندگان هستند.

همه به یاد داریم که ایشان از وسیله نقلیه دانشگاه حتی برای کارها و امور دانشگاه کمتر استفاده می‌نمود و از آب و غذای دانشگاه حتی در روزهای پرکار احتراز می‌نمود و تا آنجایی که می‌توانست از مال شخصی خود در راه ارتقاء و رشد دانشگاهی که خود مؤسس آن بود مایه می‌گذاشت. از دیگر خصوصیات ایشان، نواندیش بودن را می‌توان نام برد. وقتی یکی از اساتید به من گفت: «چرا کتابخانه شما به نحو سنتی اداره می‌شود و امروزه کتابخانه‌ها به طور سیستمی اداره می‌شود؟» خدمت آیت الله قاضی رسیدم و این مطلب را مطرح نمودم. ایشان بی‌درنگ موافقت خود را اعلام نمودند و هزینه‌های مربوطه را به عهده گرفتند. با توجه به مخالفت افراد زیادی در این رابطه - چون در آن زمان همه کتابخانه‌های شهر به صورت سنتی اداره می‌شد - مع الوصف کتابخانه خاوران ۴ سال زودتر از بخش برادران به روش کنگره رده‌بندی شد.

خستگی‌ناپذیری و پشتکار و پیگیری و مداومت بر فعالیت‌ها در زندگی کاری ایشان بسیار برجسته و درخشان بود و یکی از ملکات نفسانی ایشان تلاش بی‌وقفه بود. وقتی بعد از ۶ سال به حضور ایشان رفته و اظهار خستگی کرده و درخواست مرخصی نمودم (از حق مرخصی در این مدت استفاده نکرده بودم) فرمودند: «من سی سال است مرخصی نرفته‌ام و در سال به جز روز تاسوعا و عاشورا کار را تعطیل نکرده‌ام» و این جمله زیبا و سدید را فرمودند: «اگر کار برای خدا باشد، خستگی معنا ندارد.»

دریا دل بودند و هیچ‌گاه مشکلات ایشان را متلاطم نمی‌کرد و عقیده داشتند ایمان به خدا باعث آرامش روح و روان است. وقتی سنگ ریزه‌ای به داخل یک حوضچه پرتاب شود، آن حوضچه متلاطم می‌گردد؛ وقتی صخره‌ای هم در دل دریا بیفتد، تلاطم و موج ناشی از آن به نسبت مساحت دریا ملموس و محسوس نیست.

دل ایشان گاهی وسعت دریا را یادآور می‌شد؛ چون مصائب و مسائل از جهت کمی و کیفی بسیار بزرگ بودند، ولی ایشان تاب‌آوری دریاگونه‌ای در مقابل آنها داشتند.

ساده و بی‌تکلف بودند و همیشه گوشی تلفن را خود شخصاً جواب می‌دادند و رتق و فتق امور

می کردند و با حافظه قوی که داشتند، اگر بعد از مثلاً دو سال می گفتم: «این موضوع را پای تلفن امر کردید» قبول می کردند و هیچ گاه انکار نمی کردند. این سبک خاص در الگوی مدیریتی کم نظیر بود و باعث حس صمیمیت بین مراجعه کننده و مسئول می شد. از این نمونه ها بسیار است و فرصت جهت بیان کم.

روایتی از دغدغه‌های مردمی آیت‌الله قاضی

غلامرضا خانی^۱

«قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي» «پروردگارا، اندامم را برای خدمت در راهت توانا گردان» (امام علی علیه‌السلام)

در آغاز، یاد و خاطره آن مرد بزرگ و وارسته را گرامی می‌دارم که تمام همت خود را برای تأسیس و توسعه دانشگاه قم به کار بست. من چند سالی به عنوان مربی تربیت‌بدنی در مدرسه عالی طلاب - که بعدها به همت مرحوم آیت‌الله قاضی به «دانشگاه قم» ارتقا یافت - خدمت کردم. خاطرات بسیاری از ایشان در ذهنم مانده که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱. زمین چمن؛ از علف‌زار تا ورزشگاه استاندارد

یکی از خاطرات شیرین برای من و دانشجویان ورزشکار، راه‌اندازی زمین چمن دانشگاه بود. پیش از آن، دانشجویان حتی جایی برای تعویض لباس نداشتند و وسایل خود را روی زمین خاکی می‌گذاشتند.

روزی آیت‌الله قاضی برای بازدید به محل ورزش دانشجویان آمدند و از نزدیک شاهد این صحنه بودند. برای رفع مشکل، از دانشجویان خواستم علف‌های اطراف درختان را روی زمین پهن کنند تا لباس‌ها روی آن گذاشته شود. وقتی ایشان بار دیگر گذرشان به آنجا افتاد و پرسیدند: «این‌ها چیست؟» با شوخی گفتم: «شما که زمین را چمن نکردید، ما هم از علف‌های زائد استفاده می‌کنیم!»

۱- از اساتید تربیت‌بدنی دانشگاه قم در زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

ایشان بدون هیچ واکنش تندی، سری تکان دادند و رفتند. چند روز بعد، مرا به دفترشان خواستند و خواستند راه حل بدهم. گفتم: «با یک کیسه بذر چمن، می توانیم این زمین را احیا کنیم.» پاسخ کوتاه و قاطعشان فقط دو کلمه بود: «انجام بده.»

با دلگرمی، مأموریت را پذیرفتم. با کمک دوستانی در اداره کل تربیت بدنی، دو کیسه بزرگ بذر چمن - که در آن زمان کالایی کمیاب و گران بود - دریافت کردم و شخصاً به دانشگاه منتقل کردم. وقتی حاج آقا کیسه ها را دیدند، با همان لبخند همیشگی و لحن شیرینشان گفتند: «عجب آدمی!»

فردای آن روز، دستور دادند هر امکاناتی که برای احداث زمین چمن لازم است، در اختیارم بگذارند. خوشبختانه کار با موفقیت انجام شد و حتی از اداره منابع طبیعی، نهال هایی برای اطراف زمین و پیست دوومیدانی دریافت کردیم. امروز که از کنار آن زمین می گذرم، درختان کوچک آن روز، اکنون سر به فلک کشیده اند و خاطرات آن ایام را زنده می کنند.

۲. سالن ورزشی خواهران: از انبار تا فضای آموزشی

دانشگاه قم به دلیل تفکیک جنسیتی، با کمبود فضای ورزشی برای خواهران مواجه بود. در آن نزدیکی، سوله ای به عنوان انبار استفاده می شد. با طرح موضوع نزد آیت الله قاضی، ایشان دستور تخلیه و تجهیز آن فضا را به عنوان سالن ورزشی صادر کردند.

پس از آن، میزهای پینگ پنگ خریداری شد و به تدریج، امکانات ورزشی بیشتری برای دانشجویان خواهر فراهم آمد. آنان از آن پس می توانستند علاوه بر گذراندن واحدهای تربیت بدنی، اوقات فراغت خود را نیز در آن فضا بگذرانند.

۳. راه اندازی رشته تربیت بدنی

با توجه به نیاز استان قم به رشته تربیت بدنی و ضرورت توسعه دانشگاه، آقای قاضی شخصاً پیگیری کردند تا مجوز راه اندازی این رشته گرفته شود. با تلاش ایشان و همکارانی چون دکتر پورکیانی، این رشته افتتاح شد و دیگر دانشجویان مجبور نبودند برای تحصیل در این رشته به شهرهای دیگر بروند.

آیت الله قاضی انسانی و ارسته، فعال و خستگی ناپذیر بود. آنچه امروز به عنوان دانشگاه قم می بینیم، علاوه بر لطف الهی، حاصل همت بلند و مدیریت جهادی اوست. از همه ورزشکاران و مربیان می خواهم خدمات ارزشمند ایشان را فراموش نکنند و برای آن مرحوم از درگاه خداوند علو درجات مسئلت نمایند.

آیت الله قاضی خرم آبادی و شیوه مدیریت ایشان به خصوص در مورد پروژه‌های عمرانی و تأسیس دانشکده فنی و مهندسی

مهدی خداپرست^۱

ابوالقاسم معزی^۲

با آرزوی رحمت و غفران الهی برای روح متعالی مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی، نکاتی از نگاه نویسندگان در خصوص منش و ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی ایشان به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

الف) ایشان عنایت و توجه ویژه‌ای به راه‌اندازی و تأسیس دانشکده فنی و مهندسی و رشته‌های وابسته به آن داشتند و با وجود دشواری‌هایی که هم در خصوص تجهیز و ایجاد کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های متعدد مورد نیاز این رشته‌ها و هم تأمین هیئت علمی مورد نیاز در سال‌های نخست تأسیس این دانشکده وجود داشت، لیکن این موارد هیچ‌کدام باعث کندی در روال پیشرفت این هدف ارزشمند ایشان نشد.

ب) مرحوم آیت الله قاضی تأکید خاصی بر استفاده از اساتید بومی جهت رشته‌های مختلف مهندسی داشتند، لیکن به دلیل عدم وجود افراد کافی در آن زمان، از پرداخت هزینه‌های مازاد جهت ایجاد شرایط مناسب جهت بهره‌گیری از اساتید سایر دانشگاه‌های کشور و به‌خصوص دانشگاه‌های تراز اول کشور پرهیزی نداشتند.

۱ - استاد دانشگاه قم و مدیر گروه عمران در زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه و همکار در پروژه‌های عمرانی در زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

ج) در سال‌های اولیه راه‌اندازی رشته عمران، نیاز به تعدادی دوربین نقشه‌برداری و سایر تجهیزات مربوطه بود و با همت و تدبیر خاص ایشان، این دوربین‌ها و برخی تجهیزات جانبی آنها از طریق سازمان نقشه‌برداری کشور تأمین شد.

د) ایشان علاقه و تلاش مثال‌زدنی بر پیگیری پروژه‌های عمرانی دانشگاه داشتند و وقت زیادی را برای این موضوع صرف می‌کردند. حتی بعضی از روزهای تعطیل نیز این مسئله همچنان مورد اهمیت بود و در صورت لزوم، ایشان در روز اول فروردین نیز برای بازدید از روند پروژه‌ها به دانشگاه تشریف می‌آوردند.

ر) مرحوم آیت‌الله قاضی یک رابطه ساده و بی‌ریا با عوامل اجرایی و کارگران و پیمانکاران و حتی کارمندان دفتر فنی دانشگاه داشتند و این باعث دلگرمی بیشتر آنها شده و با یک انگیزه و حس بهتری کار می‌کردند. ایشان تقریباً شناخت کاملی از خصوصیات اخلاقی و رفتاری این عوامل و نیروهای زیردست خود داشتند و بعضاً با آنها شوخی و مزاح کرده و ارتباط صمیمانه را با آنها شکل می‌دادند. گاهی اوقات مهندسین ناظر پروژه‌ها برای اعتراض به برخی ایرادهای فنی پیمانکاران یا مشکلات بودجه‌ای به ایشان مراجعه می‌کردند و نوع خاص تعامل و ویژگی‌های رفتاری آن مرحوم باعث آرامش و نهایتاً تلاش برای یافتن یک راه‌حل مناسب می‌گردید.

ز) آن مرحوم تجربه زیادی در پروژه‌های اجرایی داشتند (نظیر احداث یک شهرک برای طلاب در خرم‌آباد و...) و این باعث می‌شد بعضی از وقت‌ها خودشان در امور اجرایی ورود می‌کردند و با عوامل فنی در این خصوص وارد مباحثه می‌شدند.

س) ایشان حتی در خصوص رعایت مسائل شرعی در پروژه‌های عمرانی حساسیت خاصی داشته و بر روی آن تأکید ویژه‌ای داشتند و خودشان شخصاً این مسائل را بررسی و کنترل می‌کردند.

ش) مرحوم آیت‌الله قاضی در برآورد مالی پروژه‌های عمرانی یک نگاه خاصی داشتند و آن ضرورت در نظر گرفتن اعتبارات - بعضی از اوقات تا دو برابر برآوردهای اولیه - بود.

ی) ایشان در مجموع اصرار زیادی بر اجرای پروژه‌ها با کیفیت بالا داشتند و با وجود مشکلات بودجه‌ای، حاضر به قربانی کردن کیفیت به علت سرعت اجرا نبودند. همچنین تا حد امکان خود را در چارچوب قوانین اسیر نکرده و بر ماهیت صحیح کارها در مقابل شکل ظاهری آنها تأکید داشتند.

دانایی و توانایی

محمد ذبیحی^۱

بنام خداوند جان و خرد
توانا بود هر که دانا بود
کزین برتر اندیشه برنگذرد
ز دانش دل پیر برنا بود

دانایی و توانایی دو واژه پارسی معادل عربی «علم» و «قدرت» است. هر یک به تنهایی بار معنایی دیگری را دربر دارد. دانایی برخاسته از توانایی است، چنان که توانایی ریشه در دانایی دارد. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «العلم سلطان». سلطنت و پایداری علم طبیعی است نه قهری و جبری. آرامش و توانمندی شهد شیرین دانش است و نیرومندی برآمده از خردمندی و اندیشه‌ورزی، بستر رشد و بالندگی و رسیدن به مدارج عالی کمالات انسانی است.

پانزده سال از فراق غمبار روحانی دانا و توانا گذشت. بزرگی و فرزاندگی و در پی آن دو برازندگی و ماندگاری را با ثنا و ستایش کاری نیست. چه بسا مداحان چاپلوس و متملقان دروغ‌پردازی که خود به آنچه می‌گویند باور ندارند. زین رو برای درستی ادعای بزرگی یک شخصیت می‌بایست مستند ارائه نمود و کیست که در اعتبار کارنامه زندگانی آن شخصیت دانا و توانا - که «دانشگاه قم» یکی از خدمات ماندگار وی است - تردید روا دارد. هرگاه با آشنایان و دیگران سخن از مردانگی، آزادگی، رهایی وی از وابستگی‌های حزبی و مسئولیت‌شناسی و دوری جستن از زرق و برق دنیوی می‌رود، نقطه مشترک گوینده و شنونده جز آهی عمیق از سردرد و دریغ نیست. راستی چرا کنون برای یافتن بزرگان و شایستگیانی چون قاضی، احمد احمدی و... باید فانوس به‌دست

۱- استاد دانشگاه قم و رئیس مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

۲- از پیام مقام معظم رهبری به مناسبت ارتحال آیت‌الله قاضی.

در پی آنان گشت؟ و در افقی گسترده‌تر، نسل ما آنگاه که گام در میدان مبارزه نهاد و چشم در پیشانی نهضت دوخت، بزرگ مردانی از تبار صالحان و ستارگانی پرفروغ چونان مطهری، بهشتی، طالقانی و... را در صف راهبری ملت می‌دید که آرام و قرارشان در سربلندی کشور، اقتدار ملت و استقرار عدالت بود. آنان از مردم بودند و در خدمت ایشان بودند. آری، گفتار از فرزندان نیک‌اندیش روحانیت فرصتی بسیار فراخ به درازای تاریخ می‌طلبد و در این مجال اندک سخن از یکی از این نوادر است: رئیس فقید دانشگاه که تمامی عمرش را هزینه ارتقای فرهنگی و اعتلای کشور نمود. در عید و عزا همواره در دفتر کارش حاضر بود. امید و همت در سراسر وجودش موج می‌زد. «خستگی» و «درماندگی» حتی در شرایط بیماری نزد او دو واژه بی‌معنا بودند و این همه در شرایطی بود که هیچ چشمداشتی نداشت و ریالی از پول دانشگاه به زندگیش راه نیافت.^۱ یکی از کارآموزانی که بیشترین همراهی را با او داشته است، نزد دانشجویان، حوزویان و دانشگاهیان شهادت می‌دهد که او در عرصه پر دغدغه فرهنگی شهر قم، تنها با اتکاء به لطف و عنایت خداوند توانست بنای رفیع دانشگاه قم را بنیان نهد. تربیت مدرس دانشگاه^۲ که در همان آغازین سال‌های تأسیس با مشکلات فزون از حد روبرو شد، در سایه همت و درایت ایشان به سرعت تبدیل به یکی از مراکز قابل توجه کشور گردید. هر چند بعد از ارتحال این بزرگ‌مرد، این بار از جنس دیگر، تلاطم‌های سیاسی بر آن سایه افکند و مهر انحلال بر دو دهه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آن گذاشته شد و در دانشکده الهیات و معارف اسلامی ادغام گردید، لیکن در همان دوران کوتاه حیات علمی، به یمن سعه صدر و سینه فراخ رئیس، فارغ از مجادلات کم‌حاصل سیاسی، آن‌چنان درخشید که می‌طلبد کارشناسان آموزشی و پژوهشی با بررسی و ارزیابی هزینه و فایده، آن را به عنوان الگوی بسیار موفق در عرصه آموزشی و پژوهشی مورد واکاوی قرار دهند. راه‌اندازی چند رشته دکتری که پیش از آن در کشور سابقه نداشت و امروز دانش‌آموختگان آن در سراسر کشور هر کدام در عرصه علوم انسانی صاحب‌نظر و نظریه‌پردازند، گواهی روشن بر ادعای پیش‌گفته است و این همه به جهت اعتماد و حمایت‌های بی‌دریغ آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی بود که از حضور استادان نام‌آشنای عرصه علوم انسانی - فارغ از گرایش‌های سیاسی - حمایت و بر این باور بود که در مقاطع و مراتب عالی تحصیل، دانش‌پژوه باید با دیدگاه‌ها و آراء علمی، جدای از غوغا سالاری و

۱ - نویسنده در مقاله «خدمت بی‌منت قاضی در محضر قاضی» که در کتاب «تجلی ایثار و اخلاص» (ص ۱۱۷-۱۸۲) یافته است، به تفصیل درباره روانشاد مرحوم قاضی سخن گفته است.

۲ - درباره تربیت مدرس و نقش استاد دکتر احمد احمدی رجوع کنید به مقاله «تربیت مدرس از آغاز تا انجام» به قلم نویسنده که در کتاب «حکیم پارسا» (ص ۷۱۳-۷۵۶) منتشر شده است.

وزن کشی سیاسی آشنا گردد. به روال معمول، روزی در دفتر کارگاه خدمت ایشان رسیدم. نامه‌ای را نشان دادند که در آن چند نفر از دانشجویان از یکی از استادان تاریخ معاصر شکایتی را نزد یکی از اعضای هیئت امناء برده بودند. حاج آقا گفتند موضوع را بررسی و گزارش کنید. حسب وظیفه پی‌جویی و نتیجه را تقدیم نمودم مبنی بر این که استاد تاریخ در شمار تحولات و رویدادهای تاریخ معاصر، لیستی از کارهای انجام شده در زمان پهلوی اول را فهرست نموده و برخی از دانشجویان آن را ستایش و حمایت از نظام پیشین می‌دانستند. بعد از شنیدن موضوع و دیدن لیستی که استاد آن را ارائه کرده بود گفتند: «اینها که دروغ نیست. ما نباید در گفتن و شنیدن واقعیات تعصب داشته باشیم» و بعد ادامه دادند که: «نیازی به گزارش مکتوب نیست، من خودم مسئله را به هیئت امناء توضیح خواهم داد.»

ویژگی‌های مدیریتی آیت‌الله قاضی

حجت‌اله شایان(راهزانی)^۱

صلابت و دقت نظر و رعایت اصول مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی از بارزترین ویژگی‌های ایشان بود که مشابه آن را در کمتر مدیری در طی سه دهه فعالیت اجرایی دیده بودم.

در ادامه به هشت ویژگی مدیریتی ایشان اشاره می‌کنم:

۱. آیت‌الله قاضی با اخلاص و تواضع، کسوت ریاست را به سکویی برای خدمت بی‌منت بر دانشگاه قم تبدیل کرده بود.

۲. آیت‌الله قاضی با نگاه دقیق و عمیق نسبت به مدیریت دانشگاه، توانست با غلبه بر همه سختی‌ها و موانع، اولین دانشگاه جامع استان قم را تأسیس کند.

۳. آیت‌الله قاضی دانشگاه قم را بر اساس تکلیف دینی و انقلابی بنا کرد و دانشجویان را هم در همین راستا و برای تأمین نیروهای مورد نیاز نظام اسلامی پرورش داد.

۴. رفتار مدیریتی آیت‌الله قاضی واقعاً ویژه بود. ایشان ضمن توجه خاص به اقشار محروم، ربانی از منابع مالی دانشگاه به عنوان حقوق برای خود برداشت نمی‌کرد.

۵. آیت‌الله قاضی در گزینش مدیران زیرمجموعه خود، سلاقی سیاسی آنان را لحاظ نمی‌کرد، بلکه توانمندی مدیران براساس معیارهای دینی و انقلابی همواره مد نظر او بود.

۶. آیت‌الله قاضی با نیت الهی خود در بنای دانشگاه، اعضای هیئت علمی و کارکنان متدین را جذب نمود و همواره نسبت به توانمندسازی ایشان اهتمام می‌ورزید.

۷. آیت‌الله قاضی مدیری آینده‌نگر بر اساس آرمان‌های دست‌یافتنی محسوب می‌شد.

۸. آیت‌الله قاضی همواره نسبت به رعایت حرمت‌ها در امور نظارتی و حراستی تأکید داشت.

۱- رئیس حراست دانشگاه زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

مساعدت شخصی در جهت برگزاری مطلوب آزمون سراسری

محمود رحیمی^۱

اینجانب به جهت مسئولیت در حفاظت آزمون استان از سال ۱۳۷۱ در اداره کل آموزش و پرورش استان و متعاقباً از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۴۰۲ که آزمون‌های سراسری در استان قم با محوریت دانشگاه قم بر عهده داشتم، خاطرات متعددی از مرحوم حضرت آیت‌الله قاضی در ذهن دارم که تلاش می‌کنم به برخی از آنها اشاره‌هایی داشته باشم:

در سال ۱۳۸۲ که آزمون سراسری برای اولین بار در دانشگاه قم برگزار شد، قرار بود حدود ۲۰۰۰ داوطلب برای آزمون تردد نمایند و آن زمان دانشگاه قم در حاشیه شهر بود و حتی شهرک قدس هم رونقی نیافته بود و طبیعتاً والدین داوطلبان وسیله شخصی هم نداشتند. حتی برخی از داوطلبان بضاعت مالی مناسبی برای تردد به دانشگاه نداشتند، خصوصاً داوطلبان خانم. بنده این موضوع را با آیت‌الله قاضی ریاست دانشگاه در میان گذاشتم و ایشان با بزرگواری اعلام کردند تا از شهرداری ۱۰ دستگاه اتوبوس جهت تردد از میدان جانبازان به دانشگاه قم و بالعکس فراهم گردد و اولویت با داوطلب‌های خانم باشد. نکته قابل توجه آن که سازمان سنجش بودجه و هزینه‌ای بابت این امر اختصاص نداده بود و شاید از محل حساب دانشگاه قم هم - به جهت مراقبت و احتیاط شرعی که معظم‌له داشتند - استفاده نشد و ایشان مبلغی از حساب شخصی (به هر راننده اتوبوس ۱۰۰۰ تومان که بسیار بیشتر از درآمد حاصل از سرویس‌ها بود) بابت کرایه رفت و برگشت داوطلبان اختصاص دادند و این موضوع نشان از بزرگی ایشان و دلسوزی که همواره نسبت به دانشجویان و مردم استان قم داشتند.

۱ - مسئول حفاظت آزمون‌های سراسری زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

مهمان‌نوازی ایشان و عدم استفاده از بیت‌المال حتی برای مهمانان اداری در سال‌های اول که آزمون برگزار می‌شد، اینجانب به جهت مسئولیت و این که تبلیغی برای دانشگاه قم انجام شده و مسئولین استانی هم عنایت ویژه‌ای به مرکز اصلی آموزش و دانشگاه جامع استان داشته باشند، برخی از مسئولین شاخص استان را جهت بازدید دعوت نمودم. در آن سال جز مسئولین استانی، جناب آقای دکتر خالقی هم که در وزارت علوم مسئولیت داشتند و ارادت زیادی به آیت‌الله قاضی داشتند، ما را در بازدید همراهی کردند. آیت‌الله قاضی پس از بازدید، کلیه بازدیدکننده‌ها را به ساختمان سرپرستی به صرف ناهار دعوت کردند و به اتفاق به آن محل رفتیم. بنده این صحنه را با چشم خود دیدم که آیت‌الله قاضی جناب حاج حسین عرب از همکاران دانشگاه را صدا زد و بدون این که جلب نظر نماید، مبالغی شخصی از جیبشان درآورده و به حاج حسین دادند و فرمودند که از بیرون دانشگاه برای آقایان غذا تهیه کنید، اینان مهمان شخص بنده هستند. و در ادامه به جهت دغدغه‌ای که ایشان برای دانش‌آموزان قمی داشتند (خصوصاً خانم‌ها) و مشکلاتی که در تردد به شهرهای اطراف بود، از آقای دکتر خالقی خواستند تا برخی از رشته‌های مرتبط در آن مقطع (که ۱۶ رشته تحصیلی بود) به دانشگاه قم مجوز جذب دانشجوی خانم داده شود و در ادامه خطاب به دکتر خالقی فرمودند که این کار هدیه شما باشد به دانشگاه قم و مردم استان قم.

این موضوع مؤید این مطلب می‌باشد که ایشان در هر شرایطی به فکر ارتقای آموزش عالی در استان و کاستن مشکلات مردم در امر ادامه تحصیل آینده‌سازان بودند.

اختصاص اتاق کاری اداری به آزمون سراسری و اهمیت ویژه به سلامت برگزاری آزمون بعد از آن که در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ که قرنطینه اصلی در اداره کل آموزش پرورش بود، به اینجانب که مسئولیت حفاظت آزمون استان و حفاظت قرنطینه اصلی سوالات در استان قم را داشتم ابلاغ گردید تا محل قرنطینه را در دانشگاه قم تعیین و اقدامات تأمینی لازم را با همکاری نیروی انتظامی، استانداری و شورای تأمین استان انجام دهم. لذا جهت جاییابی به دانشگاه قم مراجعه و با جناب آقای دکتر گندمکار که در آن مقطع مدیر کل آموزش بودند مذاکره و بازدیدهایی در سطح دانشگاه داشتیم و از آنجا که قرنطینه استانداردهای حفاظتی و امنیتی خاصی داشت، برخی از مکان‌ها تأیید نشد. نهایتاً دو مکان پیشنهادی باقی ماند که یکی در محدوده استادسرای واحد خواهران بود و یکی هم بخش سرپرستی در ساختمان شهید بهشتی. مذاکرات اولیه برای مکان اول از نظر دانشگاه بلامانع و مکان دوم دقیقاً دفتر کاری آیت‌الله قاضی بود و در آن مقطع ایشان

دو دفتر کاری داشتند: یکی در کارگاه و ویژه امورات عمرانی و یکی هم در محل مذکور که امور اداری و آموزشی را انجام می دادند و به جهت حرمت خاصی که همکاران برای معظم له قائل بودند، مکان دوم را پیشنهاد نمی دادند. نهایتاً بنده حضوراً خدمت آیت الله قاضی که آن روز در دفتر کارگاه بودند رسیدم و موقعیت مکان اول را از حیث این که در واحد خواهران بود و ممکن بود برای تردد عوامل حفاظتی و سایرین معذوریتی پیش بیاورد، بیان کردم. آیت الله قاضی بدون درنگ به جناب آقای عرب (مسئول محترم پشتیبانی در آن مقطع) دستور دادند تا وسایل اداری مربوط به ایشان را از اتاق خارج و آن مجموعه را در اختیار اینجانب قرار دهند و این موضوع حتی برای همکاران دانشگاه هم جای شگفتی داشت که چگونه ممکن است ریاست دانشگاه تا این حد به موضوع آزمون و سلامت آن اهمیت دهند و یا از حریم اختصاصی واحد خواهران - که خود بانی اجرای آن بودند - تا این حد مراقبت نمایند که اتاق اداری خود را با روی گشاده و بدون تعلل در اختیار قرار دهند.

نمونه‌هایی از رفتارهای مدیریتی حضرت آیت‌الله قاضی

اسماعیل زارع^۱

بنده از سال ۱۳۶۹ نزدیک به ۲۰ سال افتخار آن را داشتم که در خدمت مرحوم حضرت آیت‌الله قاضی باشم. در این مدت کاری، سنجای اخلاقی بیشماری را از ایشان به یاد دارم که سعی می‌کنم برخی از آنها را بیان کنم:

۱. با تقوی، دلسوز و خستگی‌ناپذیر.
۲. به راحتی عصبانی نمی‌شدند و اگر هم احیاناً می‌شدند، در این زمان هیچ وقت کاری و تصمیمی نمی‌گرفتند و سکوت اختیار می‌کردند.
۳. از افرادی که پشت سر همکاران می‌خواستند صحبت کنند ناراحت می‌شدند و می‌گفتند: «اگر حرفی داری، زنگ بزنم طرف هم بیاید اینجا تا جلوی خودش حرف بزند تا از خودش دفاع کند.»
۴. از حساب شخصی خودشان و از محل اعتبارات در اختیار رئیس (که در حسابی با امضای بنده و ایشان بود) به دانشجویان بی‌بضاعت کمک می‌کردند. دستور می‌دادند بنده به طور محرمانه پرداخت می‌کردم.
۵. بنده یک ریال از اعتبارات دانشگاه را ندیدم به نحو خودشان برداشت کنند. حتی کرایه رفت و آمد به دانشگاه را از جیب می‌دادند.
۶. در برابر بیت‌المال با هیچ کس تعارف نداشتند.
۷. در حفظ آبروی کارکنان حساس بودند و اجازه نمی‌دادند دیگران هم چنین جسارتی را بکنند.

۱- مسئول حسابداری طرح‌های عمرانی و عامل ذیحساب دانشگاه زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

۸. از همکارانی که در دانشگاه تلاش بیشتری داشتند، به شخصه نام می بردند و تشکر می کردند. در پایان لازم است عرض کنم که ایشان تمام فاکتورهای اسناد را - اگر بالای هزار فقره هم بودند - یکی یکی می دیدند و علامت می زدند. یک بار از ایشان پرسیدم: «حاج آقا، نیازی نیست یکی یکی فاکتورها را کنترل کنید، به ما اعتماد کنید.» ایشان فرمودند: «منظورم از تیک زدن یا علامت فاکتورها کنترل شما نیست. هدفم این است که بدانم چه چیزهایی خریداری یا انجام شده که اگر درخواست تکراری جهت امضا به پیش من آوردند، الکی امضا نکنم.»

سیره آیت الله قاضی در ارتباط مستقیم و بی واسطه با ارباب رجوع

سید محمد مهدی سجادی^۱

امام علی (علیه السلام): لَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ وَلَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهُكَ (نهج البلاغه،

نامه ۶۷)

امام علی (علیه السلام): میان تو و مردم رابطی جز زیانت و پرده ای جز چهره ات نباشد.

مقدمه

بنابر ارزش های والای اسلامی و الهی، همه انسان های جامعه در یک شأن و ردیف جای دارند و برعهده گرفتن مسئولیت ها، در حقیقت نوعی تکلیف پذیری برای خدمت رسانی بیشتر به مردم است. بهترین راه ارتباط مسئولین و مدیران با مردم، دیدار حضوری و چهره به چهره با ایشان است؛ دیداری حضوری و دوستانه که هر کس بتواند بدون ترس و رودررو، مشکلات و خواسته های خویش را بر زبان آورد. در دیدار حضوری بسیاری از حقایق و ناگفته ها آشکار می شود و مسئولین و تصمیم گیران بهتر از هر روش دیگری به عمق مسائل و مشکلات مراجعه کنندگان پی می برند و می توانند مشکلات آنان را حل کنند. ثانیاً مشکلات مردم را نمی توان از لابه لای نامه ها یا از زبان اطرافیان (مسئولین دفتر، معاونین و مدیران) دریافت کرد و خود مراجعه کنندگان و مردم بهتر می توانند مشکل و نیاز واقعی شان را به مسئولین منتقل کنند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز به تأسی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول حیات

۱- مسئول تغذیه زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

خویش - به‌ویژه در دوران حکومت و زمامداری - ارتباطی بی‌واسطه و تنگاتنگ با مردم داشت و همیشه در دسترس همگان بودند؛ به گونه‌ای که هرکس در هر موقعیتی به سهولت با ایشان دیدار می‌کرد و مشکلات و مسائل را با آن حضرت در میان می‌گذاشت.

امام به فرمانداران و منصوبین خود تأکید می‌کنند که رئیس و مسئول با مردم ارتباط زیاد داشته باشد و طوری عمل کند که افراد مختلف مردم بتوانند با آنها در ارتباط باشند و حضوراً مسائل‌شان را بی‌پرده بگویند. میان مردم بودن مدیران و مسئولین، موجب الفت و دوستی می‌شود.

من كتابة الى قثم بن العباس، و هو عامله على مكة: ولا يكن لك ألى الناس سفير الا لسانك، ولا حاجب الا وجهك؛ ولا تحجبن ذا حاجة عن لقائك بها، فأنها أن ذيدت عن ابوابك في أول وردها لم تحمد فيما بعد على قضائها.

حضرت علی در نامه خود به قثم بن عباس، فرماندار حضرت در مکه نوشتند: سفير میان تو و مردم کسی جز زبانت نباشد و حاجبی جز چهره‌ات. هیچ حاجتمندی را از دیدار با خود باز مدار؛ زیرا اگر در همان ابتدا که برای مطرح کردن حاجت و مشکل خود پیش تو می‌آید از درگاه تو رانده شد، هر چند بعداً مشکل او را برطرف سازی، دیگر مورد ستایش و تقدیر قرار نخواهی گرفت.

و همه اساتید و کارکنان و دانشجویانی که در زمان حیات ایشان در دانشگاه حضور داشتند از این موضوع اطلاع دارند و از نزدیک دیده بودند که شیوه و روش مرحوم آقای قاضی (ره) در برخورد با مراجعین و ارباب رجوع هم به همین صورت بود که اولاً مسئول دفتر نداشتند و مراجعین هم به راحتی می‌توانستند با ایشان دیدار کنند. حتی عده‌ای از افرادی که مراجعه می‌کردند و با ایشان کار داشتند و برای بار اول ایشان را می‌دیدند، ایشان را نمی‌شناختند. وقتی با آقای قاضی روبرو می‌شدند می‌گفتند: «با آقای قاضی کار داریم» و ایشان می‌گفتند: «خودم هستم». تعجب می‌کردند که چقدر راحت و بدون هیچ مانعی با رئیس دانشگاه روبرو شده‌اند. حتی برای بسیاری از مسئولین وزارت علوم و مسئولین استانی برایشان تعجب‌آور بود که معاونین و مدیران ایشان مسئول دفتر دارند و خود ایشان مسئول دفتر ندارند و افراد مراجعه‌کننده از هر قشری (اساتید، کارمندان، دانشجویان، نیروهای خدماتی و فضای سبز و...) به طور کلی همه مراجعه‌کنندگان - چه در داخل از دانشگاه و چه خارج از دانشگاه - به راحتی و بدون گرفتن وقت قبلی و به راحتی، نه در بیرون از اتاق بلکه در داخل اتاق خود ایشان به نوبت می‌نشستند و یکی یکی مسائل، مطالب و درخواست‌های خود را مطرح می‌کردند و فرقی بین آنها نبود. و ثانیاً این که در میان این مراجعات حضوری، وقتی تلفن اتاق ایشان زنگ می‌خورد و افرادی تماس تلفنی می‌گرفتند، هم خودشان به

تلفن‌ها جواب می‌دادند. و ایشان این مراجعات را از نعمت‌های خداوند می‌دانستند که به فرموده امام حسین (علیه السلام): «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النَّعَمَ» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۰۵). امام حسین (علیه السلام): نیاز مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شما است؛ از این نعمت افسرده و بیزار نباشید.

با احترام برخورد کردن با مراجعین

آنچه در معاشرت با مردم سزاوار است این است که با ما چگونه برخورد شود. اگر من جای تو بودم، دوست داشتم با من چگونه برخورد شود؟ آقای قاضی خود را جای مراجعه‌کننده می‌گذاشت و بر اساس حدیث امام حسن (علیه السلام): «صَاحِبِ النَّاسِ مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُصَاحِبُكَ بِهِ» (امام حسن علیه السلام: با مردم به گونه‌ای رفتار کن که دوست داری با تو آن گونه رفتار کنند) رفتار می‌کرد.

در دسترس‌ترین افراد در دانشگاه

اگر ما به اداره یا سازمانی جهت انجام کاری مراجعه کردیم، دوست داریم که فرد مسئول در محل کار خود حضور داشته باشد و کارمان در سریع‌ترین زمان ممکن انجام شود. با توجه به عدم دریافت یک ریال حقوق از دانشگاه و دولت (به گفته خودشان از حقوق و امکانات دولتی هیچ استفاده‌ای نکردند)، در دسترس‌ترین افراد در دانشگاه آقای قاضی بود که اولاً بیشتر وقتشان در دانشگاه حضور داشتند (از ساعت ۸ تا ۱۳ در قسمت اداری و بعد از ظهرها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ و در مواقعی تا ۲۱ شب در قسمت کارگاه ساختمانی) و ثانیاً بدون تعطیلی - حتی در روز اول عید نوروز و تعطیلات عید نوروز و تعطیلات تابستانی و در اواخر عمر شریفشان هم با وجود این که یک روز در میان برای انجام دیالیز به بیمارستان می‌رفتند - همه روزه بدون یک روز تعطیلی در دانشگاه حضور داشتند و در طول سال فقط ۳ روز (تاسوعا و عاشورا و ۲۸ ماه صفر) را در دانشگاه حضور نداشتند و تعطیل می‌کردند. و حتی به خاطر دارم که در سال ۸۶ که برف و یخبندان شدیدی در قم اتفاق افتاده بود و فردای آن روز دانشگاه‌ها تعطیل بود، هم به سختی در دانشگاه حاضر شدند و با توجه به قطعی گاز و یخ زدن آب، مثل روزهای دیگر کارهای روزمره دانشگاه را انجام دادند.

پیگیری موارد مطرح شده دانشجویان در مراجعات حضوری توسط خود ایشان

خود ایشان بسیاری از موارد مطرح شده یا خواسته‌های دانشجویان و ارباب رجوع را پیگیری می‌کردند. به عنوان مثال در یکی از مراجعات شورای صنفی دانشجویی از کیفیت غذاهایی که به دانشجویان می‌دادند انتقاد کردند و درخواست کردند که کیفیت غذای بهتر شود. حاج آقای

قاضی گفتند پیگیری می کنند. بعد از این موضوع، حاج آقای قاضی در طول هفته چندین نوبت به صورت متناوب در روزهای مختلفی به اینجانب می گفتند این پول را بگیر و ۳ عدد فیش غذا تهیه کنید و بنده به همراه ایشان و راننده شان به سلف سرویس دانشجویی می رفتیم و غذا می خوردیم. و در مراجعه بعدی شورای صنفی، ایشان عنوان کردند که کیفیت غذای دانشجویی بد نیست و خودم چندین هفته است که در رستوران حاضر می شوم و همین غذای دانشجویی را می خورم و کیفیت غذا آنقدر هم که شما می گوید بد نیست و آشپزی که برای شما (مرحوم حاج رجب هوشمند نژاد) غذا می پزد، برای هیئت امناء در مواقعی که جلسه داریم، ایشان غذا می پزد و دست پخت خوبی دارد. و ناگفته نماند که پول غذای دانشجویی را هم شخصاً خودشان پرداخت می کردند، همانند پول تلفن اتاقشان و موارد دیگر.

احتیاط شدید در عدم تنهایی در برخورد با خانم ها با وجود باز بودن درب اتاق

بعضی از مواقع مراجعه کنندگان خانم می خواستند به صورت خصوصی و محرمانه مطالبی را با ایشان در میان بگذارند و اصرار می کردند که در اتاق تنها باشند و مراجعه کننده دیگری در اتاق نباشد. ایشان صبر می کردند تا به کار همه مراجعه کنندگان رسیدگی شود و اتاق خلوت شود یا آخر وقت می آمدند. در همان اوایل حضور اینجانب خدمت آقای قاضی، به بنده گفتند: «هر وقت خانمی مراجعه کرد و کسی در داخل اتاق نبود، شما داخل اتاق بیا و بنشین داخل اتاق.» و من هم به دستور خود آقای قاضی در مواقعی که خانمی مراجعه می کرد و مراجعه کننده دیگری نبود، داخل اتاق می نشستم. ولی به شخصه فلسفه این کار ایشان را نمی دانستم. من به آقای قاضی گفتم: «این افراد می خواهند به صورت محرمانه با شما صحبت کنند و درب اتاق هم باز است و بر اساس احکام اسلام، زن و مرد در اتاق در بسته نباید تنها باشند و با وجود باز بودن درب اتاق، دیگر نیازی به حضور من داخل اتاق نیست.» می گفتند: «من یکی از شیطان و دیگری از نفس خودم مطمئن نیستم» و این شعر را می خواندند:

نفس از درهاست او کی مرده است از غم و بی آلتی افسرده است

و داستان برصیصای عابد را نقل می کرد که با آن مقام و منزلتی که داشت، عاقبتش چه شد. و حتی این کار با اعتراض خانم ها مواجه می شد که: «ما می خواستیم تنهایی با شما مطالبی را عنوان کنیم و صحبت های ما محرمانه است.» می گفتند: «ایشان باید در اتاق باشد.»

کمک به دانشجویان مراجعه کننده نیازمند

عده ای از مراجعه کنندگان از دانشجویانی بودند که بضاعت مالی خوبی نداشتند و این موضوع -

کمک به دانشجویان در آغاز سال تحصیلی (جهت تهیه کتاب، لوازم التحریر و رزرو غذا و...) یا در ایام تعطیلی عید نوروز برای تهیه لباس یا تهیه هزینه کرایه رفتن به منزل - به ایشان مراجعه می کردند و می دیدم که مرحوم آقای قاضی در بیشتر مواقع از جیب خودشان به ایشان مبلغی کمک مالی می کردند یا با توجه به اختیاراتی که به عنوان رئیس دانشگاه داشتند، روی برگه یادداشت یا پاراف نامه به صورت محرمانه (که حفظ آبروی افراد بشود) آنها را به آقای حسین عرب (که از معتمدین ایشان در دانشگاه بودند) ارجاع می دادند و می نوشتند که فلان مبلغ به فلان دانشجو پرداخت شود.

داشتن حافظه قوی

ایشان حافظه بسیار قوی داشتند و بعضی از مواقع که احتیاج می شد نامه ای از بایگانی گرفته شود، می گفتند: «فلان نامه یا بخشنامه را که با خودکار (حتی رنگ خودکار را هم می گفتند) پاراف کرده ام را بیاورید.» لازم به ذکر است که خودکاری را هم که با آن نامه ها را پاراف می کردند را هم خودشان از هزینه شخصیشان خریده بودند و از بیت المال و دانشگاه نبود.

و در پایان به نظر اینجانب به این نکته می توان اشاره کرد که این نوع نگاه و برخورد مرحوم حاج آقای قاضی (ره) با مراجعه کنندگان از اینجا سرچشمه گرفته بود که ایشان این مراجعات را از نعمت های خداوند می دانستند.

و در گفتار و کردار هم به این آیه قرآن باور داشت که هیچ چیزی از نظر خداوند متعال پوشیده نیست: «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (آیه ۱۸ سوره ق) و انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر این که همان دم فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است. و این آیه را اینجانب به فرموده آقای قاضی (ره) در مقابل و روبروی میز ایشان بر روی دیوار نصب کردم و تا آخرین روزهای حضور ایشان در دانشگاه بر روی دیوار نصب بود.

خلاقیات‌های حضرت آیت‌الله قاضی در ساخت‌وسازها

عبدالرضا رزاقی^۱

«يُوفِّعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱)

«خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش یافته‌اند درجاتی بلند می‌بخشد.»
حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (ره) از جمله شخصیت‌هایی بودند که رسالت آبادانی علم و دین را در کنار یکدیگر بر دوش داشتند. ایشان در قامت یک عالم‌مدیر، نه تنها به بنیان‌گذاری و هدایت علمی - مدیریتی دانشگاه همت گماشتند، بلکه در عرصه عمل، نهادی را پایه‌ریزی نمودند که امروز یکی از افتخارات علمی و فرهنگی کشور به شمار می‌رود.

اینجانب از تابستان ۱۳۶۵، تقریباً هم‌زمان با آغاز عملیات عمرانی «مدرسه عالی قضایی طلاب» (دانشگاه فعلی قم)، توفیق حضور در کنار آن بزرگوار را یافتم. سال‌هایی که در محضر ایشان گذراندم، برای من نه صرفاً تجربه‌ای کاری، که درسی ماندگار در اخلاق، مدیریت، سخت‌کوشی و آینده‌نگری بود. ایشان با اخلاقی خوش و چهره‌ای متبسم، در عین حال با جدیت و صلابتی مثال‌زدنی، مسیر اجرای پروژه‌ای عظیم را رهبری می‌کردند.

حضرت آیت‌الله قاضی (ره) در طراحی و اجرای طرح جامع دانشگاه قم، جلوه‌های بی‌بدیلی از خلاقیت و آینده‌نگری به نمایش گذاشتند که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌نمایم:

۱. توجه به اقلیم و معماری پایدار

در حالی که بسیاری از پروژه‌های عمرانی آن روزگار توجهی به شرایط محیطی نداشتند، آیت‌الله قاضی با نگاهی علمی و دقیق - منطبق بر تجارب ارزنده خود - بر هماهنگی طرح‌ها با اقلیم گرم و خشک قم تأکید می‌نمودند. ایشان مهندسین معمار را موظف می‌کردند که ساختمان‌ها را حول حیاط‌های مرکزی سبز همراه با آب‌نماهای فواره‌دار طراحی نمایند. این الگو نه تنها به تهویه طبیعی و خنک‌سازی فضا کمک می‌کرد، بلکه روحیه‌ای ایرانی - اسلامی را در کالبد دانشگاه زنده نگاه می‌داشت. آنچه امروز با عنوان «معماری پایدار» شناخته می‌شود، در اندیشه‌ی ایشان دهه‌ها پیش به صورت عملی تحقق یافت.

۲. ایجاد زیرساخت‌های رفاهی جامع

از نگاه معظم‌له، دانشگاه تنها جایگاه درس و کتاب نبود؛ بلکه زیست‌بومی کامل برای اساتید، دانشجویان و میهمانان محسوب می‌شد. از همین رو، طراحی مهمانسرا، سالن‌های آمفی‌تئاتر با دکورهای چوبی منحصر به فرد، رستوران مرکزی، خوابگاه‌ها و استادسراها در دستور کار قرار گرفت. ایشان تأکید داشتند که این فضاها باید با مصالح روز و معماری فاخر ساخته شوند تا شأن دانشگاه اسلامی قم را به نمایش بگذارند. این اهتمام، نشان‌دهنده دید بلند ایشان بود که رفاه و آسایش را جزئی جدانشدنی از رشد علمی و معنوی می‌دانستند.

۳. تبدیل زمین‌های شور و سنگی به فضای سبز زنده

بخش زیادی از زمین احداثی دانشگاه بر روی تپه‌ها و شوره‌زارهای سنگی قرار داشت. کار با بولدوزرهای سنگین و حتی انفجار دینامیت تنها راه تسطیح این زمین‌ها بود. در چنین شرایطی، آیت‌الله قاضی با نگاهی بلندمرتبه دستور کاشت نهال‌های کوچک کاج را صادر فرمودند. در آن روزگار، باور به رویش نهال‌ها در چنان عرصه‌ای دور از ذهن بود؛ اما امروز همین درختان سرسبز، نماد ایمان ایشان به آینده و تجلی باور به «زنده شدن زمین» هستند. این نگاه، نه تنها جلوه‌ای عمرانی، که درسی اخلاقی و ایمانی بود؛ یعنی باور به آنکه با تلاش و امید، حتی سنگ‌لاخ‌ترین زمین‌ها نیز به گلستان بدل می‌شوند و نتیجه آن شد که با شکل‌گیری چنین فضای سبز کم‌نظیری، دانشگاه سرشار از طراوت و شادابی گردید و محیطی دلپذیر برای اساتید و دانشجویان فراهم آمد.

۴. دوراندیشی در طراحی و توسعه زیرساخت‌ها

آیت‌الله قاضی هیچ‌گاه به نیازهای روز اکتفا نمودند. همواره تأکید داشتند که طرح‌ها باید ظرفیت نسل‌های بعدی را نیز پوشش دهند. نمونه‌ی روشن آن کتابخانه مرکزی دانشگاه است که با زیربنایی حدود ۲۴ هزار مترمربع، سه برابر بیش از طرح مصوب احداث گردید. این تصمیم نشان‌دهنده بینش راهبردی ایشان بود؛ کتابخانه‌ای که امروز هنوز هم پاسخگوی نیازهای گسترده‌ی دانشگاه است و آیندگان از این تدبیر بهره‌مند می‌شوند.

۵. صیانت از بیت‌المال و مدیریت جهادی

یکی از بارزترین ویژگی‌های ایشان، حساسیت مثال‌زدنی نسبت به بیت‌المال بود. ایشان کیفیت را بر کمیت ترجیح می‌دادند و همواره در پی آن بودند که هزینه‌ها بهینه و کارها با بالاترین بهره‌وری پیش برود. دستور ایجاد کارگاه‌های آهنگری، نجاری و موزاییک‌سازی در محوطه‌ی دانشگاه، برای تولید مصالح باکیفیت و ارزان در داخل و کاهش هزینه‌ها، نمونه‌ای روشن از این نگاه بود. این روش نه تنها هزینه‌ها را پایین آورد، بلکه موجب اشتغال‌زایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی ارزان‌قیمت و در دسترس نیز شد. این ابتکار مدیریتی، جلوه‌ای روشن از دقت ایشان در صیانت از بیت‌المال و نمونه‌ای عملی از مدیریت جهادی در خدمت به مردم بود.

دانشگاه قم امروز با هزاران فارغ‌التحصیل متخصص و متعهد، میراثی زنده از اندیشه‌ها و تدابیر حضرت آیت‌الله قاضی است. این مجموعه تنها یک بنا یا محوطه‌ی آموزشی نیست؛ بلکه مظهر ایمان، دوراندیشی و مدیریت متعهدانه‌ی عالمی ربانی است که توانست سنگ و خاک را به کانون علم و اخلاق بدل سازد.

یاد ایشان همچون چراغی فروزان در دل‌ها باقی است و نامشان در تاریخ این سرزمین به عنوان بنیان‌گذار فقید دانشگاه قم و الگویی الهام‌بخش برای مدیریت اسلامی جاودان خواهد ماند.

اخلاص قاضی

سید احمد رضا شاهرخی^۱

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله اجمعین سیما بقیة الله فی الارضین

قال الله تبارک و تعالی: قُلْ إِنَّمَا أَعْظِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى (سوره سبا، آیه ۴۶)
«بگو: من فقط شما را به یک حقیقت اندرز می‌دهم و آن حقیقت این است که دو نفر دو نفر با هم و به تنهایی برای خدا قیام کنید.»

اخلاص صفتی باطنی است که دارای نشانه‌هایی در عمل و رفتار است. اخلاص در دین یعنی ایمان به یگانگی خداوند و نفی شرک و تشبیه که همان توحید است. اخلاص در عمل یعنی هر عمل و رفتاری برای رضایت و خشنودی خداوند متعال باشد. آیه شریفه ۴۶ سوره سبا یادآور می‌شود که فعالیت‌های فردی و جمعی شما برای خداوند باشد تا شما را به خداوند نزدیک کند. یکی از مصادیق این آیه شریفه، مردان بزرگی هستند که قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با پیروی از امام راحل عظیم‌الشأن، مجاهدانه و مخلصانه با همت مضاعف و کار مضاعف و متراکم، آرمان‌های بزرگی را عملی ساختند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی (رضوان‌الله تعالی علیه) بنیانگذار و رئیس فقید دانشگاه، دارای ویژگی‌های خاص مدیریتی بود که شاید کمتر بتوان نمونه‌هایی برای آن پیدا کرد. در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنم:

۱. گریزان از شهرت:

آن عالم ربانی مطابق حدیث گهربار حضرت پیامبر اسلام (ص) به حقیقت اخلاص رسیده بود؛ زیرا از شهرت گریزان بود. از عکس، فیلم، مصاحبه و گزارش کار در رسانه‌ها و در عموم به شدت فاصله می‌گرفت. در مجالسی که ضرورتی نبود، در گوشه‌ای دور از رسانه‌ها و چشم‌ها حاضر می‌شد. با وجود احداث بنای عظیم دانشگاه قم، مراسم افتتاح برگزار نمی‌کرد.

۲. عدم پذیرش به عنوان چهره:

نشانه دیگر اخلاص، به فرموده حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، این بود که از تمجید شدن ناراحت می‌شد. تلاش‌های فراوانی از سوی نیک‌اندیشان صورت گرفت و از جمله بنده را مأموریت دادند تا این عالم ایثارگر را برای «چهره ماندگار استان قم» و معرفی برای «چهره ماندگار کشوری» راضی کنم، ولی هیچ‌گاه نپذیرفت و سرانجام مانع هر اقدامی شد و این گونه رفتارها تا پایان عمر شریفش ادامه داشت.

۳. سخاوت و دوری از حرص و طمع:

بنیانگذار دانشگاه قم که از توان اقتصادی خوبی برخوردار بود، اما داشته‌های خود را در مسیر خدمت‌گزاری به دین، آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، مردم و انقلاب اسلامی به کار گرفت. ساخت شهرک قاضی آباد در خرم‌آباد، بخشش و سازش با کسانی که توانایی پرداخت نداشتند، تأسیس کارخانه برق در خرم‌آباد، حمایت مادی و معنوی از مبارزان و زندانیان انقلابی و خانواده‌های آنان، کمک پنهان به مستمندان، حمایت مادی و معنوی از حوزه‌های علمیه و راه امام راحل عظیم‌الشأن، پرداخت حقوق فعالان در کمیته انقلاب اسلامی در خرم‌آباد، و پس از آن حمایت کامل از حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، تأسیس دانشگاه قم و مسئولیت‌های مهم در قوه قضاییه و حوزه علمیه قم، به‌طوری که در همه این موارد بدون دریافت حقوق و در مواردی با مساعدت‌های مالی برای پیشرفت امور در دستگاه‌هایی که انجام وظیفه می‌کرد، فقط گوشه‌ای اندک از اقدامات ایشان است که خود کتاب قطوری می‌شود.

۴. ساده‌زیستی و دوری از اسراف:

دوری از اسراف و تجملات و ساده‌زیستی که از توصیه‌های مؤکد حضرت امام امیرالمؤمنین (ع) به کارگزاران است. در زندگی و اتاق کار ساده‌اش و در همه مسئولیت‌ها، به‌خصوص در دانشگاه قم و نظارتی که در این گونه امور داشت، درس‌هایی ماندگار و عبرت‌آموز و گفتنی است. صفات ممتاز و برجسته حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی ره در حد و اندازه‌ای بود که رهبر معظم انقلاب

اسلامی مدظله‌العالی در پیام تسلیتی که صادر کردند، با ۱۱ صفت برجسته و به عنوان شخصیتی کم‌نظیر از ایشان یاد کردند. چنین انسانی برای عموم خدمت‌گزاران، خصوصاً روحانیت، الگویی است که با اخلاص و پاکی و مراقبت دائم می‌توان به آن منزلت معنوی نایل یا نزدیک شد. از خداوند متعال برای آن روحانی مبتکر و ایثارگر، پاداش بی‌کران را درخواست می‌کنم.

عزم راسخ آیت الله قاضی در پیشبرد امور

سیداحمد رضا شاهرخی^۱

قرآن حکیم انسان را به ایمان و عمل صالح و خدمت گذاری و احسان و نیکوکاری دعوت می کند. حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان اولین مفسر قرآن پس از حضرت رسول اعظم (ص) در این حدیث نورانی می فرمایند:

الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ، وَ الْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ، وَ الْوَرَعُ الْوَرَعُ... کار کنید، کار کنید. آن را به پایان برسانید، آن را به پایان برسانید و در آن کار پایداری کنید، پایداری کنید. سپس شکیبایی بورزید، شکیبایی بورزید و پارسا و پرهیزکار باشید. قطعاً شما مقصد و پایانی دارید، خود را به آن مقصد (بهشت) برسانید. مفاد این حدیث نورانی که جای سخن بسیار دارد، مختصرش کار و فعالیت انبوه و متراکم و خستگی ناپذیر همراه با پرهیزکاری است که خشنودی خداوند متعال را در پی دارد و سرانجامش هم رسیدن به پاداش و وعده الهی است.

خدمات برجسته با اهداف بلند

حضرت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی (ره) بنیان گذار دانشگاه قم، تجسم انسانی این حدیث نورانی است که پرتلاش در راه اهداف بلند اسلامی و خدمت گذاری به مردم، از خود خستگی نشان نمی داد؛ اگرچه در این راه محنت و رنج زیادی متحمل شد. در طول خدمت گذاری اش، امکانات و اعتبارات بودجه ای و نیروی انسانی آن طور که می خواست

۱- معاون فرهنگی اجتماعی دانشگاه زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

برایش فراهم نشد، ولی محکم و استوار به راهش ادامه می‌داد.

تأسیس رشته مهندسی و فنی

در یکی از روزها که به سال ۱۳۸۲ برمی‌گردد، در دفتر کارش در ساختمان اداری که مسئول دفتری هم نداشت، نشسته بودم. آقای محترمی وارد شد و به ایشان گفت: «امروز همان تاریخی است که وعده دادید به ملاقات شما بیایم.»

از گفت‌وگوهایی که انجام شد، متوجه شدم که ایشان می‌خواهد برای اولین بار در شهر قم و در دانشگاه قم، رشته مهندسی عمران و صنایع را در آغاز سال تحصیلی تأسیس کند و این مراجعه‌کننده محترم از درخواست کنندگانی است که می‌خواهد در رشته‌های تازه تأسیس تدریس کند.

این در حالی بود که چند ماهی به شروع سال تحصیلی باقی مانده بود. حضرت آیت‌الله قاضی (ره) به ایشان گفتند: «وقتی دفترچه اعلام رشته‌ها از سوی وزارت علوم منتشر شد، چنانچه رشته‌های مهندسی را در آن دفترچه برای دانشگاه قم اعلام نمودند، دوباره تشریف بیاورید.» حقیر که شاهد این گفت‌وگوها بودم، شگفت‌زده شدم. زیرا از مشکلات و سختی‌های رشته‌های تازه تأسیس مانند ریاضی و فیزیک، تربیت بدنی و جذب استاد و مدیر گروه و تجهیزات و آزمایشگاه و امکانات تربیت بدنی اطلاع کامل داشتم. مشکلاتی که این مرد بزرگ هیچ‌گاه آنها را با دانشجویان در میان نمی‌گذاشت، ولی با اراده استوار از همه آنها عبور می‌کرد.

بنده که به ظاهر نشانه‌هایی برای شروع به کار در این رشته‌ها نمی‌دیدم، از جمله افرادی بودم که به این روحانی برجسته توصیه می‌کردم...

چنین اقداماتی سبب می‌شود که افراد کم‌اطلاع به شما اعتراض کنند.

پس از آن که مراجعه‌کننده رفت، از باب کنایه در همان دفتر کارش عرض کردم که: «پشت سر من فضای خالی ده‌ها هکتاری وجود دارد، خوب است کارخانه خودروسازی را در زمین‌های دانشگاه قم احداث کنید.»

آن مرد بزرگ پس از شنیدن این پیشنهاد، بدون درنگ با جدیت تمام سوگند یاد کردند که: «اگر امکاناتی بدهند، کارخانه بزرگ خودروسازی را احداث می‌کنم.»

در طول ۱۴ سال ملازمت با ایشان، نشنیدم که سوگند بخورد، اما اینجا جایی بود که با عزم راسخ سوگند خوردند.

برای حقیر که این روحانی ایثارگر و کارهای کم نظیرش را دیده بودم، مانند ساخت منطقه بزرگ قاضی آباد در خرم آباد و کارهای متعدد این چینی، می دانستم که توانایی و دانایی چنین کاری را دارد.

نتیجه این گفتگو و پیگیری تأسیس دو رشته مهندسی عمران و صنایع در سال ۱۳۸۲ شد که در سال ۱۴۰۴ به ۳۶ رشته با عنوان دانشکده فنی و مهندسی به تفکیک شامل:

• ۸ رشته مقطع کارشناسی

• ۱۶ رشته کارشناسی ارشد

• ۱۲ رشته دکتری

ارتقاء یافته است که ثمرات و خدمات فارغ التحصیلانش همه کشور را در بر گرفته است و قطعاً در سازندگی استان و کشور نقش اساسی دارد. إن شاء الله جایگاهش در اعلیٰ علین باشد.

استفاده از تکنولوژی روز در سیستم آموزشی دانشگاه

محمدحسین شفیعی^۱

استفاده از تکنولوژی‌های جدید در کلاس‌های آموزشی برای کمک به ارائه‌های دیداری در کلاس درس و همچنین به عنوان ابزاری آموزشی در ارتباط با برنامه‌های نرم‌افزاری و اینترنت، امری ضروری و بدیهی برای پیشرفت دانش و خلاقیت به شمار می‌رود. امروزه دانشجویان تنها با دفتر و کتاب در کلاس‌های درس حاضر نمی‌شوند. کلاس‌های امروزی با کلاس‌های سال‌های قبل کاملاً متفاوت است. همان‌طور که ابزار دیجیتالی دنیای اطراف ما را تغییر داده، اهمیت تکنولوژی و کاربرد آن در کلاس‌های آموزشی نیز تعجب‌آور نیست.

امروزه در کلاس‌های آموزشی از فناوری‌هایی چون:

- فضای ابری (فضای ذخیره‌سازی آنلاین)

- واقعیت مجازی

- سیستم یادگیری سازگار و... استفاده می‌شود.

آیت‌الله قاضی و استفاده از تکنولوژی روز در سیستم آموزش دانشجویان

در اوایل دهه شصت، با توجه به اینکه تکنیسین برق و الکترونیک بودم، در نگهداری و راه‌اندازی سالن‌های همایش و همچنین لابراتوار زبان و سالن‌ها انجام وظیفه می‌کردم. از نزدیک شاهد بودم که حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی در دهه شصت که هیچ خبری از این نوع تکنولوژی‌های جدید مورد اشاره نبود و استفاده از اینترنت هنوز در ایران همگانی نشده بود یا به‌طور گسترده در دسترس همگان نبود، به فکر ایجاد محیطی مدرن و تکنولوژی‌محور برای استفاده دانشجویان

۱ - کارشناسی دانشگاه زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

بوده است؛ به صورتی که در سال ۱۳۶۷ که اولین ساختمان دانشگاه (شهید بهشتی) ساخته و به بهره‌برداری رسید، به فکر توسعه و استفاده از وسایل کمک آموزشی و تکنولوژی پیشرفته برای بهبود فعالیت دانشجویان و یادگیری آنها در ساختمان طراحی نموده بودند؛ بدین نحو که یک مرکز کنترل برای کلیه کلاس‌ها وجود داشت که می‌توانست استاد در مرکز کنترل برای چندین کلاس به صورت همزمان تدریس و آموزش ارائه نمایند یا برای آنها صوت و فیلم پخش نمایند.

جهت انجام امور مذکور از برخی تجهیزات و تکنولوژی‌های آن روز در دانشگاه استفاده گردید که شامل:

استفاده از آپک (اپک):

پروژکتوری مات نمایی بود که می‌توانستید به کمک آن عکس‌های معمولی، تصاویر و نوشته‌های کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها را به صورت بزرگ شده بر روی پرده نشان دهید. اورهد:

پروژکتور اورهد یک وسیله ساده برای نمایش تصویر، متن و نمودار روی پرده یا دیوار بود که در دهه‌های گذشته، یکی از پرکاربردترین وسایل در کلاس‌های درس، کنفرانس‌های آموزشی و جلسات تجاری بود.

اسلاید:

دستگاه اسلاید که امروزه بیشتر با نام ویدئو پروژکتور مشهور است؛ یک دستگاه نوری-مکانیکی بوده و برای نمایش اسلایدهای عکاسی، پاورپوینت، پرزنت و... استفاده می‌شد. ویدئو پرژکتور:

ویدئو پروژکتور دستگاهی است که سیگنال ویدئویی را از منابعی مانند لپ‌تاپ، گوشی هوشمند و... دریافت می‌کند و تصویر آن را روی پرده نمایش، دیوار یا هر صفحه صاف دیگری پخش می‌کند. از کلاس‌های درس و جلسات کاری گرفته تا نمایش خانگی، ویدئو پروژکتورها تجربه متفاوتی را به شما ارائه می‌دهد که تلویزیون و مانیتورهای معمولی نمی‌توانند با آن رقابت کنند.

ایجاد لابراتوار تخصصی زبان

لابراتوار زبان یکی از تجهیزات کمک آموزشی موجود در دانشگاه قم در اوایل دهه شصت بود که با نظر و همت آیت‌الله قاضی به بهره‌برداری رسید که در آن زبان‌آموزان از تکنولوژی برای یادگیری یک زبان جدید استفاده می‌کردند. امروزه لابراتوارهای زبان پیشرفت بسیاری نسبت به دهه ۶۰ داشته‌اند. شنیدن صداهای مبهم گذشته جای خود را به استفاده از همدست شخصی برای

هر زبان آموز داده است. امروزه زبان آموزان می توانند از دیدن ویدئوهای معتبری که افراد در آن با لهجه بومی صحبت می کنند لذت ببرند. افرادی که در گذشته آموزش دیده اند بسیار خوشحال می شوند وقتی می بینند که این ویدئوها همراه با راهنمای نوشتاری ارائه می شود؛ به طوری که می توانند ترجمه، نحوه تلفظ صحیح و بسیاری اطلاعات دیگر را برای کلماتی که شنیده اند در نرم افزار پیدا کنند.

ایجاد و راه اندازی سالن تولید میکروفیش

حضرت آیت الله قاضی در دهه شصت اقدام به تجهیز دانشگاه به دستگاه میکروفیش نمودند که با کمک این دستگاه می توانستید اسناد مهم، کتاب های زیادی را به صورت فیلم و عکس در بیاورید و آن را روی یک میکروفیش کوچک به اندازه ده در ده ذخیره و نگهداری نمایید.

در سال ۱۳۷۶ که مدرسه عالی قضایی به دانشگاه قم ارتقاء یافت و ریاست جمهور وقت آیت الله رفسنجانی برای افتتاح دانشگاه آمده بودند، بیان نمودند که این دستگاه میکروفیش دومین دستگاه موجود در ایران می باشد که این نشان دهنده دوراندیشی و آینده نگری آیت الله قاضی در استفاده از تجهیزات مدرن و پیشرفته که برای تربیت و آموزش دانشجویان استفاده نموده است.

راه اندازی آزمایشگاه ها و تجهیز آنها

در بحث رشته های فنی که در دانشگاه تدریس می شد، لازمه کار، مجهز نمودن و تجهیز آزمایشگاه ها بود و آیت الله قاضی تا بعد از راه اندازی و تجهیز آزمایشگاه های مربوط به آن رشته، پذیرش دانشجو در آن رشته را قبول نمی کردند و آزمایشگاه ها در آن مقطع به نحوی مجهز و به روز بود که برخی از دانشگاه های استان، دروس عملی کارگاهی یا آزمایشگاهی خود را در دانشگاه قم برگزار می کردند و این ها همگی نشان از درایت معظم له بود.

نتیجه:

تولید علم در کارخانه تحقیق و توسعه به وجود می آید و تحقیق و توسعه زیربنای تکنولوژی است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت به کارگیری تکنولوژی در بهبود فعالیت های تحقیق و توسعه و در نهایت تولید علم اهمیت زیادی دارد. و با ظهور پدیده تکنولوژی آموزشی، یادگیری و آموزش از حالت فیزیکی که وابسته به زمان و مکان است، خارج شده است که نمی توان برای آن حد و مرزی قائل شد. در واقع فناوری به عنوان ابزاری قدرتمند در پاسخ به چالش های آموزشی مورد استفاده قرار گرفته و با فراهم کردن امکان دستیابی به پایگاه های اطلاعاتی در هر زمان و مکانی، افق های تازه ای را در دنیای آموزشی ایجاد کرده است.

فن آوری، امکانات تازه‌ای برای آموزش عالی و مدیریت آنها به وجود آورده است که مدیریت را به استفاده مؤثر از ابزارهای پیشرفته ترغیب می‌کند؛ به‌طوری که در آموزش عالی از فن آوری برای افزایش کارآمدی تدریس، آموزش و بهبود کیفیت استفاده می‌کنند و باور دارند که فن آوری می‌تواند فرصت‌های سودمندی برای دانشگاه فراهم کرده و نقش مهمی برای افزایش بهره‌وری و عملکرد ایفا کند. و همچنین این ارتباطات گسترده و پیچیده جهانی منجر به تسهیل و تسریع دسترسی متقاضیان و کاربران به اطلاعات وسیعی می‌گردد؛ به‌طوری که امروزه می‌توان ادعا نمود که میزان اطلاعات بشر هر چهار یا پنج سال دوچندان می‌شود.

دانش در خدمت جامعه؛ میراث ماندگار آیت الله قاضی

سید مجتبی طباطبائی^۱

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۹)

«الْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ مَنْ وَجَدَهُ صَالًا وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيِّلًا عَلَيْهِ» امیرالمومنین امام علی علیه السلام در تاریخ آموزش عالی کشور، کمتر شخصیت روحانی و با تحصیلات حوزوی را می توان یافت که با چنین ژرف نگری و دوراندیشی، بر ایجاد و راه اندازی یک نهاد دانشگاهی از یک سو و توسعه رشته های کاربردی در مقاطع ارشد و دکتری از سوی دیگر تأکید ورزیده باشد که مرحوم آیت الله قاضی، بنیان گذار فرهیخته دانشگاه قم بر آن توجه داشتند.

آن بزرگوار در روزگاری که اکثر دانشگاه ها عمدتاً بدون لحاظ نیاز جامعه، بر گسترش کمی رشته ها می افزودند، با بصیرتی آینده نگرانه و با نگاه ضرورت پیوند دانشگاه با زندگی مردم و نیازهای کشور، نسبت به راه اندازی و توسعه رشته های کاربردی تحصیلات تکمیلی دانشگاه قم اهتمام ورزید.

در همین راستا، با راهبری و آینده نگری ایشان، حرکت نظام مند دانشگاه قم در گسترش تحصیلات تکمیلی آغاز شد. در مدت زمانی که مسئولیت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عهده بنده بود، یعنی از ابتدای سال ۱۳۸۲ تنها ۱۱ رشته تحصیلات تکمیلی در دانشگاه قم دایر بود، اما تا سال ۱۳۹۰ این تعداد به ۶۷ رشته افزایش یافت که رشته هایی از جمله فیزیک هسته ای، حقوق مالکیت فکری، مهندسی فناوری اطلاعات، حسابداری و... در مقطع کارشناسی ارشد و رشته هایی همچون ریاضی کاربردی، مهندسی عمران، حقوق خصوصی، تفسیر تطبیقی و... در

۱- رئیس تحصیلات تکمیلی دانشگاه زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

مقطع دکتری با همان نگاه نیاز ایران اسلامی راه اندازی شد. این رشد چشمگیر صرفاً نه حاصل گسترش کمی، بلکه نتیجه درک عمیق ایشان از نیازهای علمی و اجرایی کشور و استان قم و توجه به رشته‌های کاربردی و مورد نیاز بود؛ رشته‌هایی که بتوانند نیروی انسانی متخصص، پژوهشگر و کارآمد را برای حل مسائل واقعی جامعه تربیت کنند. برای اخذ مجوز برخی از رشته‌ها که نیاز به انعقاد همکاری با اساتید مبرز آن رشته در دانشگاه‌های دیگر یا حوزه علمیه بود، ایشان شخصاً مذاکراتی را انجام می‌دادند و سپس به بنده می‌فرمودند که ادامه مسیر را پیگیری نمایم.

ایشان باور داشت که کارآمدی علم، شرط ماندگاری آن است؛ از این رو، تأسیس و گسترش رشته‌هایی که بتوانند در حل مسائل جامعه، در ارتقای فرهنگ کار و در تربیت نخبگانی متعهد و مسئله‌محور نقش آفرین باشند، محور اصلی اندیشه علمی ایشان بود.

از نظر فردی، این رویکرد نشان از روحی داشت که تعهد و تخصص را در کنار هم می‌دید. او می‌دانست که انسان آگاه مؤمن، زمانی به کمال می‌رسد که دانش خود را در خدمت به خلق و آبادانی کشور قرار دهد.

از نظر اجتماعی، اندیشه او مصداقی از «مسئولیت علمی» بود؛ یعنی مسئولیتی که استاد و دانشجو در برابر جامعه دارند تا دانسته‌های خود را به عمل، صنعت، فرهنگ و مدیریت تبدیل کنند.

در بُعد اخلاقی نیز، تأکید مرحوم آیت‌الله قاضی بر رشته‌های کاربردی، نشانه ایمان او به کرامت انسان بود. او دانشگاه را مکانی برای رشد انسان مؤمن دانا و کاردان می‌دانست؛ انسانی که علمش به کار آید، دلش با ایمان روشن باشد، و رفتار و بینشش بر مبنای خدمت و صداقت شکل گیرد. در نگاه مرحوم آیت‌الله قاضی، تحصیلات تکمیلی صرفاً مرتبه بالاتر از آموزش نبود، بلکه مرحله‌ای برای تبدیل دانش به راه حل محسوب می‌شد. او می‌خواست که دانشجویان تحصیلات تکمیلی، نه صرفاً دانش پژوهانی در خلأ، بلکه عاملان تحول در جامعه علمی، فرهنگی و اقتصادی کشور باشند.

ثمره این بینش، امروز در سیمای دانشگاه قم مشهود است؛ جایی که رشته‌های نوپدید و بین رشته‌ای، پژوهش‌های مسئله‌محور و همکاری‌های علمی با نهادهای اجرایی، یادآور آن روحیه کاربست‌گرا و آینده‌نگر است. بی‌تردید، میراث ماندگار او در دانشگاه قم، امروز نیز چراغ راه مدیران، استادان، کارگزاران و دانشجویان است.

مدیر شایسته و قاضی فرهیخته

محمد فولادی^۱

کسی کو نکوکار میرد همی ز مرگش تأسف خورد عالمی (اسدی توسی)

بزرگداشت مقام دانش و پاسداشت بزرگ مردی که آثار درخشان مدیریت او در دانشگاه قم ماندگار است، امری بایسته و شایسته است. آیت الله قاضی خرم آبادی از جمله شخصیت‌های تأثیرگذار بود که با پایه‌گذاری دانشگاه قم با هسته اولیه مدرسه عالی تربیتی، در گسترش دانش و دانشگاه در کشور و به‌ویژه در استان قم نقش بسزایی داشت. او با نگاه آینده‌نگر و نیازمحور توانست در آغاز انقلاب با راه‌اندازی رشته‌های مورد نیاز کشور، خدمات شایانی انجام دهد. نگاه توسعه‌گرا و آینده‌نگر ایشان باعث گسترش رشته‌ها و دانشکده‌های گوناگون و تبدیل مدرسه عالی به دانشگاهی با چندین دانشکده گردید. ایشان با نگاهی ادبی و فرهنگی، رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه راه‌اندازی کرد. در آغاز، بسیاری از دانشجویان این رشته بورسیه وزارت آموزش و پرورش بودند و نیاز کشور و شهر قم را از این جهت برآورده ساختند. گرچه خدمت‌رسانی این گروه علمی تنها در دروس اختصاصی رشته ادبیات نبود و نیازهای کل دانشگاه و دروس فارسی عمومی را نیز برای همه رشته‌ها در دانشگاه قم و حتی مراکز علمی-دانشگاهی و حوزوی تأمین می‌کرد. نگاه پیشرو او باعث شد که این رشته در مقاطع تحصیلات تکمیلی تا مقطع دکتری نیز راه‌اندازی گردد. این نگاه حتی در موضوعات پژوهشی و فرهنگی نیز وجود داشت و در زمان حیات ایشان نشستی با حضور شاعران معاصر مانند علی معلم و با محوریت نکوداشت

امام خمینی (ره) برگزار شد. گروه زبان و ادبیات فارسی با پشتیبانی ایشان از حضور بسیاری از بزرگان ادبیات به شیوه تدریس یا سخنرانی بهره گرفت؛ بزرگانی مانند دکتر شیخ الاسلامی، دکتر پورنامداریان، دکتر بیات، دکتر تجلیل، دکتر محمد دامادی، دکتر کورش صفوی، دکتر کزازی، استاد عبدالعلی دستغیب، دکتر مهدخت معین و دیگر بزرگان شعر و ادبیات کشور.

حمایت ایشان از انجمن‌های ادبی نیز ستودنی بود و گروه فارسی با همکاری انجمن‌های شعر و ادب دانشجویی و برگزاری جلسات شعرخوانی و نقد شعر، توانست ذوق شاعران جوان را کشف و تقویت کند و از همین کانون‌ها، شاعرانی معروف ظهور کردند. حضرت ایشان در موضوع مدیریتی نیز انسانی خستگی‌ناپذیر بود؛ بنده در آن دوره توفیق داشتم چند دوره مدیر گروه و دوره‌های نیز معاونت آموزش دانشکده ادبیات و علوم انسانی باشم. این نگاه توسعه‌گرا، آینده‌نگر و خستگی‌ناپذیر را در ایشان مشاهده کردم و در خستگی کار اجرایی، ایشان مشوق کار همگان بودند. یک بار به دنبال کناره‌گیری از کار اجرا و استعفا بودم، وقتی به ایشان مراجعه کردم، فرمودند: «پسر بنده از شما بزرگتر است، مگر من خسته شدم و کار را رها کردم که شما می‌خواهید استعفا کنید؟» همین یک جمله باعث انصراف بنده از استعفا شد. خدایشان بیامرزاد و با پاکان و نیکان محشور داراد.

تغافل

حسین قالبدار^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: یکی از زیباترین و شریف ترین اعمال برای انسان های کریم، تغافل (چشم پوشی کردن) نسبت به چیزهایی است که می داند.

تابستان سال ۱۳۸۷، دانشجویا دانشگاه را ترک کرده بودند و محیط دانشگاه بسیار خلوت بود؛ به لطف حضرت آیت الله قاضی هیچ تعدیل نیرویی اتفاق نیفتاده بود (سنوات قبل با تعطیل شدن دانشجویا به مدت ۳ ماه تعدادی از نیروهای نگهبانی تعدیل و مجدد از ابتدای مهر به محل کار باز می گشتند) و تمام نیروهای نگهبانی حفظ شده بودند و به همین جهت از تصمیم رئیس دانشگاه بسیار خوشحال و قدردان ایشان بودند.

یک روز عصر بین نیروهای نگهبانی قراری اشتباه گذاشته شد که در یک ساعتی در یک محل از دانشگاه جمع شده و با ترک پست های محوله کاری، با هم فوتبال بازی کنند؛ ضمناً با نگهبان درب ورودی هم هماهنگ شد که اگر مسئول یا مدیری وارد دانشگاه شد در اسرع وقت به نگهبان ها اطلاع بدهد تا سریع به پست های خود بازگردند.

هنگامی که مشغول بازی فوتبال بودیم ناگهان متوجه شدیم یک ماشین پیکان سفیدرنگ با دو سرنشین از کنار ما رد شد (حضرت آیت الله قاضی به همراه راننده خود آقای نجفی بودند که از کنار ما گذشتند البته شنیده بودیم که هزینه خودرو و راننده را حاج آقا شخصاً پرداخت می کند) و نگهبان درب اصلی فراموش کرده بود که ما را مطلع کند.

رئیس فقید دانشگاه قم، نگهبان ها را در هنگام ترک پست و فوتبال بازی کردن دیده بود و

علی القاعده می‌بایست بسیار ناراحت شده باشد. تمامی نیروها به مدت چند روز به شدت نگران و منتظر عواقب این کار اشتباه خود بودند و هرروز که به دانشگاه تردد داشتند منتظر بودند تا از جانب مسئولین حراست تنبیه گردند؛ اما این اتفاق هیچ‌گاه نیفتاد و مرحوم قاضی با بزرگواری تمام و رفتار خود به همه ما درس بزرگی داد که علاوه بر تصحیح اشتباه صورت گرفته؛ تا سال‌های سال و همین الان که متن را می‌نویسم به یاد این شرافت و بزرگواری ایشان باشم و حدیث زیبای آقا امیرالمؤمنین(ع) را به صورت عینی لمس کرده باشم؛ این رفتار شرافتمندانه ایشان باعث شد که نگهبان‌ها هیچ وقت اقدام اشتباهی انجام ندهند و سعی کنند برای حفاظت از امنیت دانشگاه با تمام توان فعالیت داشته باشند.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام: یکی از زیباترین و شریف‌ترین اعمال برای انسان‌های کریم، تغافل (چشم‌پوشی کردن) نسبت به چیزهایی است که می‌داند.

حضرت آیت الله قاضی و توسعه کتابخانه کوثر واحد خواهران

سهیلا کاظم نژاد^۱

سال ۱۳۷۵، هنگامی که نخستین بار قدم به کتابخانه دانشگاه قم گذاشتم، فضا و ساختار کتابخانه به صورت سنتی اداره می شد. مجموعه ای صمیمی اما کوچک، با سه یا چهار نیروی فعال که کلیه امور امانت و بازگشت کتاب ها به صورت دستی انجام می گرفت. در همان روزهای آغازین خدمت، شاهد بودم که سرکار خانم صبوری (رئیس وقت کتابخانه) به همراه سرکار خانم حسینی (سرپرست واحد خواهران)، با درایت و احساس مسئولیت، خدمت ریاست وقت دانشگاه، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا قاضی (ره) رسیدند و پیشنهاد دادند فردی متخصص و آشنا با دانش کتابداری برای سامان دهی امور و آموزش نیروها به همکاری دعوت شود.

مرحوم حاج آقا قاضی که همواره اهمیت ویژه ای برای علم، نظم و مدیریت علمی قائل بودند، با این پیشنهاد صمیمانه موافقت کردند و حتی برای ارتقای سطح علمی کارکنان کتابخانه، تعدادی از نیروها را با هزینه دانشگاه به دوره های آموزشی ضمن خدمت اعزام نمودند.

به همت و حمایت ایشان، سرکار خانم فرخ پور - از متخصصان برجسته کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد - از تهران دعوت شدند تا فرایند فهرست نویسی و سازماندهی کتاب ها را با همکاری کارکنان آغاز کنند. در همان دوران، نرم افزار سیمرغ خریداری شد و نظام فهرست نویسی بر اساس رده بندی کنگره اجرا گردید. از آن پس، کتابخانه مسیر تازه ای از پیشرفت را در پیش گرفت و تعداد منابع علمی و کتاب ها هر سال افزایش یافت.

در سال ۱۳۷۷، به همت خانم صبوری و همکاری آقای دکتر محمدی (رئیس وقت کتابخانه

۱ - کتابدار بخش مرجع کتابخانه کوثر زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

مرکزی)، کتابخانه واحد خواهران با نام کتابخانه کوثر شکل گرفت. در آن سال‌ها مراجعه دانشجویان به کتاب‌ها از طریق برگه‌دان‌ها انجام می‌گرفت؛ اما با پیگیری‌های بی‌وقفه مرحوم حاج آقا قاضی، سیستم‌های رایانه‌ای و میز امانت مکانیزه نیز به مجموعه افزوده شد. آن مرحوم در جهت توسعه کتابخانه از هیچ کوششی دریغ نکردند. با آنکه ساخت بنای معصومیه را با دستان خود پایه‌گذاری کرده بودند و نسبت به حفظ بنا و نظم آن حساسیت خاصی داشتند، اما وقتی سخن از گسترش فضاها، علمی و فرهنگی به میان آمد، با سعه‌صدر و آینده‌نگری، اجازه تخریب بخشی از دیوارهای ساختمان جهت توسعه بخش مرجع و نشریات را صادر کردند. از ویژگی‌های برجسته ایشان، عشق به دانش و ادب دینی بود. خودشان کتاب‌های گران‌بهایی از آثار نفیس اسلامی همچون «مفتاح الکتب الأربعة» را شخصاً به کتابخانه اهدا نمودند. در سایه تدبیر و همت والای ایشان، مجموعه کتابخانه دانشگاه قم در طول سال‌های مدیریت‌شان از حدود دو هزار جلد کتاب امروز به بیش از هشتاد هزار جلد گسترش یافته است. بی‌تردید این پیشرفت چشمگیر، یادگاری ماندگار از دوران مدیریت فاضلانه و دلسوزی بی‌بدیل مرحوم حاج آقا قاضی (ره) است. روح بلندش شاد و راه روشن‌گرش چراغ راه آیندگان باد.

سازماندهی کتابخانه مرکزی دانشگاه قم با اصول علمی

مهدی محمدی^۱

مقدمه:

در سال ۱۳۷۵، قرارداد ساعتی با کتابخانه مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم منعقد کردم که کتابخانه مرکز را با سیستم رده‌بندی کنگره آمریکا سازماندهی کنم. مسئولیت مرکز بر عهده آقای دکتر ذبیحی و مسئولیت کتابخانه بر عهده جناب آقای موسوی بود. علاوه بر آقای موسوی، آقای صافی‌نیا نیز از نیروهای کتابخانه بود. مدت دو سالی بود که در آن کتابخانه مشغول بودم و کتابخانه تا حدودی سر و سامان گرفته بود.

ظاهراً در آن سال‌ها، دانشجویان دانشگاه قم در خصوص پاره‌ای از مسائل و مشکلات در تحصن بودند و در کلاس‌ها حاضر نمی‌شدند. تیمی از وزارت علوم با دانشجویان معترض نشست داشتند و از آنها خواسته بودند که مسائل و مشکلات را بازگو کنند تا نسبت به رفع آنها تلاش شود. یکی از مشکلاتی که دانشجویان مطرح کرده بودند، وضعیت کتابخانه برادران بود. مرحوم آقای چاوشی مسئولیت کتابخانه را بر عهده داشتند و آقایان محمود ضیایی، موسی امیری و اسماعیل بادینلو نیروهای شاغل در کتابخانه بودند. آقای باقریان از برادران جانبازی بود که در شیف‌ت بعد

۱ - عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه قم و مسئول کتابخانه مرکزی زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

از ظهر انجام وظیفه می‌کرد. در کتابخانه آن زمان ۳۸۰۰۰ منبع اطلاعاتی و اسناد و مدارک موجود بود که بر اساس شماره ثبت در قفسه‌ها چیده شده بودند.

معرفی بنده به مرحوم آقای قاضی

با توجه به شناختی که آقای ذبیحی از کار من در کتابخانه مرکز تربیت مدرس داشتند، برای سازماندهی وضعیت کتابخانه مرکزی پیشنهاد شدم. آن زمان من در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در حال سپری کردن خدمت سربازی بودم. در آنجا گروه‌های پژوهشی مختلفی از جمله علوم تربیتی، حقوق، اقتصاد، مدیریت و... فعالیت داشتند و با آقایان دکتر دیرباز، دکتر فراهانی (که در گروه اقتصاد فعالیت داشتند) و آقایان دکتر علی‌نقی فقیهی و دکتر محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی (که در گروه علوم تربیتی فعالیت داشتند) آشنایی داشتم. با آقای دکتر فقیهی جهت معارفه خدمت حضرت آیت‌الله قاضی شریفیاب شدیم. منزل ایشان دارای زیرزمین بسیار بزرگی بود که کتابخانه آقای قاضی و دارای منابع بیشماری بود. اتفاقاً در آن روز گروهی نیز از خرم‌آباد برای دیدار با حضرت آیت‌الله تشریف آورده بودند. من و آقای فقیهی بعد از اتمام دیدار، خدمت مرحوم قاضی رسیدیم. آقای دکتر فقیهی بنده را به ایشان معرفی کردند و گفتند: «آقای محمدی که قرار است در کتابخانه مشغول بشوند.» آقای قاضی از بنده پرسیدند که: «آقای محمدی بچه کجا هستید؟» عرض کردم که: «من ترک هستم.» ایشان با لبخند خاص خودشان پرسیدند که: «آیا یک ترک بایک لر می‌تواند کار کند؟!» عرض کردم: «حاج آقا، من تجربه ندارم، اما می‌گویند سخت هست!!!»

چند روز بعد از دیدار با آقای قاضی، به دیدار معاون محترم پژوهشی جناب آقای دکتر امیدی‌فر رسیدم. در دفتر جناب آقای دکتر امیدی‌فر (معاونت پژوهشی وقت)، دو نفر به نام‌های آقایان شریعتی و ربانی مشغول بودند. بعد از جلسه با آقای دکتر امیدی‌فر، قرار شد من بازدید از کتابخانه داشته باشم که آقای شریعتی بنده را در دیدار با کتابخانه مشایعت می‌کردند.

ورود من به کتابخانه دانشگاه

کتابخانه در ساختمان دانشکده علوم فعلی مستقر شده بود. دارای سه اتاق و یک ورودی بود. میز امانت در کنار در ورودی جای داده شده بود و کتابچه‌هایی برای انتخاب کتاب روی میزها گذاشته شده بود. یک سالن بسیار بزرگی داشتند که از آنجا به عنوان سالن مطالعه استفاده می‌کردند. مجموعه دارای دو اتاق بود که یکی از آنها دارای «منابع امانتی» و دیگری «منابع غیر امانتی» بود. نحوه تقسیم‌بندی منابع به عنوان کتاب‌های امانتی و غیر امانتی بر اساس نسخه‌های موجود از آن اثر در کتابخانه بوده است. چنانچه از اثری چندین نسخه در کتابخانه موجود بود، یک نسخه از آن در مجموعه غیر امانتی و نسخه‌های دیگر در مجموعه امانتی جای می‌گرفت. چنانچه از کتابی فقط یک نسخه موجود بود، در مجموعه غیر امانتی قرار داده می‌شد و امانت داده نمی‌شد.

در آن زمان چون در کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم مسئول فهرست‌نویسی و رده‌بندی بودم، سه نفر از دانشجویان به نام‌های آقای نبی ترکاشوند، امید اردلانی (دانشجویان رشته حقوق) و مرادی (دانشجوی علوم سیاسی) به عنوان کار دانشجویی با بنده همکاری داشتند. آقای ترکاشوند را به جهت تسلط و آشنایی‌اش با خودم به مجموعه آوردم و اولین کاری که انجام دادیم، نشریه‌هایی را که در بین کتاب‌ها قرار گرفته بودند جدا کردیم و بخش نشریات دانشگاه را راه‌اندازی کردیم. در مرحله دوم، کلیه پایان‌نامه‌ها را از مجموعه جدا کرده و بخش پایان‌نامه‌ها را راه‌اندازی کردیم. در مرحله سوم، کتاب‌های مرجع را بیرون کشیدیم و بخش مرجع کتابخانه شکل گرفت. هر سه این بخش‌ها در آن سالن بزرگی که به عنوان سالن مطالعه در نظر گرفته شده بود جای گرفتند و مراجعان علاوه بر این منابع سه گانه، می‌توانستند به مطالعه منابع خود یا منابع امانت گرفته شده از کتابخانه بپردازند.

در ابتدا، نحوه همکاری من با کتابخانه ساعتی و چند ساعت در هفته بود. اما از آنجایی که مجموعه هنوز فهرست‌نویسی نشده بود و بر اساس شماره ثبت بود و این سه دسته از منابع از مجموعه جدا شده بود، نارسایی‌هایی را به همراه داشت که فقط بنده و همکارم جناب آقای ترکاشوند اطلاع داشتیم و نیروهای کتابخانه چندان آشنایی نداشتند. بر این اساس از من خواسته

شد حضور بیشتری داشته باشم و قرارداد تمام وقت بسته شد و من نیروی تمام وقت دانشگاه شدم. در تاریخ ۱۳۷۸/۰۳/۲۵ از سوی آقای دکتر امیدی فر حکم مسئولیت کتابخانه برایم صادر شد و من رسماً مسئولیت کتابخانه را بر عهده گرفتم.

آغاز عملیات فهرست نویسی

اولین برنامه پیش رو، خرید نرم افزار و آغاز عملیات فهرست نویسی بود. برای این کار نرم افزار سیمرغ در نظر گرفته شد. اما از آنجایی که نسخه شبکه ای این نرم افزار مد نظر بود، برای راه اندازی آن احتیاج به چندین دستگاه کامپیوتر بود که یک دستگاه برای سرور اختصاص داده می شد. در کتابخانه دو دستگاه کامپکت قدیمی موجود بود که ویژگی های لازم برای اختصاص دادن به عنوان سرور را نداشتند. برای منابع کتابخانه نیز نرم افزاری با استفاده از فاکس پرو نوشته شده بود. پس از خرید چندین دستگاه کامپیوتر و انتقال اطلاعات منابع از فاکس پرو به سیمرغ، دو مشکل عمده کتابخانه بود. در طول این مدت، اینقدر پیش مرحوم قاضی برای خرید کامپیوتر رفته بودم، آن مرحوم هر کجا بنده را می دیدند به مزاح می فرمودند: «کامپیوتر نمی خواهید؟!!!!»

در یکی از روزها، جناب آقای عزیزالله فهیمی (معاونت اداری و مالی دانشگاه) از بنده خواستند برای دیداری همراه ایشان باشم. بنده بی خبر از همه جا با ایشان به راه افتادم که سر از دفتر مرحوم قاضی در سرپرستی در آوردم. مرحوم طبق عادت وقتی بنده را دیدند گفتند: «کامپیوتر نمی خواهید؟» آقای فهیمی فرمودند: «اتفاقاً آمده که کامپیوتر بگیرند.» آقای قاضی فرمودند: «من کامپیوترم کجا بود؟» آقای فهیمی فرمودند: «من یک کامپیوتر دارم، اگر شما اجازه دهید آن را به کتابخانه می دهم.» مرحوم پرسیدند: «شما از کجا آوردید؟» آقای فهیمی فرمودند: «کامپیوتر ندارم، اما دیروز تالار شیخ مفید را برای مراسمی به وزارت ارشاد اجاره دادم، اگر شما اجازه بدهید من آن [پول] را به کتابخانه بدهم.» آقای قاضی فرمودند: «آیا با آن پول می توان کامپیوتر خرید؟» من ذوق زده عرض کردم: «بله!». ایشان فرمودند: «اشکالی ندارد، بروید کامپیوتر بخرید.» بدین ترتیب با موافقت آقای قاضی اولین مشکل کتابخانه حل شد. حال باید با دومین مشکل دست و پنجه نرم می کردیم و آن هم انتقال اطلاعات ۳۸ هزار کتاب موجود در نرم افزار فاکس پرو بود که بایستی به سیستم نرم افزاری نوسا انتقال داده می شد. البته حل این مشکل راحت تر از مشکل اول

نبود.

شرکت نوسا آن موقع برای انتقال اطلاعات کتاب‌ها از فاکس پرو به سیم‌رغ، مبلغ یک میلیون و دویست هزار تومان درخواست کردند. اما فراهم کردن این پول در آن زمان...

تصمیم گرفته شد که مسیر دیگری را طی کنیم و باخبر شدیم که برادرزاده همکارمان جناب آقای قنبری (که در کارپردازی مشغول بودند) دانشجوی کامپیوتر است، از ایشان بخواهیم بعد از مطالعه خروجی هر دو سیستم، دستوری بنویسند که انتقال صورت گیرد که هزینه ۴۰۰ هزار تومانی خواسته شد و این هم مقدور نبود. شب و روز ذهنم درگیر پیدا کردن راهی جهت انتقال این اطلاعات به سیستم سیم‌رغ بود.

هنگامی که در کتابخانه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) کار می‌کردم، برادران دهشیری مسئولیت فناوری اطلاعات آنجا را بر عهده داشتند. یکی از این برادران بر نرم‌افزار سیم‌رغ بسیار مسلط بود و می‌توانست پایگاه‌های مختلفی را طراحی بکند. همان زمان ایشان مسئولیت کتابخانه جامعه الزهرا را نیز بر عهده گرفتند. در بخش فهرست‌نویسی با مشکلی مواجه بودند که با بنده تماس گرفت و کمک خواست و عرض کردم تشریف بیاورید به دانشگاه با هم صحبت می‌کنیم. وقتی ایشان تشریف آوردند برای بحث درباره مشکل، من از ایشان خواستم که اطلاعات کتاب‌های دانشگاه را از فاکس پرو انتقال دهند به سیم‌رغ و ایشان با یک دستور به راحتی کل این ۳۸۰۰۰ کتاب را به نرم‌افزار سیم‌رغ انتقال دادند. و این گونه معجزه آسا کل اطلاعات به سیم‌رغ بدون هیچ گونه هزینه‌ای انتقال یافت و آن روز خوشحال‌ترین روزی بود که برایم در کتابخانه رقم خورد. تنها مشکلی که پیش رو بود این بود که در هنگام انتقال کلیه حروف در کامپیوتر به هم چسبیده بود.

از فردای آن روز، فعالیت اصلاح اطلاعات آغاز شد. آقایان موسی امیری، محسن حسن‌نژاد، حسین آقایی و بقیه دوستان، افرادی بودند که کلیه کتاب‌ها را تک‌تک می‌آوردند و اصلاح می‌کردند و مجدداً در سر جای خود قرار می‌دادند. این فرآیند یک کار بسیار عظیم و زمان‌بری بود که وقتی این اطلاعات در سیستم اصلاح شد، دفتر ثبت کتابخانه به شکل الکترونیکی آماده شده بود و کتاب‌ها از طریق عنوان، نویسنده، مترجم و ناشر قابل بازیابی بود، اما برای جستجوی

موضوعی بایستی با سیستم کنگره فهرست‌نویسی می‌شدند. به این ترتیب سیستم در میز امانت و در دسترس مراجعان قرار گرفت و بازایی ماشینی امکان‌پذیر گردید.

فهرست‌نویسی کتاب‌ها آغاز شد:

برای فهرست‌نویسی احتیاج به نیروهای متخصص بود که در مجموعه وجود نداشت. همان‌طور که اشاره شد، آقایان امیری و ضیایی نیروهای دیپلمه کتابخانه بودند، آقای حسن‌نژاد که سربازی را سپری می‌کردند کارشناسی علوم سیاسی و آقای آقایی نیز مهندسی شیمی خوانده بودند. برای آغاز فهرست‌نویسی، همیشه ساعت ۱۲ تا ۲ آموزش فهرست‌نویسی داشتم و این نیروها با آموزش‌های ضمن خدمت توانستند این مهم را انجام دهند. بعدها آقای احمدلو و دادگر متقی که کارشناس کتابداری بودند به مجموعه اضافه شدند. عملیات فهرست‌نویسی سرعت بیشتری به خود گرفت. در سال ۱۳۷۸ دکتر علیرضا هویدا (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران) وقتی مسئولیت راه‌اندازی گروه کتابداری را بر عهده داشتند، به مرحوم آقای قاضی درخواست راه‌اندازی کارگاه کتابداری را داده بودند. آقای قاضی به ایشان فرموده بودند که از کتابخانه‌های دانشگاه بازدید بکند و چنانچه کتابخانه‌ها کاربری آزمایشگاه را داشته باشند از آنها استفاده شود. جناب آقای دکتر هویدا برای بازدید به کتابخانه تشریف آوردند و وقتی کارها را دیدند و تخصص نیروها را شنیدند، متعجب بودند که من چگونه با این نیروهای غیر متخصص توانستم این پروژه عظیم را انجام دهم. حجم کتاب‌ها بیشتر بود و توان و ظرفیت نیروها محدود، باعث شده بود که سرعت پیشرفت کار کند باشد.

در این زمان تغییری در ساختار دانشگاه به وجود آمد و از طرف وزارت علوم اعلام شد که دانشگاه قم دانشگاه درجه ۳ هست و نیازی نیست که معاون‌های ۴ گانه داشته باشد، بلکه یک معاون برای آموزش و پژوهش و یک معاون برای دانشجویی و فرهنگی داشته باشد. در همین راستا، آقای دکتر جوادی از معاونت پژوهش دانشگاه کناره گرفتند و آقای دیلمی مدیریت پژوهش باقی ماندند. در زمان آقای دیلمی با پیگیری ایشان، قراردادی با آقای محفوظی به عنوان بخش خصوصی بسته شد تا آنها بتوانند سرعت بیشتری به فهرست‌نویسی ببخشند. در سال ۱۳۸۲ با توجه به این که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم بودم و طبق قانون استخدام در دو جا

ممنوع بود، با دانشگاه قم تسویه حساب کردم و اتمام فهرست‌نویسی در دوره مدیریت همکارم جناب آقای جعفر عبادالله عموقین اتفاق افتاد. بدین ترتیب یکی از کتابخانه‌های مطرح در دل استان ایجاد شد که امروزه مورد استفاده بسیاری از پژوهشگران چه از داخل دانشگاه و چه از بیرون دانشگاه می‌باشد.

یادگار ماندگار

محمد حسن نادری^۱

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آن است که نامش به نکوئی نبرند

در مهرماه ۱۳۷۹ که مسئولیت مدیریت کل امور دانشجویی دانشگاه قم به عهده من گذاشته شد، تنها سه سال از ارتقای "مدرسه عالی تربیتی و قضایی" به "دانشگاه قم" می‌گذشت و کمتر از یک سال بود که اساسنامه دانشگاه در شورای گسترش آموزش عالی کشور تصویب شده بود. در آن زمان، آموزش عالی دولتی در قم به طور عمده در حوزه علوم انسانی سابقه داشت. حتی دانشکدگان فارابی که از اواخر دهه ۴۰ با نام "مدرسه عالی امور قضائی و اداری" فعالیت می‌کرد و چندین سال سابقه داشت، با وجود وابستگی به دانشگاه تهران از نیمه دهه ۵۰، تنها رشته‌های محدودی در علوم انسانی ارائه می‌داد.

تأسیس دانشگاه قم که با ارتقای یک نهاد آموزش عالی مولود انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، با چالش‌هایی همراه بود. در سطح کلان، تلاش‌هایی وجود داشت تا فعالیت دانشگاه به علوم انسانی محدود بماند. در این فضا، برخی هیجانات آموزش عالی در پایان دهه ۷۰، در دانشگاه تازه تأسیس قم به شکل اعتراضات دانشجویی تندی بروز کرده و با همراهی برخی اعضای هیئت علمی، مدیریت دانشگاه را با چالش مواجه کرده بود. لذا نگرش محدودسازی دانشگاه به علوم انسانی چنان قوت گرفت که پذیرش دانشجو در برخی رشته‌ها برای یک سال متوقف شد. اما نقش آیت‌الله قاضی در این میان تعیین‌کننده بود. اگر اعتقاد راسخ، پیگیری و شخصیت اجتماعی ایشان نبود، بی‌شک سرنوشت دیگری برای دانشگاه قم و به تبع آن، برای آموزش عالی استان رقم

۱ - عضو هیئت علمی گروه ریاضی دانشگاه قم و مدیر کل امور دانشجویی زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

می خورد. به واقع جایگاه فعلی آموزش عالی استان قم مدیون ایشان است. به یاد دارم در یکی از جلسات که خدمت ایشان بودم، یکی از اعضای هیئت علمی از تلاش هایی که برای محدود کردن رشته های دانشگاه صورت می گرفت، اظهار نگرانی زیادی کرد. اما ایشان با آرامش و طمانیه همیشگی گفتند: "اطلاع دارم، کاری نمی توانند بکنند".

وضعیت امور رفاهی و خدمات دانشجویی دانشگاه در سال های پایانی دهه ۷۰ در یک دوره گذار قرار داشت. در سال ۱۳۷۹، اگرچه غذاخوری ها و خوابگاه های دانشجویی فعال بودند، اما ارتباط دانشگاه قم با حدود ۲۰۰۰ دانشجو، با صندوق رفاه دانشجویان کشور برقرار نشده بود. در عوض، در هر نیم سال به دانشجویان شهریه بلاعوض پرداخت می شد. با پیشنهاد معاون دانشجویی و فرهنگی وقت، این ارتباط ایجاد شد و اداره رفاه دانشجویان شکل گرفت. حمایت های مرحوم آیت الله قاضی در تأمین فضای اداری، نیروی انسانی و امکانات لازم، همراه با تلاش کارکنان، باعث شد این اداره در سومین سال فعالیتش به عنوان برترین اداره رفاه دانشجویی کشور معرفی و تقدیر شود.

در سال های نخست فعالیت دانشگاه قم، آیین نامه های تأسیس نهادهای دانشجویی یکی پس از دیگری از سوی وزارت علوم به دانشگاه های کشور ابلاغ می شد: کانون های فرهنگی-هنری (۷۷)، شوراهای صنفی (۷۷)، انجمن های علمی دانشجویی (۷۸) و انجمن های ورزشی (۷۹). اگرچه این ابلاغ ها، دستوری وزارتی بودند، اما نظر رئیس هر دانشگاه، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری این نهادها داشت. نگاه مرحوم آیت الله قاضی به همه این نهادها مثبت و در نقش مشوق بود. حتی پیش از ابلاغ این آیین نامه ها، سنتی در دانشگاه قم جاری بود؛ دانشجویان هر رشته، نماینده ای از میان خود برمی گزیدند تا پیگیر مسائل مختلف دانشجویی آن ها باشد. همچنین، کانون قرآن و عترت، فراتر از یک کانون دانشجویی، به مثابه واحدی اداری و با سابقه، مورد توجه ویژه مرحوم آیت الله قاضی قرار داشت. پس از ابلاغ آیین نامه ها و پیش از مهر ۱۳۷۹، برخی کانون های فرهنگی مانند "پیام زیتون" و ۲ انجمن های علمی رشته های "ریاضی" و "فیزیک" تشکیل شده بودند. انتخابات شورای صنفی نیز در اردیبهشت ۱۳۷۹ برگزار شده بود که به طور طبیعی این شورا از مهرماه همان سال کار خود را آغاز کرد.

در دانشگاه قم، بر خلاف روال معمول، مسئولیت انجمن های علمی دانشجویی و حتی برخی کانون های فرهنگی مانند هلال احمر به اداره کل امور دانشجویی سپرده شد. با توجه به تازه تأسیس بودن گروه های آموزشی و تعداد محدود دانشجویان، رونق فعالیت انجمن های علمی کار دشواری

بود. برای شروع کار، هدف‌هایی مشخص تعیین کردیم: تأسیس انجمن علمی برای هر رشته، برگزاری حداقل یک همایش علمی، یک اردوی علمی و انتشار یک شماره مجله علمی در هر نیم‌سال برای هر انجمن. حمایت‌های آیت‌الله قاضی از توسعه انجمن‌های علمی چشمگیر و گاهی فراتر از انتظار بود. نتیجه این شد که تعداد انجمن‌های علمی در سال اول از ۲ به ۱۴ و در سال دوم به ۱۹ انجمن رسید و بیش از ۴۰ درصد دانشجویان دانشگاه برای همکاری با انجمن‌های علمی ثبت‌نام کرده بودند.

شکل‌گیری شوراهای صنفی دانشجویان در دانشگاه‌ها، یک تجربه‌ی تازه برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های دانشگاهی بود. حضوری که این شوراهای در جمع مدیران دانشگاه پیدا کرده بودند، به دانشجویان قدرت تازه‌ای می‌داد و این، هیجان زیادی به فضای دانشگاه می‌آورد. از طرفی، نبود تجربه‌ی عملی کافی در این زمینه، چالش‌هایی برای مدیران دانشگاه‌ها به وجود آورده بود، حتی تشکیل شورای صنفی در برخی دانشگاه‌ها تا سال‌ها بعد به تعویق افتاد. در این شرایط، نحوه برخورد مدیران برای آرام کردن فضا تعیین‌کننده بود. آرامش و طمأنینه‌ای که آیت‌الله قاضی در برخورد با این چالش‌ها داشتند، به دانشگاه کمک کرد این دوره را به خوبی پشت سر بگذارد. مرحوم آیت‌الله قاضی از آن شخصیت‌هایی بود که در یک قالب نمی‌گنجید. ایشان در زمینه‌های مختلف توانمند و تأثیرگذار بود. از نگاه من، فردی با تفکر عمیق، وسعت نظر، توانایی تحلیل سریع، و تصمیم‌گیری به موقع بود. در مواجهه با چالش‌ها آرام و متین بود و از به کارگیری روش‌ها و ابزارهای نوین استقبال می‌کرد. ان شاءالله روح ایشان در اعلیٰ علین با اولیای الهی محشور باشد.

آیت الله قاضی خرم آبادی؛ مدیری مؤثر، معلمی الهام بخش

علی احمد ناصح^۱

آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی از چهره‌های مؤثر حوزوی و دانشگاهی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بود که نقش‌های متعددی در عرصه‌های علمی، آموزشی و قضایی ایفا کرد.

اینجانب به دلیل اینکه از نظر جغرافیایی در استان و در شهری که با لرستان همجوار است (نهادند) به دنیا آمده و در دوران قبل از طلبگی را در آنجا سپری کرده و نیز به دلیل وجود اقوام و خویشان فراوان در لرستان و رفت و آمد به آنجا تقریباً از دهه پنجاه به بعد با نام و آوازه و خدمات و کارهای اجتماعی و فرهنگی مرحوم آیت‌ا... قاضی آشنا بودم. ولی ارتباط نزدیک و آشنایی بیشتر با اخلاقیات و خلق و خوی و منش و شخصیت این بزرگوار به زمان ورود ایشان به قم و همکاری با شوارای مدیریت حوزه و به خصوص به زمان تأسیس مدرسه عالی تربیتی - قضایی قم برمی گردد. ارتباط از نزدیک با ایشان از زمانی نصیب ما شد که همراه جمعی از دوستان فاضل حوزه که اکنون بحمد... هر کدام از استوانه‌های علمی و شخصیت‌های تأثیر گذار در دانشگاه‌های کشور هستند در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدیم و این ارتباط تا آخرین روزهای حیات ایشان ادامه داشت. گفتنی است که وجود مشکلات ساختاری در نهال نوپای

۱- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

تربیت مدرس و عدم وجود جایگاه قانونی مشخص و بلا تکلیفی دانشجویان و طلاب این مرکز که ادامه کار آنان را با تردیدهای جدی روبرو ساخته بود، از زمانی برطرف شد که سکان آن با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۸ به شخص آیت... قاضی، به عنوان رئیس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم سپرده شد و بدون اغراق آشنایی جدی و ارادت روز افزون بنده و دیگر دوستان دوره اول تربیت مدرس به ایشان اتفاقی میمون و مبارک در مسیر زندگی ما بود که باید از آن به عنوان یک نقطه عطف در زندگی خویش یاد کنیم.

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی پیش و پس از انقلاب

ایشان از فعالان مبارزه با رژیم پهلوی و از حامیان نهضت امام خمینی بود؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نماینده‌ی امام در برخی حوزه‌ها و همچنین در سمت‌های مدیریتی استانی و کشوری ایفای نقش کرد. یکی از مأموریت‌های او، نمایندگی امام خمینی در استان لرستان بود؛ این سابقه‌ی سیاسی-اجتماعی او را در رابط‌سازی میان نهادهای محلی و مرکز انقلاب مؤثر ساخت. همچنین او در طرح‌ها و پروژه‌های عام‌المنفعه در خرم‌آباد و حوزه‌های مرتبط با توسعه شهری و فرهنگی مشارکت داشت.

نقش‌های مدیریتی و خدمات مؤسسه‌ها

یکی از بارزترین خدمات آیت‌الله قاضی، بنیانگذاری دانشگاه قم و ریاست آن از بدو شکل‌گیری تا سال ۱۳۸۸ بود. وی در تأسیس و سامان‌دهی این نهاد آموزشی نقش محوری داشت و تلاش کرد دانشگاه را به مرکزی برای تربیت نیروهای متخصص در حوزه‌های نظری و کاربردی مرتبط با علوم اسلامی تبدیل کند. علاوه بر ریاست دانشگاه قم، وی در ساختارهای قضایی و حوزه‌ای از جمله معاونت در شورای عالی قضایی، عضویت در هیئت عفو امام، ریاست هیئت‌مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه قم و معاونت شورای مدیریت حوزه علمیه قم نیز مناصبی برعهده داشت. این ترکیب مسئولیت‌ها نشان‌دهنده‌ی هم‌راستایی تفکر آموزشی و کارنامه‌ی اجرایی اوست.

شخصیت علمی و مرجعیت اخلاقی

ایشان به حق عالمی عامل، مخلص، دقیق، جدی و در عین حال سخت‌کوش و متعهد بود. دارای ویژگی‌ها و خصلت‌هایی بود که در مجموع از او مدیری موفق و کارآمد و معلمی اسوه و الگو ساخته بود. این ویژگی‌ها که رمز موفقیت آن مرحوم در کارهای محوله نیز محسوب می‌شود

عبارتند از: آینده نگری، نگاه جامع و همه جانبه و توجه به ابعاد گوناگون مسائل و موضوعات و پرهیز از یکسو نگری و سطحی نگری، امیدواری و پرهیز از یأس و ناامیدی، نستوهی و پرکاری خستگی ناپذیر، حریت و شهامت در اظهار نظر همراه با رعایت جانب احتیاط، همت والا، روحیه ی مهرورزی و شفقت نسبت به هموعان، تواضع و فروتنی و احترام به دیگران و رعایت حرمت همگان، سعه صدر و داشتن آستانه تحمل بالا، انضباط کاری و داشتن برنامه، پرهیز از خود نمایی و خود محوری و از همه مهم تر داشتن روحیه انتقادپذیری و پرهیز از سماجت و اصرار بیهوده و در عین حال دارا بودن استقلال رأی و قدرت بر تصمیم گیری فوق العاده به هنگام لزوم.

ایشان در مواجهه با ارباب رجوع در برخورد اول، نه یک رئیس با مشخصات معمول، بلکه در جایگاه پاسخگو و مسئول جلوه می کرد. آن بزرگوار در ارتباط با امور ارباب رجوع نه فقط به دنبال حل مشکل اداری بلکه چون حکیمی دلسوز در صدد آموزش درس زندگی به آنان بود.

هرکس که برای اولین بار به ملاقاتشان نائل می شد، سادگی ظاهری خودشان و بی پیرایگی اتاقشان آنها را مبهوت و مجذوب او می ساخت. صندلی و میز ساده مدیر این تصویر را که ایشان ریاست این دانشگاه جامع استان را به عهده داشته باشد، هرگز تداعی نمی کرد. و اتفاقاً با همین سادگی و بی آلایشی چنان در نظر افراد جذبه ایجاد می کرد که آنان را تحت تأثیر قرار داده و در زمره اراتمنداناش می نشاند.

اوقاتی را در صبح به جهت رسیدگی به امور مهم دانشگاه اختصاص می دادند و در این مدت کسی را به حضور نمی پذیرفتند. ولی هنگامی که درب اتاق را می گشودند، بدون هیچ حاجب و مانعی هر کسی با هر مرتبه و هر خواسته ای امکان ملاقات با ایشان را داشت. این نحوه ملاقات اگر چه بصورت طبیعی مشکلات خاص خود را داشت و گاه موجب می شد به ناچار ساعتی را به انتظار بنشینند، اما این برکات را دارا بود که همگان خود را در رده آن بزرگانی می دیدند که آنها نیز چون دیگران جهت طرح صحبت به انتظار نشسته بودند و در هر حال اگر حتی مشکل افراد نیز حل نمی شد، احساس این که گوش شنوایی و درب گشوده ای برای طرح مشکلمان وجود داشت آنان را راضی برمی گرداند و از این حیث احساس خوبی که نتیجه پذیرش با روی گشاده از ناحیه بالاترین مقام دانشگاه بود به آنان دست می داد.

یکی دیگر از ویژگی های رفتاری ایشان با ارباب رجوع، اجتناب از پیشداوری و قضاوت قبل از

شنیدن عرض حال مراجعان بود. به این شکل که هیچ تقاضایی را ابتدا به ساکن و بدون میدان دادن به طرف مقابل رد نمی نمود. و برای پی بردن به ابعاد هر قضیه به کارمندان و زیر دستان خویش نه به صورت آمرانه بلکه آنگونه که گویی یک همکار با دوست و همکار دیگر به شور نشسته از آنان راه حل طلب کرده و پاسخ مناسب و کارشناسی شده را در پایان ارائه می داد.

آخرین نکته گفتنی در این باب اینکه ایشان با درایت خدادادی و کیاست مومنانه در برخورد اولین با ارباب رجوع و هم کلامی با هر کس سریع نسبت به او شناخت مناسبی حاصل نموده و بر آن اساس متناسب با شخصیت و سطح افراد با آنان به تعامل می پرداخت. به شکلی که افراد در مواجهه با نوع نگاه و تعامل ایشان با دیگران، جایگاه خویش را دریافته و نسبت به ادامه یا ترک جلسه تصمیم می گرفتند و هیچ گاه لازم نبود به صراحت به کسی پایان وقت ملاقاتشان را اعلام نمایند و این رعایت آداب و ادب، نهایت تکریم و بزرگ داشت مقام انسانی افراد است.

مجموع این ویژگی ها از ایشان شخصیتی کم نظیر ساخته بود که منشاء و سرچشمه خدمات خالصانه ای شد که امروز مایه مباهات ارادتمندان ایشان گشته و به مثابه شجره طیبه پر برگ و باری است که سالیان متمادی به عنوان صدقه جاریه و صالحات باقیات هم خود ایشان و هم دیگران هر کدام به شکلی از آثار و ثمرات آن بهره مند خواهند شد که «توتی اکلها کل حین باذن ربها» شخصیتی ذو ابعاد:

آیت الله قاضی خرم آبادی را می توان از منظر چند بعد تحلیل کرد:

بُعد تربیتی و آموزشی: بنیانگذاری و مدیریت دانشگاه قم و حمایت از نهادهای آموزشی نشان می دهد که او به توسعه ی ظرفیت علمی و تربیتی جامعه اعتقاد راسخ داشت.

بُعد سازمانی-اداری: حضور همزمان در نهادهای قضایی و مدیریتی حاکی از توانایی وی در پیوند دادن مبانی فقهی با الزامات مدیریتی و اجرایی بود.

بُعد اجتماعی-مردمی: فعالیت های توسعه ای در خرم آباد و تلاش برای بهبود شرایط زیست محلی، وجهی از دینداری عمل محور او را نمایان می سازد.

در مجموع، می توان گفت زندگی ایشان نمونه ای از رویکردی است که در آن حوزه علمیه، کارکرد آموزشی و مأموریت اجتماعی و مدیریتی را توأمان پی می گیرد؛ الگویی که در دهه های پس از انقلاب برای ساختن نهادهای دینی-آموزشی فراوانی یافته است.

در قم، دانشگاهی را بنیان گذاشت که امروز از معتبرترین مراکز آموزش عالی کشور است. در خرم‌آباد، پروژه‌هایی را دنبال کرد که به بهبود زندگی روزمره‌ی مردم منجر شد. و در سطح ملی، با عضویت در شورای عالی قضایی و دیگر نهادها، در شکل‌دهی به نظام نوپای جمهوری اسلامی نقش داشت. در یک جمله: او حلقه‌ی اتصال میان حوزه، دانشگاه و جامعه بود.

آرزو بر جوانان عیب نیست

مصطفی نظام آبادی^۱

در روزهایی که تازه به عنوان سرپرست روابط عمومی دانشگاه قم منصوب شده بودم، فضای ذهنی‌ام آمیخته‌ای از شور جوانی، دغدغه‌های اجرایی، و امید به تحول بود. آن زمان ۲۵ سال بیشتر نداشتم، مدرک تحصیلی‌ام هم مستقیماً مرتبط با حوزه روابط عمومی نبود، و تنها یک سال از ورودم به دانشگاه گذشته بود. با این حال، مرحوم حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی، رئیس وقت دانشگاه، با نگاهی فراتر از رزومه‌ها و مدارک، به بنده اعتماد کردند و مسئولیت روابط عمومی دانشگاه را به بنده سپردند.

با انگیزه‌ای بالا، چندین طرح و پیشنهاد برای ارتقای فعالیت‌های روابط عمومی در حوزه‌های رسانه‌ای و ارتباطی دانشگاه آماده کرده بودم. این پیشنهادها شامل راه‌اندازی کانال‌های ارتباطی جدید، طراحی هویت بصری تازه برای دانشگاه، و ایجاد سازوکارهایی برای تعامل بیشتر با دانشجویان و اساتید بود. هرچند می‌دانستم که برخی از این ایده‌ها در نگاه اول ممکن است بلندپروازانه به نظر برسند، اما باور داشتم که دانشگاه قم ظرفیت تحقق آن‌ها را دارد.

جلسه‌ای با آیت‌الله قاضی ترتیب داده شد تا این طرح‌ها را ارائه کنم. ایشان با وجود سن بالا و مشغله‌های فراوان، با دقت و آرامش خاصی به صحبت‌های من گوش دادند. نگاهشان، آرام اما نافذ بود. گویی همزمان هم می‌شنیدند، هم می‌سنجیدند، و هم تشویق می‌کردند.

۱- سرپرست اداره روابط عمومی زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

وقتی ارائه‌ام تمام شد، ایشان بدون هیچ تعارفی، همان‌جا شروع به مطالعه‌ی دقیق پیشنهادات کردند. چند دقیقه‌ای در سکوت گذشت. من منتظر بودم، با قلبی که تند می‌تپید. بالاخره سرشان را بلند کردند، لبخندی پدرا نه زدند و گفتند:

«آرزو بر جوانان عیب نیست. برو و با تمام قدرت شروع کن. روی کمک من حساب کن.» این جمله، برای من نه فقط یک مجوز اجرایی بود، بلکه یک پشتوانه‌ی روحی عمیق. در آن لحظه، احساس کردم کسی هست که نه تنها می‌شنود، بلکه باور دارد. کسی که با وجود تجربه و جایگاه بسیار بالا، از جوانی و نوآوری نه تنها نمی‌ترسد، بلکه آن را فرصتی برای رشد دانشگاه می‌داند. بعد از آن جلسه، مسیر کاری من در دانشگاه متحول شد. با اعتماد ایشان و الطاف الهی، توانستم تیمی جوان و پرانرژی تشکیل دهیم، پروژه‌های ارتباطی را با جسارت بیشتری پیش ببریم، و در بسیاری از موارد، فضای تعامل دانشگاه با مخاطبان‌ش را دگرگون کنیم. هرگاه با مانعی مواجه می‌شدیم، یاد جمله‌ی ایشان می‌افتادیم و دوباره انگیزه می‌گرفتیم.

سال‌ها بعد، پس از ارتحال ایشان، متوجه شدم که برخی از همکاران در آن دوران، نکاتی منفی و خلاف واقع را درباره‌ی من به ایشان منتقل کرده بودند. اما آنچه برایم شکفت‌انگیز و آموزنده بود، این بود که ایشان هیچ‌گاه تحت تأثیر این سخنان قرار نگرفتند. نه تنها اعتمادشان را از من دریغ نکردند، بلکه همواره قوت قلبی بودند برایم. این رفتار، برای من درس بزرگی بود در تشخیص، در انصاف، و در حمایت از حقیقت.

به لطف خدا و تلاش شبانه‌روزی همکارانم در روابط عمومی دانشگاه قم، همان سال موفق شدیم عنوان روابط عمومی برتر استان قم را کسب کنیم. این افتخار، نه تنها نتیجه‌ی یک کار گروهی بود، بلکه حاصل پشتیبانی‌های پدرا نه و حکیمانه آیت‌الله قاضی بود.

اعتماد به جوانان و حمایت از نوآوری

مرحوم آیت‌الله مهدی قاضی خرم‌آبادی، برخلاف بسیاری از مدیران سنت‌گرا، نه تنها از ایده‌های نو استقبال می‌کردند، بلکه با تمام وجود از جوانان حمایت می‌نمودند. این رفتار، نشان از روح بزرگ، نگاه آینده‌نگر، و ایمان ایشان به ظرفیت‌های نسل نو داشت. ایشان باور داشتند که دانشگاه، اگر قرار است زنده و پویا بماند، باید به جوانان میدان دهد و از آرزوهایشان نه‌راسد.

تأثیر بر من

آن جمله‌ی ساده، «آرزو بر جوانان عیب نیست»، برای من تبدیل به یک شعار درونی شد. هر بار که در مسیر کاری‌ام با تردید یا مقاومت مواجه می‌شدم، آن جمله را به یاد می‌آوردم و با قدرت بیشتری ادامه می‌دادم. اعتماد ایشان، نه تنها به من انگیزه داد، بلکه به من آموخت که چگونه خودم نیز به جوانان اعتماد کنم، به آن‌ها میدان بدهم، و از آرزوهایشان نترسم. همچنین آموختم که در مقام مسئول، باید فراتر از شنیده‌ها و قضاوت‌های سطحی، با بصیرت و انصاف تصمیم بگیرم.

سکه‌ای برای عزتِ همکار

مصطفی نظام‌آبادی^۱

در سالی که مسئولیت روابط عمومی دانشگاه قم را برعهده داشتم، به همراه تیم پرتلاش مان در جشنواره روابط عمومی‌های برتر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شرکت کردیم. در بخش اخبار، موفق شدیم رتبه برتر را کسب کنیم؛ افتخاری که حاصل تلاش شبانه‌روزی همکارانم بود و نشان داد که روابط عمومی دانشگاه قم، با وجود محدودیت‌ها، می‌تواند در سطح ملی بدرخشد.

در مراسم رسمی اختتامیه جشنواره، وزارت علوم به رسم تقدیر، چهار سکه به خبرنگار ما اهدا کرد. این هدیه، هرچند مادی بود، اما برای تیم ما نماد احترام و ارزش‌گذاری به زحمات بی‌وقفه‌مان تلقی می‌شد.

چند روز بعد، تماس تلفنی‌ای از وزارتخانه دریافت کردم. با لحنی رسمی و قاطع گفتند که در روند اهدای جوایز اشتباهی رخ داده و باید دو سکه را به وزارتخانه بازگردانیم. این درخواست برایم عجیب بود. پیگیری کردم و متوجه شدم که چند سکه در جریان جشنواره گم شده و حالا تصمیم گرفته‌اند با بازپس‌گیری بخشی از جوایز برگزیدگان، آن کمبود را جبران کنند.

این برخورد، نه تنها غیرمنصفانه بود، بلکه شأن همکارانم را زیر سؤال می‌برد. خبرنگار ما، با تمام توان در طول سال فعالیت کرده بود و حالا قرار بود بخشی از حقش را پس بدهد، نه به‌خاطر اشتباه خودش، بلکه برای جبران خطای دیگران.

با دل‌نگرانی موضوع را به مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی، منتقل کردم.

۱- سرپرست اداره روابط عمومی زمان مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی.

ایشان با آرامش گوش دادند، سپس با لحنی قاطع و لبخندی زیرکانه گفتند: «اگر از وزارت علوم تماس گرفتند، بگویند که سکه‌ها را به همسرم داده‌ام؛ اگر راست می‌گویند، خودشان بروند و از او بگیرند.»

این جمله، هم طنز داشت، هم اقتدار. ایشان با همین جمله، نه تنها از ما حمایت کردند، بلکه به صراحت در برابر فشار غیر منطقی وزارتخانه ایستادند. خودشان نیز، از موضع دانشگاه دفاع کردند و اجازه ندادند شأن همکاران روابط عمومی زیر پا گذاشته شود.

حمایت از نیروی انسانی

مرحوم آیت‌الله قاضی، مدیری بود که به راستی «پشتِ نیروهایش» می‌ایستاد. برای ایشان، نیروی انسانی صرفاً ابزار اجرای امور نبود؛ بلکه سرمایه‌ای بود که باید با عزت و احترام از آن پاسداری کرد. در این ماجرا، ایشان نشان دادند که حمایت از همکاران، حتی در برابر نهادهای بالادستی، یک اصل غیر قابل چشم‌پوشی است.

تأثیر بر من

این رفتار، برای من درس بزرگی بود. آموختم که مدیر واقعی کسی است که در بزنگاه‌ها، نه تنها از نیروهایش دفاع کند، بلکه عزت آن‌ها را خط قرمز خود بداند. از آن روز به بعد، در هر مسئولیتی که داشتم، تلاش کردم همین نگاه را حفظ کنم: اینکه همکارانم بدانند اگر حقی از آن‌ها ضایع شود، مدیری هست که بی‌تعارف پشتشان می‌ایستد.

کسی که از بن جان کتابدار بود

دکتر علیرضا هویدا^۱

میانه سال ۱۳۸۰ بود که از طرف همکار و یا همکارانی ملتهب کتاب، کتابت، کتابخانه و کتابداری، فراخوان شدم، تا به تأسیس گروه کتابداری و اطلاع رسانی، همت گمارم. همت گماشتم؛ به دیده منت و چه بهتر از این.

پس از طی مسیر به دانشگاه قم ورود پیدا کردم. مات و مبهوت که این چیست که در دل کویر شوره زار سرافراشته و نام دانشگاه گرفته. این همه ساختمان و ابنیه، شسته و رفته از کدام مدیریت برخاسته. طولی نکشید که جواب خود را یافتم. پیرمردی بی پیرایه، ساده نشین، بشاش و خوش خلق. بر پشت میزی آهنی چند سال قدیمی و جلوس برصندلی قدیمی تر از میز آهنی.

من را موشکافانه ورنانداز کرد و خیر مقدمی بسیار گرم و صمیمی، میهمانم کرد به دعائی غرا و منت گذار خویش نمود به مدت بیش از ده سال، بدون آن که دریابم چه درد جانکاهی دو پهلوی او را به خود می فشارد.

آیت الله برای گروه، مایه بسیار نهاد. از جان و دل. هرآنچه لازمه قوام گروه کتابداری و اطلاع رسانی بود در کف اخلاص نهاد و مهیا نمود. به نخستین راه، جوانان جویای علم، دانش، معرفت و جوهر را به عنوان همکاران هیئت علمی به تدریس فرا خواندم و چه همکاری هایی که مبذول نداشتند، از جان و دل. اینک همگی آنان شهره تدریس و پژوهش هستند در مقام استادی. به آنان افتخار می کنم.

۱- مؤسس و مدیرگروه رشته علم اطلاعات و دانش شناسی زمان مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی.

گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه قم، اینک دارای دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است از برکت دوران‌دیشی آیت‌الله مهدی قاضی خرم‌آبادی(ره).
آخرین جمله‌اش را به خاطر دارم:
"قرن‌ها است شهر قم، مرکز کتاب، کتابت و کتابخانه است، اینک تازه در اندیشه تأسیس گروه کتابداری افتاده‌ام. چه دیر ولی هنوز هم دیر نیست."
دعا می‌کنم مجلس آیت‌الله مهدی قاضی خرم‌آبادی(ره) بشوم به بهشت، به دعای خیرش و به شفاعت خیرش